

فهرست مطالب

۲	سخن ماه	•
۳	سخنرانی حامد کرزوی در نشست سازمان همکاریهای شانگهای	•
۶	آشنایی با سازمان همکاریهای شانگهای	•
۷	د شانگهای د همکاری د سازمان اقتصادی ادخ	•
۱۰	گفتگویی با سرمحقق عبدالباری راشد رئیس محترم اکادمی علوم	•
۱۳	تأثیر صلح و مصالحه بر وضع اقتصادی	•
۱۸	رونق بانکداری اسلامی در اروپا	•
۲۱	جایگاه زکات در اسلام - بخش دوم	•
۲۵	اخبار و گزارش های اقتصادی	•
۲۷	به پیشواز بیست و هشت اسد	•
۳۰	حضرت بی بی فاطمه (س) الگو برای زنان مسلمان جهان	•
۳۱	گرامیداشت روز مادر از سوی وزارت امور زنان	•
۳۴	نگاه مختصر بر جغرافیای تاریخی غزنی	•
۳۹	هرات در گذرگاه تاریخ	•
۴۱	زنان سخنور افغانستان	•
۴۴	سلطان رضیه نخستین پادشاه زن مسلمان	•
۴۷	خدمات بنیاد غضنفر	•
۴۸	مرکز آموزشی غضنفر بانک	•
۵۰	نمایندگی ها	•
۵۲	عرفان و سماع	•
۵۵	نیستان (ویژه شعر و ادب)	•
۵۸	جمله های طلایی	•
۶۰	مهرجویی (اویزیک قلم کشلری)	•
۶۲	محاوره اوزبیکی	•
۶۴	یوسف و زلیخا (دانستان)	•
۶۹	Murabaha	•
ادبی		



صاحب امتیاز : غضنفر بانک
مؤسس : محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسؤول : نوراحمد فهیم

هیأت تحریر
سرمحقق عبدالباری راشد
بوهنجار سیف الدین سیحون
معاون سرمحقق شیرعلی تزری
معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار
دیزاینر: احمد تمیم ولیزاده

ادارة ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
 مقالات دست باز دارد.

آدرس : ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
 کابل-افغانستان
 شماره های تماس : +۹۳(۰)۷۹۷۸۶۰۸۸
 +۹۳(۰)۷۹۹۴۲۸۳۶۶
 Email:magazine@ghazanfarbank.com
 www. ghazanfarbank.com
 چاپ: مطبوعه سرعی



آگاهی از حساب توسط موبایل

پیام های اطلاعاتی در مورد معاملات

غضنفر بانک به منظور محافظت هر چه بیشتر صورت حساب و سرمایه مشتریان خویش از جعل کاری و تقلب، اخیراً خدمات پیام های کتبی تحت عنوان (**آگاهی از حساب توسط موبایل**) را آغاز نموده است. این خدمت در زمان برداشت و انتقال پول از حساب تان فعال می گردد. زمانی که بیشتر از 50,000 ۵۰۰۰۰ افغانی و یا 1000 دالر امریکایی پول از حساب تان دریافت شود، یک پیام معلوماتی به موبایل شما فرستاده می شود. این پیام برای مشتریانی که از خدمت بانکداری از طریق موبایل استفاده می کنند، ارسال می گردد. دیگر مشتریان می توانند با مراجعه به نزدیک ترین نمایندگی غضنفر بانک شماره تلفون خود را ثبت و راجستر نمایند. در حال حاضر این خدمت برای مشتریان روشن و افغان بیسیم مهیا می باشد.



SMS - Alert

For greater protection against fraud, Ghazanfar Bank has recently started sending SMS notification whenever you successfully complete transactions (Debit only) for amounts of \$1000 or more. This service is automatically made available to customers who have subscribed to SMS service. Other customers can approach the nearest branch to avail of this service. This service is now available for AWCC and Roshan customers.

غضنفر بانک با مدرن ترین امکانات اندوخته های شما را تضمین می کند



در دهمین نشست سران کشور های عضو سازمان همکاری های شانگهای



گویند. در این میان، ما به مشارکت و همکاری صادقانه برای مبارزه با پدیده های همچون دهشت افگانی، گسترش غیرقانونی اسلحه، مهمات، مواد انفجاری، مخدرات و مواد متشکله کیمیاولی آن نیاز داریم.

در حال حاضر، افغانستان در حال تحقق روند انتقال مسؤولیت ها می باشد. نیروهای امنیتی افغان مصمم اند مسؤولیت های امنیتی کشور شانرا به شکل روز افزون از نیروهای امریکایی و ناتو به عهده بگیرند. افغانها متعهد اند تا مسؤولیت امنیت کشور شانرا الی اخیر سال ۲۰۱۴ کاملاً بدوش بگیرند و بدین ترتیب، زمینه خروج نیروهای همکار بین المللی از افغانستان مساعد گردد.

جلالتمآب رئیس جمهور نور سلطان نظریابیوف، جلالتمآب، هیأت های محترم، خانمها و آقایان! جای بسا افتخار و مسرت است که در این نشست پژوهشیت سازمان همکاری های شانگهای در حالی اشتراک می کنم که این سازمان دهمین سالگرد تأسیس و تعهدش برای تأمین صلح، ثبات و امنیت منطقه را جشن می گیرد. این سازمان توانسته است در مدت زمان کوتاهی به یک نهاد تاثیرگذار در راستای توسعه همکاری های امنیتی و اقتصادی در منطقه عرض وجود نماید. من امروز مراتب بهترین تمنیات مردم افغانستان برای تداوم موقیت این سازمان را خدمت شما آورده ام.

میخواهم از رئیس جمهور نور سلطان نظریابیوف به خاطر مهربانی و میزانی دلپذیر ایشان از ما، اظهار سپاس نمایم. با اعتقاد میتوانم بگویم که با رهبری مدیرانه رئیس جمهور نظریابیوف، این نشست می تواند سازمان همکاری های شانگهای را به یک وسیله مهم همگرایی و همیاری به هدف تأمین صلح، امنیت و پیشرفت در منطقه تحکیم بخشند.

عالی جنابان!

سعادت و سلامت خانواده ملل عضو سازمان شانگهای بدون شک بستگی به صلح و ثبات در منطقه دارد. بنابرین، بر ماست تا میزان و ساخته همکاری های مان برای نیل بر این اهداف را بیشتر از پیش تعمیق و تحکیم بخشمیم.

ما در افغانستان، روند صلح و مصالحه را با آن تعداد از طالبانی تعقیب خواهیم کرد که پیوند شان با گروهای دهشت افغان را قطع کرده و قانون اساسی افغانستان را بپذیرند. برای موفقیت این امر، ما به حمایت کشور های عضو و ناظر در این سازمان نیاز داریم. همچنان، ما خواستار حذف نام طالبانی از فهرست تعزیزات سازمان ملل شدیم که مایل اند به روند صلح و مصالحه لبیک



سخن‌رانی جلالتمآب حامد کرزائی رئیس جمهور کشور



سخن ماه

ضرورت رشد سکتور زراعت

للمی کشت می شود و شدیداً به آب نیاز دارد. بناءً باید در جهت مهار کردن آبهای کشور و ساختن بند ها اقدام گردد.

از سوی دیگر عدم توسعه زمین های قابل کشت و توزیع نا عادلانه زمین، موافق دیگری فرا راه توسعه زراعت در افغانستان بوده، بسیاری از دشت های وسیع کشور که قسمت اعظم آن در ولایات کندز، بغلان، فاریاب، بادغیس، بلخ، جوزجان، فراه، نیمروز، هلمند، قندهار و هرات، موقعیت دارند، لامزروع است که باید زمینه کشت آن آماده شده و برای مردم سراسر کشور به صورت عادلانه توزیع و کشت گردد. عدم وجود کوپراتیف های زراعتی، نبود امکانات و تجهیزات زراعتی، عدم توجه دولت به بخش زراعت و حذف بانک زراعتی، از جمله مواردی است که منجر به عدم رشد و توسعه بخش زراعت کشور شده است.

همین طور کمبود زمین زراعتی، بی آبی، نبود سردهخانه ها و انبار ها برای نگهداری میوه جات، سبزیجات و سایر محصولات کشاورزی، پایین بودن بهای محصولات کشاورزی کشور به نسبت ورود محصولات مشابه و دمپنگ کشورهای خارجی باعث شده است که بسیاری از دهاقنین ما برای تهیه مخارج زندگی شان دست به کشت خشکاش بزنند و محصولات کشاورزی کشورهای همسایه با کیفیت پایین تری به بازار های کشور عرضه گردد. اما اگر وزارت زراعت در جهت جایگزین کردن نباتات سوداوار دیگری از جمله زعفران به جای خشکاش تلاش نماید و دهاقنی را با ارایه امکانات مدرن کشاورزی به کشت زعفران و نباتات مفید و سود اور دیگری تشویق کند به یقین که مردم مسلمان افغانستان با در نظر داشت اضرار مواد مخدوش، احکام الهی در مورد منبع تولید مواد مخدوش و حفظ عزت و آبروی کشور در برابر جهانیان از کشت خشکاش دست خواهند کشید.

بنابرین وزارت زراعت و جامعه جهانی باید دیدگاه های خود را پیرامون سکتور زراعت افغانستان تغییر بدهند، در این بخش بیشتر سرمایه گذاری کنند و این سکتور را تقویت کنند، در این صورت به یقین که نه تنها نیازی به وارد کردن محصولات زراعی خصوصاً گندم نخواهیم داشت بلکه محصولات اضافی برای صدور نیز خواهیم داشت.

افغانستان کشور زراعتی است، زراعت نه تنها نقش کلیدی در توسعه اقتصاد کشور و رفاه جامعه دارد بلکه زیر بنای اقتصاد کشور را تشکیل می دهد زیرا بیشة اکثریت مردم افغانستان زراعت و مالداری بوده و از این طریق امرار معاش می نمایند، پیامد های ناگوار جنگ های سه دهه اخیر سکتور زراعت کشور را شدیداً متضرر کرده است. گرچه این بخش در ده سال اخیر یعنی بعد از تأمین امنیت نسیی در افغانستان، بازگشت مهاجرین به کشور و سازایش شدن کمک های خارجی رشد نسبی داشته است اما با مقایسه نیاز مندی های مردم افغانستان به محصولات زراعتی، فراهم بودن زمینه های کشاورزی و کمک های جامعه جهانی در افغانستان، آنچنان که باید رشد می کرد، نکرده است. در حال حاضر دهاقنین و کشاورزان ما از تکنولوژی و امکانات ابتدایی کشاورزی محروم اند، حتی توانایی خرید کود کیمیاولی و دوای دفع آفات نباتی را ندارند. گرچه وزارت زراعت تا حدودی در جهت اصلاح نباتات و توزیع بذر اصلاح شده تلاش هایی را انجام داده است اما برای کشاورزان سراسر کشور کافی و قناعت بخش نیست و تا هنوز از بسیاری نباتات کشور به صورت ابتدایی و عنعنی کشت و برداشت می شود.

با در نظر داشت امکانات وسیع کشاورزی در افغانستان بويژه وجود منابع سرشار آبی، وجود زمین های بایر و لامزروع، وجود نیروی کافی برای کار و پرداخت کمک های جامعه جهانی در افغانستان بخش زراعت باید رشد چشمگیری می داشت. حداقل از بابت محصولات و فرآورده های کشاورزی بی نیاز می شد. اما متأسفانه به دلیل عدم استراتژی مناسب زراعتی و بی توجهی به سکتور زراعت که یکی از اساسی ترین و کلیدی ترین سکتور در بخش اقتصادی به شمار می رود، سبب شده است که بخش زراعت رشد چندانی نداشته باشد.

افغانستان از منابع سرشار آبی برخوردار است اما متأسفانه به دلیل عدم برنامه ریزی مناسب برای مهار کردن آبهای فیضی بیشتر آبهای کشور به هدر می رود و یا به کشورهای همسایه سازایش می شود. در حالی که آب اساسی ترین ثروت ملی به حساب می آید، بسیاری از زمین های زراعتی کشور به صورت



حساب مضارب میعادنی

این حساب بانکی بین مشتریان و غضنفر بانک در روشنایی شریعت اسلامی و پیروی از اصول و معیارهای فقه مضارب انجام می‌باید. مفاد حلال این حساب بانکی که از سرمایه گذاری در پروژه‌های مشروع واسلامی به دست می‌آید، بعد از سپری شدن زمان قانونی آن که در قرارداد میان طرفین قید شده است، به حساب مشتری انتقال می‌باید. مدت قانونی این حساب بانکی از شش ماه تا یک سال می‌باشد.



غضنفر بانک پیشتاز در بانکداری اسلامی

ما دارای ظرفیت عظیم رشد و شگوفایی می‌باشد. برخی در میان ما، مانند چین، هند و روسیه میزان رشد فوق العاده را در اقتصاد و نحوه زندگی شان تجربه می‌کنند. این کشورها می‌توانند و باید به عنوان موتور رشد برای بقیه منطقه خدمت کنند. همکاری‌های نزدیک منطقه‌ی میان ما به ویژه در زمینه‌های تجارت، ترانزیت، حمل و نقل، انرژی و مواصلات موجب همگرایی منطقوی می‌گردد. افغانستان امده است در تمامی این ساحت‌های همکار باشد. افغانستان صاحب ثروت فراوان زیزی‌منی است که در صورت بهره برداری درست می‌تواند منطقه‌ی ما را به عنوان مرکز مهم اقتصادی جهان مبدل سازد. ما از سرمایه گذاری چین در استخراج و بهره برداری از معادن در افغانستان استقبال می‌کنیم و از سایر دولتان خود دعوت می‌کنیم تا از نمونه سرمایه گذاری چین در اقتصاد ما پیروی نمایند.

علی جنابان!

در یک دهه گذشته، ما همواره روی توسعه روابط دوجانبه با تمامی کشورهای عضو سازمان شانگهای تمرکز کرده ایم. در طول سال‌ها، روابط دولتی میان کشورهای مان در زمینه‌های اقتصادی، تاریخی و فرهنگی عمیق تر شده است. ما باور داریم که چهارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند اساس خوبی برای گسترش و شگوفایی هرچه بیشتر این پیوند‌ها باشد. ما حضور و اشتراک خود به حیث "کشور مهمان" در ۱۰ سال اخیر در این سازمان را قدر می‌کنیم، اما امروز می‌خواهیم موقف "ناظر" را در این مجمع مهم کسب نماییم و آرزو می‌بریم شورای سران کشورهای عضو این سازمان به این درخواست افغانستان پاسخ مثبت ارایه نمایند. از مقامات کشور روسیه تشکر می‌کنیم که ما را برای برداشتن این گام بلند ترغیب کرد و از ابراز حمایت دیگر اعضای این سازمان ابراز امتنان می‌کنیم.

خانمها و آقایان!

آنینه برای همه ما فرصت‌های عظیمی از ثبات و سلامت را در آغاز دارد. همبستگی و مشارکت و همکاری باید بنیاد آینده مشترک مانرا تشکیل دهد. افغانستان از هر گونه همکاری در جهت بهره گیری از ظرفیت‌های موجوده برای تأمین یک منطقه مصون و مرفه درین نخواهد کرد.

اما، دست یافتن به ثبات و توسعه درازمدت اقتصادی مستلزم تداوم حمایت و همکاری جامعه جهانی بعد از ۲۰۱۴ می‌باشد. با درنظرداشت این مهم، ما با متحده‌ی منطقوی و بین‌المللی خود از جمله ایالات متحده امریکا وارد بحث‌ها و مذاکرات برای ادامه کمک‌های جامع و درازمدت برای افغانستان شده‌ایم.

عالی جنابان!

ایالات متحده و جامعه جهانی در حالی به افغانستان حضور یافته‌ند که ما فاقد حکومت ملی، نیروی امنیتی ملی و اقتصاد ملی بودیم و هیچ امیدی برای فرار از این دایره باطل خشونت نداشتمیم.

در ده سال اخیر، همکاری ما با جامعه جهانی به شمول همسایه‌ها و کشورهای منطقه به سود واقعی همگان انجامیده است. اقتصاد بهتر، احیای نظام تعلیمی، اصلاح خدمات صحی و اعاده زیرساخت‌های شکسته افغانستان از دست آورد ها می‌باشد.

اما، با این همه، مردم ما هنوز به صلح و امنیت دلخواه، عاری از دهشت افگانی و خشونت دست نیافتدند. نهادهای دولتی و اقتصاد ملی هنوز آسیب پذیر و نیازمند حمایت متداوم می‌باشد. در عین حال، این نیز آرزوی مردم افغانستان است که حضور نیروهای امریکایی و ناتو/آیساف در کشور شان قانونمند گردد.

افغانستان یک کشور دارای حاکمیت ملی است و طبیعی است که در این سرزمین تنها قوانینی می‌تواند نافذ باشد که ازان خود این کشور است. بدین منظور، ما می‌کوشیم تا حضور نیروهای ناتو/آیساف در مطابقت با قوانین ملی ما تنظیم شده و با نیازهای یک ملت مستقل و دارای حاکمیت سازگار باشد. در جریان همین سال، در نظرداریم گردهم آیی بزرگ مردمی (لویه جرگه مردمی) را برگزار کنیم تا روی تمامی مسائل مربوط به همکاری‌های راهبردی مشورت ارائه نمایند.

در بحث‌های دوجانبه و چند جانبه مان با ایالات متحده و ناتو، ما متوجه ابعاد منطقوی این همکاری‌ها و نیز نگرانی‌های همسایه‌های خود می‌باشیم. هرگاه ما به این باور بررسیم که یک چنین همکاری میتواند امنیت همسایه‌های ما و یا منطقه‌ما را به مخاطره بیندازد، بر آن توافق نخواهیم کرد.

خانمها و آقایان!

ما آینده خود را متعلق به این منطقه می‌دانیم. منطقه



د شانگهای د همکاری د سازمان اقتصادی اړخ او د هغې سره د افغانستان اړیکې

څیرونوال عبدالحکیم رامیار



اقتصادی او ټولنیزو مسئلو د حل په خاطر او له بلی خوا د پخوانی شوروی اتحاد خخه د مرکزی آسیا جلا شویو جمهوریتونو سره چې روسيه بې او س هم د خپلو ملي ګټو سیمه ګنې د لویدیع د نفوذ او ده ګه په سر کې د متعدد ایالتونو د مخ پر زیاتیدونکو اړیکو او مناسباتو د مخنيوی لپاره هڅو ته اړ شوه، نوله همدي امله و چې د پخوانیو سیاسی اندیوالو سره په ملتیا یې د لویدیع د نفوذ د مخنيوی او د ترهه ګری او مخدره توکو په وړاندی د خپلو پولو د ساتلو په خاطر په لزمو اقداماتو لاس پوري کړ.

د چین هیواد د ترهه ګری او مخدره توکو په وړاندې د خپلو پولو د ساتلو په خاطر، د سینکیانګ ایالت ته د رادیکال مسلمانانو او ترهه ګردو د تیریدو د مخنيوی په خاطر د پولی د خوندی کولو او له بلی خوا د خپل غوریدونکي اقتصاد د محصولاتو د پلورلو په خاطر بازارونو او د خپل ضرورت وړ انژۍ د لاسته راولو په موخه د سیمی د هیوادونو اقتصادي او ستراتیژیک ظرفیتونو ته نظر درلود. په پایله کې د ۱۹۹۶ م کال د اپریل په ۲۶ مه د شوروی د وخت د (اجبار اووسپنیز نظم) پرته د

نېټه د تیرې پېړی د اتیاومې لسیزې را پدیخوا چې د سربی جګړې ختم کنل کېږي ډېرې پېښې تجربه ګرې دي. د هغې جملې نه مرکزی آسیا چې د بلایو زیرمو، ارزانه بشري خواک او پراخه مصرفی بازارونو درلودونکي دي، د ورستیو کلونو د ډیرو حوادثو مرکز ګرځیدلی ده او په دي موده کې د پام وړ اقتصادي، سیاسی او امنیتی پېښو او بدلونو شاهد وه او ده. د تیرې پېړی په نهمه لسیزه کې د شوروی اتحاد رنګ او سړه جګړه پای ته ورسیده. په پاکستان او افغانستان کې د څینو ترهه ګردو او جګړه مارو د څالو په شتون او د تاکلو کړيو او محافلو په هڅونه او ملاتې د مرکزی آسیا نوی خپلواک شوی هیوادونه هم د کورنۍ جنګ او بې ثباتی سره مخامنځ شول. د وسلو، مخدره توکو او د انسان د ترافیک د کا رو باریانو او مافیا بازار بنه تود او د آسیا د مرکزی سیمی د هیوادونو پولې د جدی ګواښ سره مخامنځ شوې. جګړه او ترهه ګری د آسیا په زړه کې محدوده پاتې نه، بلکې د لویدیز هیوادونو پولو ان چې امریکا ته ورسیده.

روسیه چې د شوروی اتحاد د نپیدو وروسته په یوه اقتصادي ژور بحران کې راګیر شوې وه له یوی خوا د سیاسی،

آشنایی با سازمان همکاری های شانگهای (SCO)



این نشست نخست کشور ازبکستان به عنوان عضو جدید پذیرفته شد که عملاً نام ګروه را به شانگهای ۶ تغییر داد. سپس در ۱۵ جون سال ۲۰۰۱ سران کشورهای عضو در نشستی ضمن قدردانی از عملکرد ګروه شانگهای ۵، تأسیس سازمان همکاری شانگهای را به هدف افزایش سطح همکاری ها اعلام کردند.

سران کشورهای عضو در ماه جون ۲۰۰۲ در شهر سنت پترزبورگ روسیه ګرد آمدند تا جزیات اساسنامه سازمان را که شامل اهداف، ساختار و راهکارهای سازمان بود به بحث و بررسی بگذارند. پس از این

توافقنامه موجودیت سازمان عملاً از نظر حقوق بین‌المللی رسماً پیدا کرد. همکاری در مسایل امنیتی، همکاری‌های اقتصادی و همکاری‌های فرهنگی بین اعضا نیز از دیگر ویژگی‌های سازمان همکاری‌های شانگهای به شمار می‌آید. اساسنامه سازمان همکاری‌های شانگهای بر شفافیت عملکرد و بی‌طرفی نظامی آن تاکید می‌کند.



قابل یادآوریست که افغانستان نیز همکاری خود را با این سازمان اعلام کرده است و حضور جلالتماب حامد کرزی در آخرین نشست این سازمان در کشور قزاقستان و بررسی اوضاع افغانستان در این نشست بیانگر اهمیت حضور افغانستان در این سازمان می‌باشد. چنانچه عملاً به اثبات رسید که پیشنهاد مبارزه مشترک با مواد مخدر از سوی رئیس جمهور کشور ما با استقبال گرم کشور های عضو این سازمان مواجه شده است.

منبع: اینترنت

سازمان همکاری‌های شانگهای (Shanghai Cooperation Organization) در سال ۲۰۰۱ توسط سران روسیه، قزاقستان، چین، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان بنیان گذاشته شد. سازمان همکاری‌های شانگهای سازمانی بین دولتی است که برای همکاری‌های چندجانبه امنیتی بنیان گذاشته شد. این سازمان در حقیقت ترکیب جدید سازمان شانگهای ۵ است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود، ولی نام آن پس از عضویت ازبکستان به سازمان همکاری شانگهای تغییر داده شد.

علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغلستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان و هند به عنوان عضو ناظر به این سازمان ملحق شدند. این سازمان برخلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو سابق، یک معاهده دفاعی چندجانبه به شمار نمی‌رود. اما نخستین هدف آن غیرنظمی کردن مرز بین چین و شوروی سابق بوده است.

گروه شانگهای ۵ در ۲۶ آپریل ۱۹۸۶ با امضای توافقنامه‌ای به منظور تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی توسط رهبران وقت کشورهای قزاقستان، چین، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان به وجود آمد. این کشورها مجدداً در تاریخ ۲۴ آپریل ۱۹۹۷ در مسکو توافقنامه‌ای به منظور کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی به امضای رسانند.

نشستهای کشورهای عضو شانگهای ۵ در سال ۱۹۹۸ در شهر آلماتا (قزاقستان)، در سال ۱۹۹۹ در بیشکک (قرقیزستان)، و در سال ۲۰۰۰ در شهر دوشنبه (تاجیکستان) برگزار شد. نشست این گروه در سال ۲۰۰۱ در شهر شانگهای در چین برگزار شد. در

اصلی او ناظر هیوادونو په زړه او مرکز کې پروت او د ګرو هیوادونو له خوا را چارپیر شوی دي، او د ځمکی له لاری د نوموریو هیوادونو د اړیکو نیولو او راکړۍ ورکړۍ یوازنې لزه ده. او له بلی خوا افغانستان یو مخ پروډۍ، ويچار هیواد دی او د رغافونی او پراختیبا لپاره د پانګونو تر خنګ بنه مصرفی بازار لري په تیره بیا چې کانۍ بدایی زیرمی یې تراوسه نه دی کارول شوی. تر خنګ یې دا سازمان د افغانستان سره د اړیکو د مثبت



ارخ نه علاوه هغوي ته د منفي اغیزو احتمالی رسیدل هم په نظر کې لري، ئکه هیڅ خوک د دي نه انکار نشي کولای چې د افغانستان د مخدرو توکو د کارو بار مافیا او په افغانستان کې شته تره ګری او بنسټپالی ډلي به د هغوي تولني او پولې ونه ګواښوی نو په دی خاطر ده چې زمونږ هیواد د دی تر خنګ چې د هغوي د اقتصادی امکاناتونه د کار اخیستنې لیوال دی. د تره ګری او مخدرو توکو پر وړاندې په مبارزه کې د هغوي د امکاناتونه کار اخیستنې تمه لري او غواړي چې د دی سازمان غړیتوب تر لاسه ګری. نو ددي شرایط او ضرورتونو پر اساس د افغانستان هیأت د افغانستان د جمهور رئیس په مشری د سازمان په لسمه غونډه کې چې د روان کال د جوزا د میاشتې په ۱۵ مه د قزاقستان په پلارمینه آستانه بشار کې جوړه شوی وه، د میله په توګه ګډون وکړ او د غړیتوب غونښتونکی شو.

هغه په مناسبو شرایطو تر لاسه کولاهی شي. له بلی خوا روسيه چې د پخوانی زېرخواک شوروی اتحاد وارث دی د نظامی پلوه اوس هم څوکمن هیواد شمېرل ګېږي، بدایی اقتصادی او کانۍ زیرمی لري او ورو ورو د نظامی او اقتصادی پلوه د امریکې په مشری لوډیز و قدرتونو سره دیوه خواک په توګه سیالی ته را ولزېږي. متعدد ایالتونه او د هغه اندیوالان په دی موضوع بنه پوه دی چې کیدای شي دا سازمان د نظامی پلوه د (وارسا پکت) خای ونیسي او د اقتصادی لحاظه به په یوه پیاوړی سیمه ایز قدرت بدل شي. نو له همدي امله و چې خو کاله مخکې متعدد ایالتونه په هغه کې د غړیتوب غونښتونکی شو چې د سازمان غړو هیوادونو په دی پلمه چې امریکا په سیمه کې موقعیت نلري هغه رد کړ.

زموږ د هیواد لپاره دا سازمان او د دی سازمان لپاره زموږ هیواد د پام ور اهمیت لري. زموږ هیواد د دی سازمان د هیوادونه یې غړي دي. نو په طبیعی بنه د خپلو بیسارو تولیدی،

علمی او تکنالوژیکی محصولاتو د پلورلو په خاطر بازارونو ته اړتیا لري. د بیلګې په توګه د مرکزی آسیا د هیوادونو سره د چین ۹۲ سودا ګریزی راکړې ورکړې د ۵۰۰ میلیون ډالرو خڅه په ۴۰۰۰ میلادی کال کې دوه میلیاردو ډالرو ته په ۲۰۰۰ م کال کې رسدلې دی. له بلی خوا چین او هند چې اوس مهاله دیر ګرندي وده لري او بنه راتلونکې ورته اټکل کېږي د سیمې تیلو او ګازو ته اړ دی، چې د ګاونديو او د سیمې د هیوادونو سره په همکاري کې

مقاماتو اعلام وکړ چې په وروسته مانورو کې به هند هم ګډون ولري. تر هغې وروسته د سازمان د خارجه وزیرانو د ۲۰۰۶ کال د ناستې د هوکړې پر اسas د آسیا اړیوا په ګډو پولو یورال غردونو د روسيې د چلیابنسک په سیمه کې د چین د ۴۰۰۰ پوخيانو په ګډون نظامي مانور تر سره کړ.

د دولتونو سیاسی، نظامي او اقتصادی تاریخ دا په ډاګه کړي دی چې تل قدرت په نریووالو اړیکو او سیاست کې بنستیز او تاکونکی عامل وو او دی، اما د اوس وخت (قدرت) تر ډیره د (ژیوپولیتیک) او نظامی توان په ئای په (ژیواکونومی) پوری تراو لري. ژیوپولیتیک چې د قدرت موخو ته د رسیدو به خاطر د جغرافیا یو محیط پیژندنه او کارونه ده، پخوا به هیوادونو د خپلو موخو د لاسته راولرو په خاطر ور خڅه کار اخیست خو اوس د هغه په خنګ کې جیواکونومی ته چې د جغرافیا یو موقعیت تر خنګ طبیعی او اقتصادی زیرمی په نظرکې نیسي، پام اوښتی دی. د شانګهای سازمان غړي هیوادونه د دی سره سره چې د سیاسی او اقتصادی پلوه بیل نظامونه او حکومتونه لري خود همکاری او سیمه ایزو همکاریو له امله د سیمې د جیواکونومی امکاناتو خڅه د کار اخیستلو په تمد دی. ددی په خنګ کې هغه انګیرنې چې ګویا د متعدد ایالتونو په مشری لوډیز هیوادونه د خپلو نظامي او اقتصادی پیاوړیا وو له امله په نا اندوله بنه دیسیمې پر هیوادونو خپلی موخو د لاسته راولرو په خاطر، نامنیو او اختلافونه لمن وهی، باعث ګېږي چې د سیمې هیوادونه ورخ تر ورخی سره نېږدی شي.

د اقتصادی پلوه د شانګهای د همکاری سازمان ډی ۶۱ پراخه امکانات لري یواخې د هغه شپږ دایمی غړي د ځمکی د ۳۱ سلنی مساحت، د نړی ۸ سلنی ثابت شوی خام نفت او د ۲۰۰۳ سلنی د ګازو زیرمی په خپل واک کې لري، آن تر دی چې خینې کسان هغه د اوس وخت اوپک ګنې. او هم خه ناخه څوکمن او د اقتصادی او تکنالوژیکی پلوه پرمخ تلونکی او غورېدونکی هیوادونه یې غړي دي. نو په طبیعی بنه د خپلوبیسارو تولیدی،

نویو شرایطو په نظرکې نیولو سره د واقعیتونو پر بنا او خوبنه پنځه هیوادونه روسيه، چین، قرقیستان، افغانستان او تاجیکستان د (پنځه شانګهای)، تر عنوان لادې په یوه تړون کې سره یوځای شول. د سازمان په شپږمه ۲۰۰۱ د ۲۰۰۱ م. د جون په ۱۰۰ مه ناسته کې چې د شانګهای په بشار کې جوړه شوی وه ازبکستان هم پری ورکړه او نوم یې (د شانګهای د همکاری سازمان) په نوم بدل شو. په ۲۰۰۴ م کال کې مغولستان او یو کال وروسته ایران، پاکستان او هندوستان د ناظر هیوادونو په توګه په کښې غړیتوب تر لاسه کړ. د ۲۰۰۲ م کال د جولائي میاشت په غونډه کې چې د روسيې د سن پترزبورګ په بشار کې جوړه شوی وه د سازمان اساستنامه و خپل شو او د هغې په تصویب سره د دی سازمان سیاسی او حقوقی موجودیت په نړیواله کچه تثبت او دیوه سیمه ایز څوکمن قدرت په بشاره را خرګند شو. دا سازمان د ناظر هیوادونو پرته تقريباً ۳۷ میلیون کیلو متر مربع مساحت لري او د وه میلیارد د ۷۰۰ میلیونه نفوس لري چې د نړی ۴۰ سلنی کېږي او هم د دو قارو، آسیا او اروپا لویه سیمه احتوا کوي.

په ۲۰۰۱ م کال کې د شانګهای د همکاری سازمان د جوړیدو وروسته د سازمان بپلا بپلا غونډې جوړي او اپونډه بپلا بېلې سیمه ایزی او نړیوال مسئلې او موضوعات یې تر بحث او خپرېنۍ لادې نیولی دی. په منځنۍ آسیا کې امنیتی مسئلې تروریزم، بیل غښتنې او بنسټ پالی د سازمان د پام ور موضوعات دی.

په ۲۰۰۴ م کال کې د تاشکند په غونډه کې د تروریزم ضد سیمه ایز جوښت جوړ او تصویب شو. غړو هیوادونو په ۲۰۰۶ م کال کې اعلام وکړ چې د تروریزم ضد سیمه ایزو جوښت پر بنا به په خپلوبیل کې د مخدره توکو د قاچاق په وړاندې مبارزه وکړي. دهغه وروسته د غړو هیوادونو د نظامي ګډو مانورو د اجراکولو بند و بست وشو، او لوړنې نظامي مانور یې په کال ۲۰۰۳ م کال کې د دوو فازو په ترڅ کې په قرقیستان او چین کې تر سره کړ. دوهم لوی نظامي مانور یې (د ۲۰۰۵ سولی ماموریت) و چې د روسيې او چین په ګډون اجرا شو او دهغې نه وروسته روسي

- ارایه گزارش های معاملات بانکی که بتوانند موارد دوران پول و سرمایه های بانک و مشتریان خود را با عرصه های خدمات و شیوه های معاملات روشن سازد و موجب رضایت و اطمینان مشتریان شود. (مخصوصاً از طریق نشریه های رسمی بانک).

- قناعت به حد اقل مفاد عادلانه در معاملات برای جانب بانک و مفاد لازم به مشتری و احتراز از غبن و اضافه روی در جذب حداکثر مفاد برای بانک و وارد شدن ضرر به مشتری.

- مشخص ساختن موارد استفاده از سپرده های بانکی مشتریان به طور مضاربه و تثبیت مفاد و یا ضرر هر مشتری پس از یک دوره معین دوران پول در مضارب و انتقال آن به حساب بانکی مشتری.

بهر حال آنچه برنامه ریزان عملیات بانکی همیشه باید مد نظر داشته باشند پرهیز از سود پرستی و اصلاح مداوم عملیات بانکی در جهت ایجاد عدالت اجتماعی و تکامل همه جانبه آحاد مردم است.

زیرا طرز عمل بانک اسلامی که بر اصل شراکت استوار است عاری از بهره می باشد. بنابر این مسأله پرداخت بهره به پس انداز کنندگان یا دریافت بهره از مشتریان مطرح نیست.

پرسش: چه پیامی برای مردم افغانستان در خصوص استفاده از بانکداری اسلامی دارید؟

پاسخ: پیام من برای مردم شریف و مؤمن افغانستان در خصوص استفاده از بانکداری اسلامی اینست که: به منظور مبارزه علیه راکد ماندن سرمایه های شان در جیب و بکس و سیف و الماری وغیره جاهای مخصوص، پول های شان را از طریق بانکداری اسلامی به دوران بیندازند تا از یکطرف پول های شان از طریق حلال نمو نموده و سرمایه های بزرگتری را خداوند^(۷) نصیب شان فرماید. از سوی دیگر به رشد اقتصاد ملی کمک نمایند و در پایان مهم تر از همه از عذاب الهی به خاطر کنتر پول و عدم انفاق آن به مستحقین نجات یابند که خدای متعال در این خصوص می فرماید.

ترجمه: آناییکه طلا و نقره (پول و سرمایه) را کنتر می کنند و در راه (اعلای) کلمه الله و خدمت به خلق) الله آنرا انفاق نمی کنند پس به عذاب درناک آنها را بشارت ده. (آیه ۳۵ سوره توبه)

پرسش: اقدام غضنفر بانک در راستای ایجاد بانکداری اسلامی چه نقشی در رشد اقتصاد کشور و حفظ ارزش های اسلامی دارد؟

پاسخ: این اقدام نیک و بزرگ غضنفر بانک مبین دور نگری اقتصادی و روشن بینی مسوولین محترم غضنفر بانک در روشنایی احکام جهانشمول و علمی بانکداری اسلامی است که هم موجب رشد اقتصادی مطلوب در سطح کشور و هم سبب رشد عالی اقتصادی خود غضنفر بانک متناسب به کمیت مشتریان آن می شود. و هم در احیای یکی از ارزش های فراموش شده اسلامی (بانک داری اسلامی) گامی استوار و سزاوار پاداش الهی گذاشته اند که یقیناً فراموش تاریخ اسلام و وطن نخواهد شد.

پرسش: چه پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد غضنفر بانک بویژه بخش بانکداری اسلامی آن دارید؟

پاسخ: غضنفر بانک و هر بانک دیگر که خواسته باشد به اوج تعالی اقتصادی و ارضای خواست های مادی و معنوی خود از طریق خدمات بانکی و مخصوصاً خدمات بانکداری اسلامی برسد، باید نکات ذیل را مدنظر داشته باشند:

- ارایه خدمات بانکی در کمال تساهل و در اسرع وقت به مشتریان.
- برخورد اخلاقی و حتی معاشرت اسلامی در مقابل هر مشتری هنگام اجرای معاملات بانکی.
- جلب اعتماد مشتری به کار آیی، توانایی و ابتکار عمل و راستی بانک و منسوبین و رهبری آن در همه معاملات بانکی.

پاسخ: گذشت و مدارا با مشتریان در مواردیکه ایجاب کمک و یا مساهله با مشتریان را می نماید، مثلاً هرگاه مشتری ای هنگام معامله پول نو یا پول کلان می خواهد، در آخرین حد ممکن اگر به خواستش جواب مثبت با لبخند و پیشانی باز داده شود، این مدارا او را با بانک قلباً نزدیک می سازد.

- اثبات شفافیت اجراءات و معاملات بانک با ارایه شواهد و مدارک نه از طریق توسل به تبلیغات به ارتباط جوایز موهوم و نا معلوم.

پاسخ اطمینان گام به گام به مشتریان در جهت پیشرفت و بهبودی رشد معاملات، سرمایه های بانک، مفادها وغیره از طریق وسائل الکترونیکی و یا ابلاغ حضوری آخرین دست آوردهای بانک به مشتریان محترم.



گفتگویی با نخبگان دانش

با در نظر داشت اهداف ماهنامه غضنفر بانک مبنی بر روشن شدن هرچه بهتر و بیشتر ابعاد بانکداری و تحقق فرهنگ استفاده از بانکداری اسلامی در کشور، قرار است مسایل، قوانین و شیوه عملکرد بانکداری عمومی و بانکداری اسلامی با علماء، دانشمندان و کارشناسان امور اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بر این اساس گفتگویی داریم با محترم سرمحقق عبدالباری رashed رئیس محترم اکادمی علوم افغانستان که توجه خوشنده اند محترم را به آن جلب می کنیم.

پرسش: بفرمائید اندکی پیرامون تاریخچه و اهمیت معاملات مالی در شریعت اسلامی و روند تکامل آن در کشور های اسلامی معلومات ارائه نمائید.

پاسخ: معاملات مالی در شریعت اسلامی بر مبنای وحی الهی و عمل کرد پیامبر اکرم (ص) در چهار چوب آیات و احکام فقه اسلامی مخصوصاً فقه معاملات از آغاز وحی تا رحلت احضرت (ص) تدریجاً تشکیل و تکمیل گردید. اما بحث های جدید اجتهادی در قلمرو فقه معاملات تا امروز و فردا ادامه خواهد داشت و آنرا پایانی خواهد بود. زیرا ظهور و بروز حالات خاص اقتصادی و موضوعات جدید مالی با تکامل جامعه روز بروز ممکن است. در شریعت اسلامی معاملات هم مانند عبادات دارای قوانین و شرایط و قیود خاصی اند که اگر یکی از این احکام در جریان معاملات رعایت نگردد می توانند سبب فساد در معاملات



با نکداری از طریق انترنت

این سیستم مشتریان غضنفر بانک را قادر می سازد که پیرامون چک های شان معلومات را ذیلاً حاصل نمایند:

- از این طریق ID های خویش را بررسی نمایند.
- تمام صورت حساب خویش را به صورت مفصل در صفحه کامپیوتر ملاحظه فرمایند،
- از وضعیت چک های خویش که آیا تا دیه گردیده و یا خیر، آگاهی کسب نمایند.



تأثیر صلح و امنیت بر وضع اقتصادی و اجتماعی کشور

معاون سرمهحقق شیرعلی «تزری»

زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است
(سعدي)

تجربه به اثبات رسانیده است که میان صلح و توسعه اقتصادی رابطه مستقیم و متقابل وجود دارد. هیچگاه و در هیچ کشوری ممکن نیست که سخن از توسعه و بهبود وضع اقتصادی به میان آورد و توجه به صلح و امنیت نکند.

اگر به اکثر کشور های روبه توسعه بویژه کشور های جنگ زده نظر اندخته شود تمام نا امنی ها و بی ثباتی ها به نحوی ریشه در مسائل اقتصادی دارد و بالمقابل عقب مانی، فقر، بیکاری، فساد اداری و ... به شکلی از اشکال وابسته به نبود امنیت و بی ثباتی می باشد.

اگر افغانستان را به مثابه یک مثال زنده در نظر بگیریم، سه دهه جنگ آنرا در تمام ابعادش به یک ویرانه مبدل ساخته است. نهاد های زیربنایی جامعه به کلی تخریب و یا خسارة مند گردیده است و این امر باعث شده تا با گذشت هر

با رعیت صلح کن و زجنگ خصم ایمن نشین

صلح یکی از نیاز های اساسی انسان و جامعه بشری است. بحث صلح از جمله مباحثی است که در اولویت نیازمندیهای اساسی هرجامعه بخصوص جوامع جنگ زده مانند افغانستان می باشد. توسعه اقتصادی وایجاد شغل ازیش شرط های صلح پایدار است. این کارتهای با داشتن یک اقتصاد قوی ممکن است که از طریق آن افغانستان به استقلال مالی دست پیدامی کند.

کشور های جهان پیوسته می کوشند تا برای زمینه سازی بهتر رشد و توسعه اقتصادی صلح را در کشور خود تأمین و حفظ نمایند. زیرا بدون صلح انسان نمی تواند وضع اقتصادی موجود را حفظ کند، چه رسد به اینکه به ترقی و پیشرفت نایل گردد. به همین اساس صلح پیش شرط استقرار و تحکیم ثبات، امنیت، توسعه و رفاه دانسته می شود.



غضنفر بانک در کامپیوتر شما



در حال حاضر در افغانستان شاخص های مربوط به صحت و معارف در پایین ترین سطح در جهان قرار دارد. هزینه سرانه صحی در کشور یک چهارم هزینه سرانه صحی در کشور های منطقه است.^(۳) سطح سواد به ویژه در دهات کشور بسیار پایین بوده که ایجاب رسیده گی و توجه جدی دولت را می نماید. افغانستان شدیداً از لحاظ طرفیت تولیدی برق که یکی از نیازمندیهای معاصر بوده و بدون آن رشد اقتصادی واستفاده از تکنالوژی ناممکن می باشد، در سطح پایین قرار داشته و به اساس تخمین ها کمتر از ۲۰ درصد تمام کشور به برق دولتی دسترسی دارند، آنهم به اساس نوبت در روز های معین و ساعتی محدود در یک وقت نامناسب. به جرأت می توان گفت که بسیاری از اعضا و کشمکش های سیاسی، نظامی و اقتصادی کنونی برخاسته از رقابت برای دست یابی و تسلط برمنابع و ذخایر جهانی است.

با وصف آنکه امنیت اقتصادی به امنیت ملی وابسته است به نوبه خود در امنیت نظامی و اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارد. زیرا وجود امنیت اقتصادی که شامل ایجاد نهاد های قوی و مطمئن اقتصادی و رشد و توسعه آن می باشد زمینه ساز آنست که افراد در رفاه و آسایش زندگی نموده و از آینده خویش مطمین باشند.^(۴) چنانچه در افغانستان هر زمانی که سخن از کشت و زرع و قاچاق مواد مخدر، غصب ملکیت های دولتی و شخصی، گریز از قانون و ... به وجود می آید بدون چون و چرا نبود صلح و امنیت به ذهن انسان تداعی می شود. دیده می شود آنهایی که درین اعمال دست دارند با هر نوع دست آورده دولت در زمینه کسب مشروعيت و تأمین ثبات کشور مخالف هستند. این اشخاص فعالیت های تزویریستی را تمویل نموده و باعث افزایش نا امنی و بی ثباتی در کشور می گردند. با استفاده از چنین شیوه اگر رشد و توسعه هم وجود داشته باشد، نمی تواند دردی را دوا و اشکی را پاک کند بلکه بر عکس باعث تشدید آن نیز می گردد زیرا وقتی ارقام و شاخص های رشد و توسعه یک کشور امیدوار کننده و مورد مبالغ است که ازمنابع و مجرای های طبیعی و قانونی به وجود آمده باشد و بستر و اساسات اقتصادی و اجتماعی رشد یابنده را پایه گذاری کند.

کار برای کارگران سخت شده و کارگران مجبور می شوند یا بیکار بمانند و یا باعاید کم کار کنند و یا هم با استفاده از وضع نا هنجار امنیتی با مخالفین دولت پیوسته و ثبات و امنیت را به مخاطره اندازند. با توجه به همین دشواریها ایجاب می کند که جهت جلوگیری از پیوستن لشکر بیکاران به صفوں جنگ چوبیان و افزایش بدختی های ناشی از آن در قدم اول فقر و بیکاری از بین برده شود. با ازبین بردن بیکاری زمینه برای آسایش خانواده میسرمی گردد، زیرا امروز روشن شده که هیچ عایدی عادلانه تر از افزایش سطح اشتغال مفید نیست، بناءً دولت وظیفه دارد تا نه فقط اشتغال را افزایش دهد بلکه آنرا به صورت مولد در آورد و زمینه کار را در تمام فصول سال برای قوای بشری مستعد به کار ولی بیکار مهیا سازد، زیرا مبارزه با فقر و تأمین ثبات مستلزم مبارزه با بیکاری و تأمین عاید مناسب برای مردم است.^(۵) این حقوق در قانون اساسی نیز تسجیل گردیده و نیازمند تعیین می باشد، چنانچه در ماده (۴۸) قانون اساسی چنین مشعر است: «کار، حق هر انسان است. تعیین ساعات کار، رخصتی بامزد، حقوق کار و کارگران و سایر امور مربوطه به ان توسط قانون تنظیم میگردد...»^(۶) پس روشن است که مسؤولیت کاهش فقر و بیکاری و سایر بدختی ها به دولت بوده و دولت زمانی می تواند فقر را کاهش دهد که مسایل کار و کاریابی را در همه سکتورها مطابق به قانون تنظیم و نظارت کند.

موجودیت فساد اداری، رشد و توسعه صنعت مواد مخدر موانع عمدۀ بر سر راه تأمین صلح سراسری در افغانستان بوده و کمک های جامعه جهانی را به هدر می دهد. از سوی دیگر فساد اداری منجر به دلسُری سرمایه گذاران خصوصی می گردد که این امر در واقع هزینه فعالیتهای اقتصادی را افزایش می دهد و به این ادعای ماکه بدون تأمین صلح نایل شدن به اکشاف اقتصادی و حاکمیت قانون غیر ممکن است مهر تأیید می گذارد. بر عکس تأمین صلح زمینه را برای حکومت داری موثر، حاکمیت قانون، کاهش فساد اداری، محکم کشت و قاچاق مواد مخدر، سرمایه گذاری های زیربنایی و طویل المدت، رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه کاهش فقر و تأمین خدمات اجتماعی برای عامه مردم مهیا می سازد.

روز فقر در افغانستان گسترده و گسترده تر گردد. بالمقابل فقر زمینه ساز بی امنیتی و بی ثباتی می گردد. همچنان نبود امنیت مانع عرضه خدمات ضروری برای مردم گردیده و سبب شده تا حکومت داری ضعیف، فساد اداری عام، کشت کوکنار و صنعت مواد مخدر افزایش یابد و زمینه های لازم برای احیا و بازسازی ویرانه ها و اکشاف اقتصادی به وجود نیاید. درحالیکه توسعه پایدار، که افغانستان به آن نیازمند است مستلزم صلح پایدار و کمک دوامدار جامعه بین المللی می باشد. چه رشد با کیفیت و پایدار اقتصادی یک نیروی عمدۀ برای کاهش فقر و ایجاد اشتغال و کار یابی می باشد. رشد فراینده اقتصادی منتج به افزایش عواید گردیده که مردم فقیر و بی بضاعت از آن مستفید شده و دولت را قادر می سازد تا خدمات اجتماعی را افزایش داده و در سکتور خصوصی برای مردم فرصت های کاریابی ایجاد نماید. درینجا وظیفه دولت است تا در سکتور خصوصی مانند سکتور دولتی قوانین چون: بیمه صحی و اجتماعی، تعیین زمان کار بر اساس نورم و سنت در بین المللی (که در آن ساعت کار اضافه از چهل





بناءً برای موفقیت و تأمین هر چه بیشتر صلح و مصالحه، محو بیکاری، کاهش فقر، تأمین عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون لازم است تا به نکات آتی توجه بیشتر مبذول گردد:

- چون بهره مندی از نعمت صلح زمینه را برای استفاده از تمام ثروتهای نهفته مهیا می سازد، لذا برای تأمین صلح از هیچگونه سعی و تلاش کوتاهی نشود و هیچگونه پیش شرطی که مانع تأمین صلح باشد وضع نگردد.
- با به کارگیری سیاست سالم استخدام زمینه کار در پهلوی سکتور دولتی، در سکتور خصوصی مطابق به قانون مهیا گردد.
- دولت به مثابه ارگان حافظ منافع ملت و تأمین کننده عدالت مکلف است تا قوانین هماهنگ کننده تعیین مناسب دستمزد را مطابق به معیارهای اقتصادی در همه سکتورها (اعم از دولتی، خصوصی و موسسات غیر حکومتی داخلی و بین المللی) وضع و عملی نماید.
- در تعییل و تطبیق قوانین هیچگونه استثنای را در نظر نگیرد.

ماخذ

- ۱- تبری، شیرعلی، پرایلم های استخدام متخصصین در افغانستان و راه های بیرون رفت از آن، آریانا (مجله)، شماره ۲-۱، سال ۱۳۸۳، ص ۷۱.
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ۱۴۱ جدی ۱۳۸۲ مواد ۶۶ و ۴۸.
- ۳- استراتژی اکتشاف ملی افغانستان فشرده استراتژی ۱۳۹۱-۱۳۸۷، ص ۱۱.
- ۴- ملاخیل ع. ح. توسعه اقتصادی عامل در تأمین امنیت و صلح در کشور، ماهنامه غضنفر بانک، سال دوم، شماره ۲۰-۲۱، عقرب و قوس ۱۳۸۹، ص ۲۱.
- ۵- سونل، توماس، اصول علم اقتصاد، ترجمه: محمد حسن وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱.

گرسنه نه منطق را می شناسد و نه ترس از دست دادن چیزی را دارد. که این خود زمینه را برای تعییم هر چه بیشتر بی ثباتی و بد امنی مهیا ساخته و باعث میشود تا روزبیروز اوضاع امنیتی متزلزل و شکننده تر گردد.

هرگاه عوامل بی ثباتی های اخیر در کشور ریشه یابی گردد، دیده می شود که بیشترین حوادث منبع اقتصادی داشته و باعث گردیده تا یک تعداد از مردمی که توان تحمل وفايق آمدن به این دشواریها را ندارند خواسته و یا نخواسته به دام این هیولای خانمانسوز (جنگ) بی افتند. بناءً دولت باید در تعییل مواد قانون اساسی توجه نموده و در رفع دشواری های متذکره گامهای عملی، استوار و پیگیر را بر دارد. نایل شدن به این اهداف از طریق ارایه خدمات چون تعلیم و تربیه همگانی، خدمات صحی، تأمین مسکن برای مردم بی بضاعت، تأمین اشتغال و برآورده ساختن سایر نیازمندیهای اولیه مردم ممکن است و بس. گرچه عده کاهش فقر و تأمین اشتغال را به سیستم اقتصادی وابسته دانسته و از جمله وظایف دولت نمی دانند، مگر نویسنده به این باور است که در شرایط خاص کنونی افغانستان، تأمین اشتغال و جستجوی راه های کاهش فقر از وظایف تاخیر ناپذیر دولت بوده و ایجاد می نماید تا سعی همه

جانبه در راه حل این مشکل همه گیر به خرج داده شود.

از آنچه گفته آمدیم چنین نتیجه به دست می آید که بدون صلح نمی توان به هیچ هدف و خواست مثبت دست از سطح بناءً اگر دولت به بهبود وضع زندگی مردم در رفع نیازمندی های شان توجه نکند هرگز به تأمین صلح و مصالحه، استقرار حاکمیت قانون، محو مواد مخدوش، کاهش فساد اداری، مبارزه با سرقت و دزدی های مسلحه، کاهش بیکاری و فقر مؤفق نخواهد شد. پس بر دولت است تا درین مرحله حساس و روز افزون بی ثباتی ابتکار را از دست نداده، تنظیم کننده و متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد. عدم تطبیق و تعییل قانون اساسی سبب می شود تا اعتماد مردم نسبت به دولت کاهش یافته و به این باور بسازد که با کار صادقانه و مشروع ممکن نیست صاحب لقمه نانی شد و یا امکان رفع نیازمندیهای متعدد و روز افزون را به دست آورد لذا خود در صدد آن می شوند تا راه های تأمین نیازمندیهای خویش را از طریق غیر قانونی و برهم زننده صلح و ثبات دریابند، زیرا شکم

این نا برابری ها آنقدر فاحش و عمیق خواهد گردید که پیمودن تدریجی آن دشوار و حتی ناممکن خواهد بود. مهمترین علت تشدید این نا برابری ها استفاده جویی هایی است که به سود قدرت مندان و مخالفین صلح سراسری انجام می شود. گفتار بالا سوالات را به ذهن هر کس تداعی میکند که چرا فقر نرفت



انگیز بازروتهای بی حساب هم زمان پهلوی هم قرار گرفته اند، چگونه می شود کشور را از این وضع نامناسب نجات داد؟ اینها و ده ها سوال دیگر به ارتباط تفاوتهای اجتماعی در زندگی، صحت، معارف، استخدام و... وجود دارد. در حالیکه قانون اساسی کشور دولت را به کاهش فقر، حل دشواریهای اجتماعی و تأمین منافع عامه مکلف ساخته است، چنانچه در ماده ششم قانون اساسی می خوانیم «دولت به ایجاد یک جامعه مرتفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی... و توسعه افزاش می بتواند و نیازهای اساسی شان را تأمین کند.» عدم تطبیق و صدھا امتیاز مادی و معنوی بهره مند گردیده و در چنان سطح زندگی به سر برند که به مراتب از ثروتمندان کشور های پیشرفته مجلل تر و بالاتر است. این نا برابری با گذشت هر روز افزایش می یابد، زیرا عاید ملی به صورت نا درست و غیر عادلانه توزیع گردیده و باعث ثروتمند تر شدن ثروتمندان و تلهی دست شدن تهی دستان و فقرا می گردد.^(۵) ادامه این وضع نتایج فاجعه باری را همراه خواهد داشت، زیرا گسترش دامنه

بناءً دیده می شود که امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد اساسی امنیت ملی، باعث تأمین نیازمندیهای جامعه، رفاه اقتصادی، توسعه تکنالوژی، رشد صنعت، زراعت، تجارت، حاکمیت قانون و دسترسی به منابع و سرمایه بازار جهانی می گردد. اینجاست که باید تمام طرح ها و اقدامات برای تأمین



وقت بانکداری اسلامی در اروپا

تهیه کننده: رفیع الله کریمی

علی رغم اوضاع اقتصادی نامناسب در اروپا در پی بحران‌های اقتصادی و مالی اخیر، بانکداری اسلامی در کشورهای انگلستان، فرانسه و آلمان حتی بیش از کشورهای اسلامی خاورمیانه و آسیا رشد داشته است. بر اساس گزارش وضعیت جهانی تامین مالی اسلامی ۲۰۱۱، در حال حاضر صنعت تامین مالی اسلامی ارزشی بالغ بر ۱/۱۴ تریلیارد دلار دارد و با سرعت ۱۰ درصد در سال در حال رشد است. انگلستان به عنوان نقطه شکوفایی بانکداری اسلامی در اروپا ظاهر شده و لندن پایگاه تامین مالی اسلامی در خارج از جهان اسلام محسوب می‌گردد. بخش تامین مالی اسلامی انگلستان با در اختیار داشتن بیش از ۱۹ میلیارد دلار دارایی، جایگاه نخست در اروپا را به خود اختصاص داده و در سطح جهان جایگاه نهم را به خود اختصاص داده است و بر اساس گزارش تامین مالی اسلامی در انگلیس در سال ۲۰۱۱ میلادی بخش تامین مالی اسلامی انگلستان کشورهای اسلامی از جمله پاکستان، بنگلادش، ترکیه و مصر را نیز پشت سر گذاشته است. شبکات بیش از ۲۰ بانک در انگلیس خدمات تامین مالی اسلامی به مشتریان خود ارایه می‌دهند و در حال حاضر ۵ بانک اسلامی انگلیسی در این کشور به فعالیت مشغول اند و صندوق‌های اسلامی مشغول به فعالیت در انگلیس نیز بیش از ۳۰۰

میلیون دلار دارایی در اختیار دارند. علاوه بر این، ۵۵ مرکز آموزش حرفه‌ای در انگلیس پیرامون تامین مالی اسلامی به دانشجویان خود آموزش‌هایی را ارایه می‌دهند که این سطح آموزشی، فراتر از هر نقطه دیگر در جهان است. در حال حاضر نیز بیش از ۲۱ فهرست سهام صکوک در بورس انگلیس ارایه می‌شود که ارزش آن به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد.

فرانسه که بیشترین جمعیت مسلمانان اروپا را در خود جای داده، با ابتکار جدیدی و اجرای اصلاحات مالیاتی و قانونی در بازارهای مالی این کشور نمود، نتایج این تحقیقات بیانگر آن بود که بازار این کشور برای تامین مالی اسلامی مناسب و توأم‌مند است. نخستین اجلاس اروپایی تامین مالی اسلامی نیز در دسامبر ۲۰۰۹ در میلان برگزار شد. این اجلاس دو روزه به منظور آغاز برگزاری چندین کنفرانس مختلف در پایتخت های اروپایی با هدف ایجاد زمینه‌های تامین مالی اسلامی در اروپا برگزار شد.

آلمان که دارای دومین جمعیت عظیم مسلمانان در میان کشورهای اروپایی می‌باشد، از ظرفیت‌های عظیمی در بخش تامین مالی اسلامی برخوردار است. بیش از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار مسلمان در آلمان زندگی می‌کنند که ۷۵ درصد از آنان کمتر از ۴۹ سال سن دارند و ثروت آنان به بیش از ۵۰ میلیارد دلار می‌رسد.

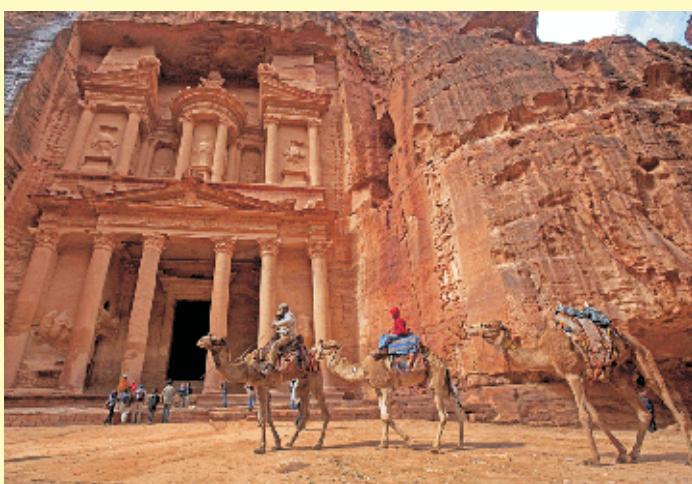
«داج بانک» یکی از بزرگترین بانک‌های آلمان، در سال ۲۰۰۶ اقدام به راه اندازی صندوقی ۲ میلیارد دلاری با همکاری دو بانک جهان اسلام نمود و در نهایت در سال ۲۰۰۹

در سویدن نیز مؤسسه اعتبارات صادراتی این کشور اعلام کرده که اقدام به انتشار اوراق قرضه اسلامی و یا سایر اسناد مالی مطابق با قوانین شرعی اسلام خواهد نمود تا این طریق به گسترش تجارت با کشورهای مسلمان پردازد.

در اسپانیا که آمار بیکاری به ۲۱ درصد رسیده است نیز دولت سوسیالیست حاکم در این کشور چشم به تامین مالی اسلامی دوخته تا شاید از این طریق قادر به جذب سرمایه از کشورهای مسلمان باشد. در ماه جون سال ۲۰۱۰ میلادی نیز بورس مادرید اقدام به برگزاری نخستین کنفرانس تامین مالی اسلامی در اسپانیا نمود تا به ارزیابی راهکارهای تامین مالی اسلامی برای رونق پژوهه‌های عمومی و زیرساختی از طریق همکاری بخش دولتی و خصوصی پردازد.

در حالی که صنعت تامین مالی اسلامی در اروپا به سرعت در حال رشد است. جمعیت مسلمانان ساکن در کشورهای اروپایی و رشد میزان مهاجرت مسلمانان به این کشورها سبب شده تا کشورهای اروپایی و در صدر آنان اتحادیه اروپا به ایجاد قوانین و زیرساخت‌های لازم برای حضور در بازار عظیم تامین سرمایه اسلامی جهان و بهره مند شدن از رونق چشمگیر و منافع سرشار آن روی آورند.

منبع: اینترنت





۸ - عدم دین و قرض: علمای حنفی می گویند دین و قرض که از جانب عباد تحت مطالبه باشد در صورتی که اگر اداء گردد، نصاب را ناقص و یا کلاً ختم می کند، مانع زکات می گردد، زیرا اول باید دین اداء گردد.

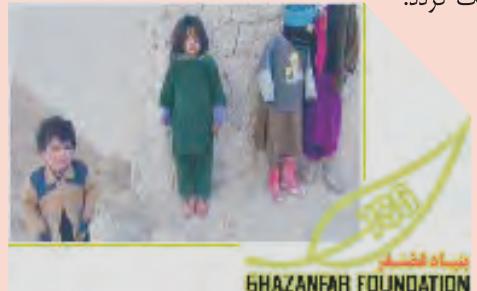
۹ - نصاب از حوائج الا صلیه زاید باشد: علمای حنفی شرط می دانند، مالی که در آن زکات واجب است از حوائج اصلی وهمچنان از دین و قرض فارغ و بیرون باشد، زیرا در موجودیت قرض و یا در جمله حوائج اصلیه محاسبه کردن نصاب، نصاب در حکم عدم می باشد.^(۲)

شرایط صحت ادائی زکات

شرایط صحت ادائی زکات قرار ذیل است:

۱ - نیت: تمام فقهاء اتفاق دارند که نیت در اداء زکات شرط است تا با نیت از دیگر کفارات و بقیه صدقات متمایز گردد، زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده: "إنما الأعمال بالنيات".

۲ - تمیلک: یعنی مالک ساختن مستحق و فقیر وقبض نمودن زکات از طرف فقیر و مستحق، پس در دادن زکات ایاحت وبا طعام دادن جواز ندارد. همچنان در نزد بعضی علماء دادن زکات به طفل و دیوانه جواز ندارد مگر در صورتی که ولی طفل و دیوانه آن را تمیلک گردد.^(۳)



جاپگاه زکات

در سپسنه مالپاپی اسلام

شمس الرحمن فروتن

قسمت دوم

شرایط زکات

زکات دو نوع شرایط دارد: شرایط وجوب و شرایط صحت:

شرایط وجوب یعنی فرضیت زکات قرار ذیل است:

۱ - حریت (آزاد بودن): زکات بر غلام و بردہ فرض نیست، زیرا غلام با مالش از مالکش است.

۲ - اسلام: زکات بر غیر مسلمان فرض نیست.

۳ - بلوغ و عقل: زکات بر طفل و دیوانه فرض نمی باشد البته این نظر علمای حنفی است مگر جمهور می گویند که در مال طفل و دیوانه زکات فرض است، زیرا هدف از زکات سد حوائج فقرا است که از مال طفل و دیوانه نیز صورت گرفته می تواند. یعنی طفل و دیوانه باید از اموال شان زکات بدهند.

۴ - اموالی که زکات بر آن واجب می گردد: این اجناس پنج نوع است: نقدین (طلاء و نقره و آنچه در حکم آنها است مثل بانک نوت ها و غیره) عروض و امتعه تجارت، زروع و میوه جات، انعام یعنی چهار پایان اهلی و معادن.

۵ - رسیدن مال به نصاب: یعنی اموال به نصاب رسیده باشند، اگر به نصاب نرسیده باشند، دادن زکات آن فرض نیست.

۶ - ملک کامل در اموال: علمای حنفی می گویند که هدف از ملک کامل اینست که عملاً در حیاّت و دست و تصرف انسان قرار داشته باشد.

۷ - گذشتن یک سال قمی بالای نصاب: زیرا پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده:^(۱)

ترجمه: زکات فرض نیست مگر در صورتی که یکسال برنصاب گذشته باشد.

علمای حنفی در حوالن الحول و یا گذشتن یکسال، کامل بودن نصاب را در اول و آخر سال شرط می دانند اگر چه در میان سال نصاب ناقص گردد.

تمویل مالی و قرضه های غضنفر بانک تجارت و اقتصاد شما را استدکام و رونق می بخشد

تمویل مالی و قرضه های غضنفر بانک

غضنفر بانک با سرمایه گذاری و پیشکش امکانات و تسهیلات وسیع مالی و قرضه دهی جهت توسعه و ترقی تجارت در افغانستان از طریق بانکداری اسلامی و بانکداری عمومی و ارایه خدمات سریع، مطمئن و با کیفیت، افتخار خدمت به شما را دارد.

چگونگی قرضه ها و پیش پرداخت ها:

الف - قرضه دهی بانکداری عمومی

- قرضه های بزرگ (قرضه های میعادی، اضافه برداشت Overdraft)، قرضه اتصالی، تمویل مالی برای جایداد های ثابت ... و غیره).

- قرضه های متوسط (قرضه های میعادی، اضافه برداشت Overdraft)، تمویل جایداد های ثابت ... و غیره).

ب - سرمایه گذاری / تمویل مالی اسلامی:

- تمویل مالی / سرمایه گذاری های بزرگ به اساس (مشارکه، مشارکه تنقیصی، مرابحه و غیره).
- تمویل مالی / سرمایه گذاری های متوسط به اساس (مشارکه، مشارکه تنقیصی، مرابحه و غیره).

ج - تمویل تجارت

- گرنتی نامه های بانکی
- صدور اعتبارنامه های بانکی (لیتراف کریدت)





بانکنوت ها به کدام نقد (طلا و یا نقره) قیمت گذاری و بعد زکات شان داده شود؟

تقدير نصاب بانکنوت ها و همچنان عروض تجارت در عصر حاضر باید به طلا صورت گیرد از چند جهت:

اول : اینکه قیمت نقره به مرور و گذشت زمان ثابت نمانده بلکه در حالت تغییر است اما طلا قیمت و ارزش خود را نسبتاً حفظ نموده است.

دوم : اینکه اگر چه تعیین نصاب به نقره به فقراء نافع واقع می شود، مگر به این تعیین بازهم مردم وامت دچار مشکل می گردد، کسیکه نفقه یک هفته خود را نداشته باشد بالایش زکات واجب می گردد و چنین وضعیت با روح شریعت مناسب ندارد.

از جهت دیگر اگر نقره با نصاب گاو و شتر مقایسه گردد، تباین و فرق فاحشی میان هر دو نصاب بوجود می آید، اگر نصاب طلا را با نصاب گاو و شتر مقایسه نماییم درین صورت در میان این نصاب ها یکنوع تقریب و مناسبت و همچنان نزدیکی وجود دارد، لهذا نصاب در عصر حاضر به طلا معادله می گردد.^(۴)

شرایط زکات حیوانات

۱- به نصاب برستند

۲- یک سال برآن بگذرد

۳- در اکثر سال در چراگاه بچردد

۴- عامل و برای کار نباشد مثل زراعت، شیردادن وغیره^(۱۰)

نصاب شتر

اندک نصاب شتر پنج است که در ۵ شتر یک گوسفند لازم است.

نصاب گاو و گاویش

نصاب گاو و گاویش ۳۰ گاو است که در ۳۰ گاو یک گوساله

یکساله لازم است زکات داده شود.^(۱۱)

نصاب گوسفند

نصاب گوسفند چهل گوسفند است که در ۴۰ گوسفند یک گوسفند لازم است.^(۱۲)

شرایط زکات عروض و اموال تجاری

در عروض و اموال تجارت دو شرط ضروری است که با موجودیت آن دوشرط زکات باید اداء گردد:

اول : نیت تجارت

دوم : عمل تجارت

چگونه زکات عروض تجارت را اداء نماییم؟

ثروت عروض تجارت از چند حالت خالی نیست:



انواع اموالی که در آنها زکات واجب است:

زکات در پنج نوع اموال واجب است:

۱- نقود (طلا و نقره) و آنچه در حکم نقود می آید مثل بانک نوتها.

۲- اموال و عروض تجارت.

۳- حاصلات زمین از قبیل حبوبات، سبزیجات و میوه جات.

۴- انعام (چهارپایان) که عبارت از گاو، گوسفند و شتر و امثال آن است.

۵- معدن و گنج^(۴)

نصاب طلا

نصاب طلا ۲۰ مثقال می باشد که هر مثقال مساوی

به ۲۵۴ گرام می باشد، پس به حساب گرام ۲۰ مثقال $\times 254 = 4,085$ گرام می گردد.

از ۴,۰۸۵ گرام و یا ۲۰ مثقال طلا چه قدر آن باید در زکات داده شود؟

در ۸۵ گرام طلا و یا ۲۰ مثقال آن ربع عشر و یا به عبارت دیگر^(۵)

۲ فیصدیا به عبارت دیگر چهل٪ آن باید زکات داده شود.

پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده: "فِ الرَّقْعَ رِبْعُ الْعَشَرِ".^(۶)

ترجمه: در دراهم مضروبه وسکه شده ربع عشر (۲۵٪) واجب است.

پس در ۸۵ گرام طلا ۲,۱۲۵ گرام زکات فرض می باشد.^(۷)

نصاب نقره

نصاب نقره دوصد درهم است که یک درهم معادل به

۲,۹۷۵ گرام می شود که ۲,۹۷۵ $\times 20 = 595$ گرام می شود.

پس نصاب نقره ۵۹۵ گرام می گردد.

در ۵۹۵ گرام نقره چه قدر زکات واجب است؟

در ۵۹۵ گرام نقره ۱۴,۸۷۵ گرام باید زکات داده شود.^(۷)

زکات اوراق نقدی و یا بانکنوت ها

پول کاغذی و بانکنوت ها در شرایط حاضر احیث عرف و

تعامل مردم و حکومت ها اثیمان عرفیه گفته می شود و ازینکه

حکومت ها و دول تضمین آن را نموده و ضروریات وحواج مردم

به آن رفع می گردد و به همین بانکنوت ها مردم غنی و مالک

نصاب شده می توانند واز جانب دیگر تعامل با طلا و نقره در بازار

ها و میان مردم وجود ندارد، پس همین بانکنوت ها قائم مقام طلا

و نقره گردیده و در صورتی که قیمت آن به نصاب طلا و نقره

برسد، به حساب قیمت طلا و نقره در آن زکات فرض می باشد.^(۸)



خبر و گزارش های اقتصادی



سازند». وی افزود: «توسعه همکاری بین کشورهای منطقه به نفع جهان اسلام است. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی افغانستان برای جهان اسلام از ارزش ویژه برخوردار است.»

طبق گزارش اعلامیه مطبوعاتی وزارت مالیه، رئیس بانک توسعه اسلامی در آینده نزدیک بنا بر دعوت وزیر مالیه، به کابل سفر خواهد نمود و به زودی نمایندگی دائمی خویش را در کابل افتتاح خواهد کرد و پروژه هایی را مشخص خواهد کرد که این بانک در آن قصد سرمایه گذاری دارد.

قابل یادآوریست که اجلاس سالانه بانک توسعه اسلامی از ۲۵ الی ۲۹ جون ۲۰۱۱ در شهر جده عربستان سعودی تحت ریاست خادم حرمین شریفین به اشتراک نماینده گان پنجاه و شش کشور عضو دایر گردید. در نشست افتتاحیه این اجلاس دکتور حضرت عمر زاخیلوال به نمایندگی از کشورهای آسیایی سخنرانی نمود.

امضا قرارداد اصلاحات ارضی افغانستان

محمد آصف رحیمی وزیر زراعت و مالداری کشور این پروژه را خیلی مهم دانست و گفت: تطبیق این پروژه می تواند در اصلاح قوانین و مقررات مربوط به ارضی کمک نماید و منجر به ارتقای ظرفیت این اداره گردد.

کارل ایکن بیری سفیر ایالات متحده امریکا در کابل این پروژه را بخشی از مساعدت های طولی المدت امریکا به افغانستان خواند و گفت: این پروژه به اداره ارضی افغانستان کمک خواهد نمود تا بعد از تشخیص و تنظیم ارضی دولتی یک اندازه آن در اختیار سکتور خصوصی قرار گیرد.

پروژه اصلاحات ارضی به کمک مالی اداره اکتشاف جهانی ایالات متحده امریکا تمویل می شود و به صورت مشرک با دولت افغانستان و سکتور خصوصی در عرصه اکتشاف پلان شهرسازی، ایجاد راه های حقوقی برای مشکلات ارضی و بلند بردن ظرفیت مردم افغانستان تطبیق می شود.

عالقمندی بانک توسعه اسلامی به سرمایه گذاری در پروژه های بزرگ زیروبنایی افغانستان

دکتور احمد محمد علی رئیس بانک توسعه اسلامی در حاشیه مجلس سالانه این بانک به دکتور حضرت عمر زاخیلوال وزیر مالیه کشور، گفت: است که بانک توسعه اسلامی مصمم است در پروژه های زیروبنایی افغانستان مانند انتقال برق از قرقیزستان و تاجیکستان به افغانستان و پاکستان، اعمار بند های بزرگ مهار آب و تولید برق و توسعه شبکه شاهراه های بزرگ افغانستان سرمایه گذاری نماید.

دکтор حضرت عمر زاخیلوال اظهار داشته است: «تا اکنون سطح سرمایه گذاری کشورهای اسلامی، بالخصوص بانک توسعه اسلامی، خیلی پاییتر از توقع ماست. ما امیدوار هستیم که کشورهای اسلامی همکاری های خویش را با ما گسترش دهند.



آب رسیده باشد عشر است و آنچه به واسطه ارت یعنی به زحمت سیراب می شود نصف عشر است. ^(۱۷)

نصاب معادن

مطابق فقه حنفی در معادن خمس واجب است، زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده: ترجمه: در معادن خمس لازم است. ^(۱۸)

و در معادن کدام نصاب مشخصی وجود ندارد چه کم باشد و چه زیاد، در آن خمس واجب می باشد و همچنان حوالن حول نیز در آن شه ط نیست. ^(۱۹)



مأخذ:

- ۱ رواه ابو داود
- ۲ الفقه الاسلامی و ادله/zihili ج ۳، ص ۱۷۹۷ - ۱۸۰۶ .
- ۳ الفقه الاسلامی و ادله/zihili ج ۳، ص ۱۸۱۰ - ۱۸۱۲ .
- ۴ الفقه الاسلامی و ادله ج ۳، ص ۱۸۱۹
- ۵ رواه البخاری فی کتاب الزکاحدیث نمبر ۱۴۵۳
- ۶ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۲۷۵ طبع قاهره
- ۷ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۲۷۵
- ۸ بحوث فی فضای الفقهیة المعاصرة/ تقی عثمانی ص ۱۵۹ ، فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۲۸۷
- ۹ فقه الزکا ج ۱، ص ۲۷۹ طبع قاهره
- ۱۰ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۱۸۴ - ۱۸۶
- ۱۱ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۲۰۸ و ۱۸۹
- ۱۲ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۲۱۸
- ۱۳ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۲۴۴ - ۲۴۳
- ۱۴ سوره بقره آیه ۲۶۷
- ۱۵ سوره أَعْمَال آیه ۱۴۱
- ۱۶ فقه الزکا/ق ج ۱، ص ۲۷۱
- ۱۷ رواه البخاری کتاب الزکا ۱۴۸۳
- ۱۸ رواه احمد فی المسند ۶۶۸۳
- ۱۹ فقه الزکا/قرضاوی ج ۱، ص ۴۵۲ طبع قاهره

۱ - یا به صورت عروض و سلعه است.

۲ - یا به صورت نقود حاضر است و یا در بانک و یا بر مردم تحت طلب است.

۳ - یا پول بر مردم و یا بعضی شرکت ها است که بعضی آن امید حصول آن موجود است و بعضی آن امید حصول آن نمی رود. در ادای زکات چنین اموال نظریات زیادی وجود دارد مگر آنچه که مورد اتفاق اکثر دانشمندان دینی است اینست که در هرسه صورت مذکوره وقتیکه موعده زکات رسید، زکات پرداخت گردد.

بعضی اموال را به بعضی خصم و یکجا نموده یعنی سرمایه، ربح، دین، نقد، عروض و ذخایر را یکجا نموده و همه را به نقد قیمت گذاری نموده وقتیکه به نصاب رسید از آن مطابق نصاب زکات بدهد فقط آن دیون محاسبه نمی شود که از حصول آن مأیوس شده باشد و از مجموع سرمایه ۲۵ فیصد زکات داده شود. ^(۲۰)

سوال: وقتیکه اموال نقدی و یا طلا و نقره از نصاب بیشتر گردد مثلا طلا از ۸۵ گرام بیشتر باشد مثلًا ۱۰۰ گرام باشد از آنچه که از نصاب زیاد است چه گونه زکات آن اداء می گردد؟

جواب: طریقه سهل و آسان اینست که وقتی طلا و نقره و یا هم پول نقد از نصاب بالا شد از مجموعه سرمایه زکات داده می شود. یعنی از کل سرمایه که از نصاب بالا رفته به حساب ۲۵ فیصد زکات داده می شود یعنی اگر طلا صد گرام باشد دونیم فیصد آن در زکات داده می شود. اگر ۱۵۰ گرام باشد ازین مقدار نیز ۲۵ فیصد داده می شود. یا به عبارت دیگر چهل٪ حصه مجموعه سرمایه داده می شود.

نصاب حاصلات زمین

مطابق فقه حنفی در تمام حاصلات زمین که به کشت آن نماء زمین صورت گیرد و عادتاً به آن زراعت و کشت، انسان فایده مند می شود، زکات واجب است.

دلیل امام ابو حنیفه اینست که الله تعالی فرموده: ترجمه: و از آنچه که خارج کردیم برای شما از زمین. ^(۲۱) و بدھید حق آن را در روز ^(۲۲) درو.

پس در هر حاصل زمین که از آب باران، بحر و نهر سیراب می شود عشر است و در حاصلات که به آب کاریز و اتریمپ و آب که به پول خریده می شود عشرین یعنی بیستم حصه است. در نصاب حاصلات زمین قلیل و کثیر و همچنان گذشت یکسال شرط نمی باشد. ^(۲۳)

زیرا پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده: ترجمه: در آنچه که به آب آسمان و چشم مه سیراب می شود و یا خود به خود ریشه آن به



به پیشواز (28) اسد هدف همیشگی رگبار استعمار - آزادی، استقلال و زعامت هاست

سرمحقق عبدالباری راشد

برای این سه گروه از خواست ها و آرمان های بشری، که تضمین کننده حیات مرفه در دنیا و رستگاری در آخرت است، دو دسته از وسائل مهم و اساسی نیاز است.
الف - داشتن سرزمنی، آزادی و استقلال و رهبری و زعامت با سلامت در یک سرزمنی.
ب - داشتن ایمان و معرفت کامل برای ادای رسالت های

به نام خدایی که انسان را آزاد خلق کرد تا فارغ از قید و بند هر نوع بنده گی و برده گی غیر الله آزاد زندگی کند و آزاد بمیرد.
طوریکه میرهن است همه جوامع انسانی برای یک زنده گی شایسته و بایسته و شرافتمند (ایده آل) نیازمند سه مطلب اند.
اول - نیازهای مادی چون غذا، لباس و مسکن، تا آخرین تجملات و تشریفات در زنده گی.



انسانی، مادی و معنوی و روحی و اخلاقی و ادای خلافت و رسالت الهی در روی زمین.

به این مفهوم، در هر کجایی که سرزمنی مستقل و آزاد با رهبری و زعامت با سلامت موجود باشد تمامی خواست های مادی بشریت بدون کم و کاست تأمین شده می تواند. به عباره دیگر حوابی چون نان، لباس، خانه و وسائل کار و معیشت و تأمین رفاه مادی بشرطها و تنها در گرو آزادی و استقلال است. دیگر هیچ چیز، نمی خواهد! یعنی جاییکه آزادی

دوم - خواست های معنوی مثل تأمین عدالت، انصاف، انسانیت، برادری و برابری و صلح و امنیت وغیره در جوامع بشری.

سوم - آرزو ها و خواست های روحی انسان مانند ارزش های مقدس دینی و رسیدن به آخرین تکامل روحی یعنی تقرب و توصل بذات اقدس الهی بالوسیله شناخت درست حق و حقیقت.

باید مراکزی را بسازیم که تجار ما از طریق آن با مواد تفاهمنامه ها بیشتر آشنا شده و امتیاز بیوستن به سازمان های منطقی تجارتی و اقتصادی را بیاموزند. ما باید ظرفیت های تاجران را مطابق این تفاهمنامه ها بالا ببریم تا آنها بتوانند به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کرده، شرکای خارجی بیابند و در کل تجارت بین المللی افغانستان انکشاف یابد."

عبدالقدیر الراجح، رئیس برنامه تجارت و تسهیل الحق برای افغانستان (تافا)، امضای این تفاهمنامه را اقدام نیک در جهت تأمین ارتباط برای همکاری های استراتژیک توصیف کرد. وی افزود: "عمده ترین اهداف این تفاهمنامه ایجاد مراکز خدمات تجارتی در سه ولایت افغانستان می باشد. تا افغانها قراردادهای تجارتی جدید را در کرده و از این قراردادها برای ایجاد افغانستان قوی و مرفه حداکثر بهره را ببرند. وی تأکید کرد ما بسیار خرسنیدیم که با اتاق تجارت همکاری داریم و امیدواریم همکاری های استراتژیک خود را با اتاق تجارت و صنایع افغانستان ادامه دهیم."



همچنان خان جان الكوزی معاون هیأت مدیر اتاق تجارت و صنایع افغانستان در صحبت های خود به مشکلات موجود اشاره نموده و متذکر شد که نمی توانیم به شیوه سنتی تجارت خود را ادامه دهیم و باید به مسائل عمومی تجارت جهانی آشنایی پیدا کنیم. آقای الكوزی در مورد تطبیق عملی توافقنامه اپتا گفت: "قرار است امروز دو موتور میوه خشک ما به شکل نمونه ای از بندر تورخم عبور کند و ۱۰ موتور دیگر در این بندر متوقف می باشند تا اسناد خود را مطابق شرایط موافقتname اپتا آماده سازند تا بتوانند از بندر عبور کنند." آقای الكوزی علت مشکلات پیش آمده را عدم آمادگی حکومت در تطبیق این توافقنامه بیان داشته گفت: "باید دولت افغانستان قبل از امضای قرارداد تمام خصوصیات و شرایط لازم را برای تجار و اتحادیه های ترانسپورتی کشور توضیح و تشریح می کرد. در حالیکه دولت پاکستان قبل از آن آمادگی را گرفته بود و از دو ماه قبل در تمام ایالت های خود برنامه های آگاهی دهی را به تجار و رانندگان شان به راه انداخته که آنها آمادگی کامل در تطبیق موافقتname اپتا داشتند، اما دولت ما فاقد این آمادگی بود."



تشکیل مراکز خدمات

تجارتی در شهرهای کابل، قندھار و جلال آباد

تفاهمنامه تشکیل مراکز خدمات تجارتی به منظور توسعه صادرات، تجارت و ترانزیت بین المللی میان اتاق تجارت و صنایع افغانستان و برنامه تجارت و تسهیل الحق برای افغانستان (تافا) که از سوی اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده تمویل می گردد، روز سه شنبه مورخ ۳۱ جوزای ۱۳۹۰ خورشیدی در کابل به امضاء رسید.

طبق گزارش اعلامیه مطبوعاتی اتاق تجارت و صنایع افغانستان در م Hollow که به این مناسبت در سالون کنفرانس های اتاق تجارت برگزار شده بود، هیأت رهبری اتاق، رئیس و تعدادی از مسؤولین پروژه تافا، رئیس عمومی شرکت کامونکس ایالات متحده امریکا و مدیران هیأت اعماق اتاقهای ولایتی نیز حضور داشتند.

این مراکز در دفاتر ولایتی اتاق تجارت در ولایات کابل، قندھار و جلال آباد تشکیل خواهد شد و طی دو هفته آینده کار عملی خود را عملاً آغاز نموده و تا ۶ ماه ادامه خواهد داشت. وظیفه عمده این مراکز تجارتی، ارایه معلومات و دادن آموزش برای جامعه سکتور خصوصی به طور خاص صادرکنندگان و رانندگان موتورهای باربری می باشد که روی تجارت همه افغانها و بخصوص روی سکتور خصوصی افغانستان اثر مثبت خواهد گذاشت.

محمد قربان حقجو هدف اصلی امضای این تفاهمنامه را تاسیس مراکز خدمات تجارتی، آگاهی دهی و آموزش تجارت در مورد فواید تجارت بین المللی بیان داشت. وی افزود: "مراکز خدمات تجارتی که در دفاتر اتاق تجارت و صنایع افغانستان فعل خواهند شد، در قدم نخست، موظف به توضیح شرایط و مقررات توافقنامه هایی است که افغانستان در زمینه ای تجارت و ترانزیت به امضا رسانیده است. توافقنامه تجارت ترانزیتی افغانستان و پاکستان (اپتا) به تازگی به اجرا گذاشته شده و توافقنامه ساحه آزاد تجاری جنوب آسیا (سفتا) نیز تا دو ماه دیگر به اجرا در خواهد آمد." ایشان علاوه نمود: "طوریکه در جریان هستید تجارت افغانستان تا به حال به شکل قیمی و سنتی آن ادامه داشته و به پیش می رود، اما روز به روز تجارت رشد نموده عصری تر و مسلکی تر می شود و شیوه های قبلی تجارت با توجه به تفاهمنامه هایی که به امضا رسیده است، نمی تواند پاسخگوی نیاز های فعلی باشند. بناءً ما



جای تحریر است، در کشورهای دیگر حتی هنرمندان و بازیگران سینما و سایر مردمان عادی شان روی صحنه آمد و حکومت‌های قوی و نورمال تشکیل داده اند. اما در افغانستان که نخبه‌ها روی صحنه می‌آیند، هرگز قادر به ساختن یک دولت مقنن نمی‌شوند. دلیل اصلی این معما اینست که زعمای ما اکثرًا با دسایس و توپهای خارجی مقابل گردیده و قربانی مشی زعامت زدایی‌ها شده اند.

به طور مثال زعمای سه دهه اخیر کشورمان را به ترتیب اگر بیاد آریم چنین دیده می‌شود که: نور محمد تره کی، حداقل یک نویسنده بنام این ملک در زبان پشتون بود، امین تحصیل یافته بزرگ و کارمل هم یک تحصیل یافته قبول شده در سطح کشور بودند! هم چنین دکتور نجیب الله هم تحصیل یافته و هم سخنور معروف بود.

جلالتمناب حامد کرزی رئیس جمهور فعلی ما هم شخصیتی عادی نیستند. شخصیت جهان دیده ایکه بر دو زبان ملی پشتون و دری و زبان بین‌المللی انگلیسی خوب مسلط اند و بلکه از استعداد عالی، تحصیلات بلند، درایت کافی و شجاعت کم نظیر بهره مند اند. اما چرا از متی است که این همه تبلیغات سوء علیه ایشان در سطح ملی و بین‌المللی سازمان داده می‌شود و در هیچ عرصه اداری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و امنیتی از جانب دوستان بین‌المللی حمایت لازم نمی‌شوند و بلکه حلقاتی از خارج و داخل در بی‌براندازی و استعفای رئیس جمهور شده اند؟!

علت اگر از یکطرف نارسایی‌ها و خیانت‌های برخی دشمنان مخفی و علنی وی در تیم موجود و سابق کاری ایشان باشد از سوی دیگر اعمال اصل روحیه و تاکتیک زعامت زدایی را برای استراتیژی‌های بزرگ جهانی در هیچ گوشۀ دنیا منجمله افغانستان نباید از پاد برد.

در اخیر با عرض تبریک به مناسبت نود و دو میل سالگرد یک دوره مبارزۀ موافقانه برای کسب استقلال و سایر پیروزی‌های این ملت در برابر استعمار و تجاوزات خارجی آزومندیم تا ملت ما با آگاهی بیشتر در چهت احیای همه ارزش‌های از دست رفته و عظمت‌های دیرین این سرزمین همدل و هم گام به سوی وحدت و یکپارچگی ملی قدم بگذارند.

مخصوصاً نسل رoshen و قشر رoshen فکر، علم و دانشمندان این سرزمین با یک فکر واحد لالقل در دو مرز یکی مز بزرگ دین و مقدسات و دوم مرز منافع ملی، باید به خاطر حفظ آزادی و استقلال کشور همیشه مبارزه نماییم و دست‌های متجاوز و مداخله هر دشمن ملی، منطقوی و بین‌المللی را قطع نماییم.

باشهم امیدواریم ملت ما هر چه زودتر به یک آزادی و استقلال واقعاً کامل و سرتاسری در تمام ابعاد زنده گی تایل آید و سران ملی و زعمای فکری و دلسویز این وطن از شر زعامت زدایی‌ها و سایر دسایس مخفی و علنی در حفظ و امان خداوند(ا) باقی بمانند.

(و ما ذلک علی الله تعزیز)

اولین کار شان به جای کمک به ایجاد یک دولت قوی و مستقل در افغانستان سازمان بخشیدن جنگ‌های داخلی بود. بدین معنی که حکومات مربوط به مجاهدین را برای یک لحظه هم آرام نگذاشتند. از بیرون و از داخل بالای شان حملات سازمان یافته علی و مخفی استخباراتی صورت گرفت. خلاصه هر کدام را به نحوی از انجا سرکوب کرده و از صحنه دور ساختند.

آخرین فرد قدرت مدن نظامی در صحنه جهاد افغانستان قید احمد شاه مسعود بود که او را هم توسط یک توپیه بین‌المللی بیرحمانه شهید ساختند. (آن‌له و آنا الیه راجعون)!

قابل ذکر است استعمار به سرانی علاقمندی دارد که تنها متابعت بی چون و چند از دستایر آنها بکنند. ولی هرگاه ذره احسان زعامت سیاسی و بین‌المللی شریک اند و با کمونیست اتحاد شوروی از نظر ایدیولوژی رفیق اند و آنها ایشان را به خاطر یک دین انترنسیونالیستی کمک می‌نمایند تا افغانستان را به دست خود آباد بسازند.

آخرین شیوه ایکه استعمار برای سرنگونی نظام‌ها و حاکمیت ملی کشورها به کار اندخته و می‌اندازد، بیجد جالب است! چه استعمار درین مرحله زمانی به جای لشکر کشی‌های پر مصرف، نزدیک ترین افراد مؤثر رؤسای جمهور، رؤسای امنیت، وزرای دفاع، داخله و دیگر مسؤولین امنیتی و دفاعی کشورها را اغفال و یا خربزاری می‌نمایند. اینها در نقش ستون پنجم علیه دولت و رهبری آن طوری کار می‌کنند که در نتیجه زعما از بین می‌روند و جای شان را کسانی می‌گیرد که کاملاً به میل استعمار گران باشند.

آرزومند هستم پیذیریم که استعمار در چهت نفاق ملی و خصومت‌های ناروا متأسفانه در طول تاریخ موفقاًه کار خود را انجام داده و این همه صفتندی‌های خصم‌مان میان چپ و راست مملکت، میان پشتون و تاجک و سایر اقوام و مذاهبان را که موجب تطبیق فورمول (Divide and Rule) می‌شود به میان آورده است که بدون شک این اختلافات هرگز به نفع کشور نبوده و نیست.

نتایج همچو اختلافات همین است که امروز به جای آنکه به عنوان یک ملت یکپارچه و واحد در شگوفایی و سر بلندی کشور دست به دست هم بدھیم بر عکس همه بر ضد هم‌دیگر و به نفع دشمنان خارجی موضع گرفته ایم. در حالیکه همه یک شعار داریم! یعنی فرد کشور (آزادی، استقلال، تمامیت ارضی، عدالت، انصاف برادری و برابری) وغیره را در صدر آرزوهای شان اعلام می‌دارند.

ما باید دشمنان وطن را بشناسیم، دسایس و توپهای های ایشان را علیه آزادی، استقلال، وحدت ملی، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و زعامت های ملی مان درک و خنثی نمائیم.

پس زعامت زدایی عبارت از شیوه‌هایی است که قادر به استعماری بعد از مایوس شدن از اشغال و تصرف یک سرزمین در پی تطمیع یا اغفال و یا تعویض رهبران آن کشور می‌افتد. به گونه‌نمونه‌های زنده و تیپیک مشی زعامت زدایی استعمار شرق در افغانستان از بر اقتدار آوردن نور محمد تره کی، حفظ الله امین، بیرک کارمل و دکتور نجیب الله بوسیله شوروی‌ها و بعد کشتن و زدن و بر طرف نمودن هریک اینها یکی پی دیگر به اشاره رهبری شوروی می‌توان مثال زد.

این چهار شخصیت سیاسی افغانی که هر یک پرچم دار کمونیسم و دعویگر آن مکتب بودند، با آرمان تأمین کار، نان و لباس به شهید ساختند. (آن‌له و آنا الیه راجعون)!

اکت زعامت نمودند به دستور و حمایت رهبری شوروی توسعه یکدیگر و حتی مستقیماً به دست خود شوروی‌ها مانند امین از پا در آمدند. در حالیکه هیچیک از ایشان نه مدعی اسلام و اسلام گرایی بودند و نه به امپریالیسم جهانی پیوسته بودند. جرم هر یک اظهار حضور و وجود مستقل به عنوان زعیم یک کشور بود.

نا گفته نگذرایم، دکتور نجیب الله آخرین قربانی این دودمان بود که در سرنگونی و حذف اراده و تقاضه مشرک شرق و غرب یکجا رقم خورد. زیرا در پایان زمان او در سطح کشور، منطقه و دنیا تغییرات و تبدلات خاص سیاسی پدید آمده بود که باید او را از صحنه خارج می‌ساختند.

نشویش این بود که اگر وی با باز نمودن دروازه مصالحه ملی و پیوستن با مجاهدین و مردم افغانستان دولتی افغانی و مستقل بسازند، با این مقدار سلاح و مهمات و امکانات شوروی جمع سلاح و مهمات موجود بی شمار غرب در افغانستان بدون شک این کشور به یک قدرت نظامی منطقی تبدیل می‌شود. آنوقت هیچ قدرتی نمی‌تواند به طرف افغانستان به اصطلاح چپ نظر کند. بنابراین را با توطئه‌ای اسیر ساختند و حکومت را از شرق به غرب انتقال دادند، که در نتیجه آن ساختاری مؤقتی به نام دولت اسلامی به وجود آمد.

چهره زعامت زدایی را در حوزه شرق دیدیم، بینیم که در حوزه غرب با زعمای افغانستان چه معامله شد؟ زعمای جهادی و مجاهدین کشور ما که در گذشته در تمام وسایل اطلاعات جمعی غرب به عنوان قهرمانان خطاب می‌شدند بعد از اینکه، در اثر جهاد ملت افغان خطر استیلای اتحاد شوروی بر منطقه رفع شد، مجاهدین و زعمای ایشان با افتخار فریاد می‌کشیدند که ما دنیا را از دیو سوسیالیزم نجات بخشیدیم و باید دنیا مرهون ما باشند. آنها با صد هزار غرور اسلامی و ملی می‌خواستند در عرصه حاکمیت باشند. آنها با این کشور را هم با توطئه‌ها و نیزینگ ها و حیل گوناگون که قبلاً برنامه ریزی شده بود، از پا در آورندند و بالنوبه از صحنه نظامی و سیاسی خارج ساختند.

و استقلال و زعامت با سلامت است هیچ گاه از فقر، بدیختی، عقب ماندگی و مظلومیت حرفی شنیده نمی‌شود. به بیان دوم هیچ مثال فقر و محرومیت در تاریخ زنده گی بشریت در هیچ گوشۀ دنیا و در هیچ مقطع تاریخی برای هیچ کشور مستقل و آزاد و مردم سر بلند با رهبری و زعامت خردمندانه و با سلامت وجود ندارد.

برعکس هر کجا بی آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و یا زعامت‌ها مورد تهاجم قرار بگیرند، بدون شک انواع فقر، مرض، پس مانده گی، بی سوالی، جهل و خرافات و عدم صلح و امنیت هم در آن سرزمین حاکم و مستولی می‌باشد.

اما خواسته‌های معنوی و روحی انسان چون تأمین عدالت، انصاف و انسانیت و برابری و برابری و مساواه رسیدن به حق و حقیقت ایجاب داشتن معرفت لازم به هستی و خالق هستی و ایمان کامل به ذات اقدس الهی را دارد. یعنی هر گاه از لحاظ مادی تمام شرایط زنده گی انسان تأمین شده باشد، تا زمانیکه ایمان به طور کامل در سطح رهبری و زعامت های بشری و در بین افراد اجتماع حکومت نکند، از انصاف، انسانیت و عدالت در هیچ گوشۀ دنیا کسی سخن گفته نمی‌تواند.

بس نتیجه چنین است: در هر گوشۀ از دنیا که صدای فقر و نا بسامانی و پس مانده گی و بیجاره گی بلند می‌شود هیچ عاملی را بحیث علت العلل و عامل درجه یک آن نمی‌توان سراغ کرد! جز اینکه بپذیریم آن سرزمین آزاد و مستقل نیست و با مشکل زعامت‌های نا سلیم را در رأس خود دارد.

دو نوع موانع رسیدن به همچو جوامع آیده آل یعنی آزاد و مستقل و مرفه با تأمین عدالت و انصاف و انسانیت در مقابل بشریت همیشه عرض وجود می‌نماید:

1- خواست نفس و موجودیت شیطان که با القای وسوسه‌ها در قلوب فرد بشریت و بخصوص در دل های مت加وزین و اشغالگران سبب هر نوع نابسامانی، تعرض و تجاوز به آزادی، استقلال و کرامت انسانها و جوامع بشری می‌شود.

2- اعمال برنامه‌های سیاسی استخباراتی شیاطین انسی است که بازهم به اثر خواسته‌های نفسی و سوسese های شیاطین جنی علیه بشریت به راه اندخته می‌شود و آن از دو طریق است:

— یکی برنامه ریزی برای از بین بردن بستر های اساسی زندگی (چون سرزمین، آزادی و استقلال در جوامع بیدفاع). یعنی استعمار گران و مت加وزین در طول تاریخ به منظور از بین بردن سعادت افراد بشری و جوامع انسانی سعی می‌نمایند که اول آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشورها را مورد هجوم و اشغال قرار بدهند!

— راه دوم توسل به زعامت زدایی است در کشورها. از آنجا که زعامت‌های ملی بعد از مساله آزادی و استقلال و تمامیت ارضی نقش درجه یک را در رهبری جوامع برای رسیدن به حیات سیاسی مستقل و آزاد دارد، بناءً در طول تاریخ دشمنان آزادی بشریت با نیزینگ ها و حیل مختلف می‌کوشند که زعامت‌های ملی کشورها را یا تهدید نمایند و یا بدنام بسازند و اگر باین هم نشد به نحوی از بین برند.



گرامیداشت روز مادر از سوی وزارت امور زنان

مادر! ای سرچشمه مهر و محبت، ای که چون پروانه سوختی و چون شمع گداختی تا به من درس زندگی آموختی، روزت مبارک باد!



خاتمه جنگ بستگی دارد. خواهش من از تمام مادران افغان این است که در راستای برقراری صلح و امنیت از برنامه صلح جاری حمایت نموده و با سعی و تلاش شان این برنامه را پیروز گردانند...."

پوهنمل دکتور حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان ضمن تبریک این روز فرخنده اظهار داشت: "مادر در ارزش های اسلامی و فرهنگ افغانی، درخور ستایش است و تا آنجایی که حضرت رسول اکرم(ص) فرموده اند: بهشت زیرپای مادران است. احترام به مادر جزء مسائل اخلاقی خانواده ها می باشد." وی خطاب به مادرانی که دور از شهر ها زندگی دارند، گفت: "مشکلات شما مادران در روستاهها، ولسوالی ها، ولایات، اطراف و اکناف کشور از دید وزارت امور زنان به دور و پوشیده نیست، ما همواره در تلاش آن هستیم که از طریق هماهنگی، نظارت و پیگیری کامل گام های جدی برای تطبیق برنامه های مفید و

وزارت امور زنان از بیست و چهارم جوزا روز خجسته مادر با تدویر همایشی در تالار سینما زینب تجلیل به عمل آورد.

در این محفل شکوهمند هدایت امین ارسلان وزیر ارشد جمهوری اسلامی افغانستان، آمنه افضلی وزیر کار و امور اجتماعی - شهدا و معلولین، اعضای پارلمان، معاون سفارت ایران در کابل و نیز مهمانان از آن کشور، جمع کثیری از مادران و خبرنگاران اشتراک ورزیده بودند.

نخست پیام حامد کرزی رئیس جمهور کشور از سوی پلوشه شهید کاکر معین مالی و اداری وزارت امور زنان به خواش گرفته شد که در بخشی از آن آمده است: "در این سال ها تعداد زیادی از مادران، بهترین عزیزان خود را امثال شوهر، پسر، دختر و یا نزدیکان شان را از دست داده اند و هنوز هم بیشترین رنج، زحمت و مشقات را از حملات تروریستی متتحمل می شوند و خاتمه این حالت وحشتناک زنان افغانستان به برقراری صلح و

حضرت فاطمه زهرا (س) بهترین الگو برای زنان جهان



وزارت امور زنان به مناسبت میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) دخت پیامبر اکرم (ص) روز چهار شنبه مورخ ۴ جوزای ۱۳۹۰ خورشیدی همایشی تحت عنوان «نقش زن در اسلام» به اشتراک رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کابل برگزار نمود.

این همایش به اشتراک مقامات دولتی، سفير جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، آمنه افضلی وزیر کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، وکلای شورای ملی، مهمانان از کشور جمهوری اسلامی ایران و جمع کثیری از خواهران در تالار سینما زینب دایر گردید.

دکتور حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان ضمن تبریک این روز فرخنده اظهار داشت: فاطمه زهرا سلام علیها نمونه و مثال برای زنان مسلمان است، آنچه شریعت اسلام در حق زن بیان داشته، میتوان در زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) و زنان صدر اسلام به خوبی مشاهده کرد. وی افزود: تجلیل از این روز خجسته به صورت مشترک بیانگر ادامه روابط نیک میان دو کشور دوست و برادر می باشد.

دکتور فدا حسین مالکی سفير کبیر جمهوری اسلامی ایران، حاجی محمد محقق رئيس کمیسیون عدلی و قضایی ولسی جرگه، دکتور محمد علی رضایی اصفهانی مترجم و مفسر قرآن کریم، دکتور محمد ایاز نیازی استاد دانشگاه کابل، جمیله افغانی و صدیقه عالمی بلخی از جمله سخنرانان این همایش بودند که هر یک پیرامون جایگاه و منزلت زن در اسلام، نقش زن در پیشرفت جوامع اسلامی، اثرگذاری نقش زن در تاریخ بشیریت، شخصیت و دستاورد حضرت فاطمه زهرا (س) صحبت نمودند.

قابل یادآوریست که «هفته دوستی زنان افغانستان و ایران» از تاریخ ۲۲ الی ۲۸ جوزای سال روان زیر نظر وزارت امور زنان در کابل برگزار گردید.



قدر دانی دکتور حضرت عمر زاخیلووال وزیر محترم مالیه کشور از خدمات برآزنه الحاج محمد ابراهیم
غضنفر رئیس عمومی غضنفر گروپ در جهت، خدمت به مردم، تحقق پذیری اهداف وزارت مالیه و در نهایت رشد اقتصاد کشور



قدر دانی ستر جنرال عطا محمد نور والی محترم بلخ از خدمات شایسته اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی الحاج محمد ابراهیم غضنفر
رئیس عمومی غضنفر گروپ، بویژه کمک های خدا پسندانه ایشان در راستای باز سازی و بهسازی صحن روضه مبارک حضرت علی (ک)



سازنده جهت بهبود وضعیت زنان کشور بوداریم." خانم غضنفر همچنان از طرحی که در رابطه به مادران خود سرپرست در بخش های تهیه سرپناه، آموزش، خودکفایی و زمینه کار برای شان از سوی وزارت امور زنان آماده گردیده است، به عنوان تحفه به مادران بیوه در این روز، نیز خبر داد.

هدایت امین ارسلان وزیر ارشد دولت، فوزیه کوفی رئیس کمیسیون امور زنان؛ حقوق بشر و جامعه مدنی، خانم صدیقه حجازی از کشور ایران و معین وزارت معارف نیز از سخنرانان دیگر این همایش بودند که هر یک به نوبه خود در رابطه به مقام والای مادر، نقش مادران در تربیت فرزندان و مشکلات مادران در کشور سخنرانی نمودند.



همچنان در ختم محفل فلم مستندی که از وضعیت مادران در کشور توسط وزارت امور زنان تهیه گردیده بود، به نمایش گذاشته شد و همچنان تعدادی از مادران موفق وزارت امور زنان با توزیع تحایف از سوی سرپرست وزارت مورد تقدیر قرار گرفتند.

قابل یادآوریست که «هفته دوستی زنان افغانستان و ایران» که مشتمل بر تدویر نمایشگاه مشترک صنایع دستی زنان افغان و ایران، نشستی میان کارگردانان و بازیگران سینمایی دو کشور، ورکشاپ های آموزشی بویژه ورکشاپ ارایه تجارت ایران در مورد صحت مادران و مادر مصوفون و برگزاری شب شعر میان شاعران دو کشور دوست و برادر می باشد که از تاریخ ۲۲ الی ۲۸ جوزا زیر نظر وزارت امور زنان در کابل برگزار گردید و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. و این محفل نیز با بازدید اشتراک کننده گان از نمایشگاه صنایع دستی زنان افغانستان و ایران اختتام یافت.



(شهر خوب) و (شهر خوش) را افاده می کرده است.^(۵)
یاقوت حموی غزنه را در عربی به گونه (جزنه)
نوشته که در حقیقت نام صحیح آن نزد واژه شناسان
(غزنین) است که در لغت نامه برهان قاطع غزنه مخفف
(غزنین) داشته شده است. اما محمد بن محمود طوسی در
کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (۵۵۵ تا
۵۶۲ هـ) از غزنه به عنوان شهر عتیق یاد کرده و زیبا
رویی و خوشگلی ساکنان آنرا ستوده است.^(۶)

در اوایل قرن هفتم میلادی هیون تسانگ
(Hiuen Tsiang) زایر معروف چینی که به آریانا و
هند مسافرت کرد علاقه مریبوط به غزنه را به نام (تسو-
کو-ته) Tsou-Ku-Ta یاد نموده است. به باور او غزنه
مرکز سلطنت مستقل تسو-کو-ته (زابلستان) بوده که
باشندگان آن مناطق دیانت بودایی داشتند. وجود معبد
شاهبار که از داشته های زمان کوشانیها بوده است، این
منطقه را به حیث یکی از شهر های مقدس دیانت بودایی
معرفی می کند. معبد شاهبار که در زبان های سانسکرت و
پراکرت (شاویهاره) و در زبان دری شاهبار (معبد شاهی



و دور و پیش آن تا کوی آهن همه و همه محدوده شهر
قدیم غزنین بوده که اکنون روی خرابه های آن شهر
باستانی قلاع گلی، باغها و مزارع آباد شده است.^(۷)

در قرن دوم میلادی بطیموس جغرافیه نگار
یونانی کلمه گزاکه (Gauzaka) را در مورد غزنه به کار
برده است. پروفیسور موسیو بنوست (M.BenWenst)
زبانشناس معاصر فرانسوی در السنه
گرفت، اوستا است که در میان شانزده قطعه زمین قشنسگ
و مقدس در فرگرد اول سرزمین را به نام کخره
بطیموس یک چیز است و نام و محل هر دو به هم
طبیق می شود. دانشمند مذکور به اساس لغاتی که اخیراً
در لهجه های سعدی و پارتی خوانده شده و معنی خزانه را
می دهد می گوید که در ریشه کلمه غزنه و غزنه واژه
غزنه تذکر می دهد. امروز این منطقه در تشکیلات اداری
می دهد می گوید که در ریشه کلمه غزنه و غزنه واژه
غزنه موجود است که معنی خزانه را می دهد. روانشاد
دکتور غلام سرور همایون می نویسد: «واژه های (غزنی)،
(غزنی) و (غزنین) سه شکل نوشتاری یک واژه واحد دری
بوده و غزنی مرکب از واژه (غز=کز=کش=گش) به معنای
ناز، خوش و خوب و (نی) به معنای شهر است که اصلًاً به
صورت کزني(کشنی) گشته نوشته می شده که معنای

معاون سرمحقق محمد اسلام افضلی

نگاهی مختصر بر جغرافیای تاریخی غزنه

غزنه یکی از ولایات باستانی کشور ماست که از بدود پیدایش خود تاکنون راه های پر فراز و نشیب های مختلفی را پیموده است. چنانکه این منطقه در عهد قدیم و اساطیری یکی از مضائق (زلبلستان) سرزمین رستم (جهان پهلوان) آریابی و اسلام اوگر شاسب بوده و در سیر تاریخی خود از گزند حملات جهانگشایان مصون نبوده است.

از آنجائیکه جغرافیای تاریخی به مطالعه پدیده های مختلف جغرافیایی که مبنای تکامل و تحول فرهنگ مادی و معنوی بشر است می پردازد و همه مسایل جغرافیایی یک کشور یا یک محل را در قید زمان های گذشته به بحث می گیرد و تصویر روشنی از آنها ارایه می نماید. جغرافیای تاریخی غزنه نیز مشخصات سرزمین غزنه را در امتداد تاریخ به بحث می گیرد و دورنمای درخشش آنرا به رویت فاکت های عینی و مطالعات ساحوی و باستانشناسی به پژوهش می گیرد.

غزنه یکی از ولایات تاریخی افغانستان است که در سطح منطقه و جهان از جایگاه خوب داشته های فرهنگ مادی و معنوی برخوردار است که همگان به آوازه مدنیت و شکوه تاریخی آن آشنایی دارند. این ولایت در ۶۷ کیلومتری کابل و ۳۴۸ کیلومتری قندهار بین ۱۳۵ درجه ۴۸ دقیقه ۴۸ ثانیه، ۶۹ درجه ۱۹ دقیقه و ۴۸ ثانیه طول البلد شرقی و ۳۱ درجه، ۳۵ دقیقه و ۲۷ ثانیه و ۳۳ درجه، ۲۵ دقیقه و ۲۴ ثانیه عرض البلد شمالی موقعیت دارد.^(۸)

غزنه نه تنها از شهرهای تاریخی افغانستان است بلکه در زمانه های قدیم از بزرگترین شهرها و مراکز تجاری، مدنی و صنعتی آسیا به شمار می رفت. قدیمترین سند تاریخی که می توان در آن نام غزنه را به خوانش



محمد غزنوی در جنوب الی گجرات، لاہور، سرہند، دھلی، آگرہ، گوالیاد، کالنجر و بنارس در امتداد دریای گنگا وسعت یافت و به این ترتیب سرحدات آن در شمال مauraً النهر و مرو، در جنوب گجرات الی بنارس، در شرق کشمیر و در غرب الی اصفهان و همدان گسترش یافت.^(۲)

به قول فرخی سیستانی شاعر مشهور آن دوره، امپراتوری محمود از کوه گیلان تا شهر ری و از آب خوارزم تا دریای گنگ هند گسترد بود.

ز کوه گیلان او راست تا بدان سوی ری ز آب خوارزم ارو راست تا بدان سوی گنگ

سلطان محمود غزنوی با تصرف شهرهای سمرقند، خوارزم، هند و عراق عجم و به دست آوردن سرمایه سرشار از این مناطق، در شکوه و آبادانی شهرهای مختلف خراسان مانند بلخ، مرو، نیشاپور، هرات و به ویژه پایتخت امپراتوری خود شهر غزنی استفاده به عمل آورد. چنانچه زراعت در غزنی ترقی و انکشاف نمود و بندهای آبگردان احداث شد مانند: بند سلطان، بند تالاب حسینی، بند زنخان، بند قره چه سرده، بند زرد سنگ وغیره. اکثر این بندها گرچه امروز ویران است، اما علامات قدیمی و مواد پخته بندهای مذکور باقی مانده نمایان است.

در این دوره صنعت نساجی، فلزکاری، هنر موسیقی و معماری رشد زیاد نموده، کاروان سراهای کاریزها، قنات، کاخها و عمارت‌های متعدد و مجلل ساخته شده بود که کاخ فیروزه، کاخ کهن و کاخ نو، کاخ افغان شال، باغ صد هزاره با کوشک سپید، باغ فیروزی در غزنی و کاخ لشکری محمود در دشت چوگان بست (لشکرگاه)، باغ محمود در بلخ و بازار بلخ و پل دریای آمو و باغ عدنانی در هرات از بناهای معروف دوره محمود غزنوی بوده است. همین طور کاخ سلطان مسعود با صرف هزینه گراف هفت میلیون درهم و کار بیگار مردم که در مدت چهار سال اعمار گردید، از بناهای معتبر این دوره است. همچنان فیل خانه بزرگی به منظور تربیه و نگهداری بیشتر از دو هزار فیل که در اردیوی محمود غزنوی وجود داشت از شمار بناهای این عهد شهر غزنی به شمار می‌رود. نویسنده‌گان آرامگاه امیر سبکتگین را نیز از عمارت‌های

در عهد فرمانروایی سلطان محمود غزنوی امپراتوری وی از وسعت زیاد ببرهه مندد و پهنهای آن از غرب ایران تا وادی گنگ گسترش یافت و غزنی مرکز حکمرانی آن در برابر آسیا و مشرق زمین از معروف‌ترین و مشهور ترین شهرهای روزگار به شمار می‌رفت.^(۱) اگر چه مرزهای طبیعی و سیاسی افغانستان در زمان آرایی‌های قدیم مارگانیا در بین سیحون و جیحون سعدیانا و باکتریا، گندهارا، کابل تا سنده، اراکوزیا، درنگیانا، گدوسیا (بلوچستان) الی اندوس (ایاسین) بود، اما در زمان



بودایی) نامیده می‌شد. در شمال غرب میدان شاپهاره در سه کیلومتری جنوب غرب دهکده روپه یا آرامگاه سلطان محمود غزنوی شناسایی شده است. این معبد در زمان غزنی‌ها به تپه نقاره مشهور بوده و سلطان محمود از فراز این تپه قطعات و جزو تام‌های ارتش را که به جنگ در هند آمادگی می‌گرفتند مورد معاینه قرار می‌داد. افزون بر آن این تپه که معبد شاپهار بالای آن قرار داشت محل



سامانی دوازده هزار عسکر سواره امیر منصور برادر عبدالملک سامانی را در بلخ شکست داده به جانب غزنی حرکت کرد و پس از منهزم ساختن (ابویکر لاوبک) حاکم آنجا، حصار غزنی را تسخیر و اعلان پادشاهی نمود. این اولین مرتبه است که غزنی مرکز یک حکومت مستقل می‌شود. متعاقب آن پیتگین بست و قسمتی از سلطنت کابل را تسخیر نموده ضمیمه حکومت غزنی ساخت. بعد از پیتگین ابواسحق ابراهیم و پلکانی و پریتکین که دو نفر اخیر از امرا و فرماندهان عساکر پیتگین بودند یکی بعد دیگر به سلطنت رسیدند تا اینکه نوبت به امیر سبکتگین که او هم از امای پیتگین بود رسید (۳۶۴ هـ / ۹۷۷ م). با حکومت سبکتگین پیشرفت و شهرت شهر غزنی بالا گرفت. اما یگانه پادشاهی که به نام او تاریخ غزنی افتخار همیشگی دارد سلطان محمود پسر دوم سبکتگین است که پس از مرگ پدر از نیشاپور به غزنی آمد و بعد از زد و خورد مختصر پایتخت غزنی را از برادرش اسماعیل متصرف شد.

در مدت ۳۳ سال فرمانروایی سلطان محمود، شهر غزنی به کلی آباد و کانون کشور داری صنایع، ادبیات و علوم گردید. شهر غزنی در زمان سلطان محمود نه تنها محیط علم و ادب و سیاست بود بلکه از نقطه نظر ساختمان‌ها و موسسات عام المنفعه نیز در جهان شهرت داشت.

غزنی در دوران حکمرانی شاهان غزنی روز تا روز به رونق و شکوه خود می‌افزود. چنانکه اصطخری جغرافیه نویس قرن چهارم، غزنی را شهر توانگر. مرکز و بندر تجاری کشور هندوستان خوانده است.^(۴)

مستشرق مشهور بار تولد ضمن نگارش احوال (زابل) می‌نویسد: در این صفحات از منه قدیم شهرها و بlad معمور بود اما نامهای آن بعداً مشهور شده است. از آن جمله است شهرهای تگین آباد، پنجواهی و غزنی. شهر غزنی بعد از قرن دهم میلادی سمت پایتخت افغانستان در عهد غزنیان کسب کرد و در قرن یازدهم از مشاهیر شهرهای عالم به شمار رفت تا جایی که با بغداد همسری می‌کرد.^(۵)

برگزاری جشنها و میله‌ها و اعیاد دینی بوده که فرخی سیستانی به اجرای این رویدادها در قصاید خویش آنرا اشاره نموده است.^(۶)

در نگارشات مورخ مشهور مدرس غزنی با کمی اختلاف به شکل غزنین که در زبان عرب جمع تشنیه می‌باشد ذکر شده است و همچنان به شکل غزنی نیز استعمال گردیده است.^(۷)

شهرت غزنی و اهمیت آن در تاریخ افغانستان و شرق با ظهور شاهان غزنی در اوایل قرن یازدهم میلادی (اواسط قرن ۴ هـ) آغاز می‌شود. در سال ۳۵۱ هجری (۹۶۳ م) پیتگین از امای احمد بن اسماعیل



هرات در گذرگاه تاریخ

- « طب و طبابت » دکتور محمد انور ترابی
- « هرات زادگاه خواجہ عبدالله انصاری » بیژن سلجوچی
- « هریرود و شیوه های آب گیری » اسیر هروی
- « قلعه اختیار الدین » سرمهحق عبد الصابر جنبش
- « بهزاد و مینیاتوری » پوھیالی صالحه وفا
- « اشکال مالکیت در عصر تیموریان » پوهنواں عبدالرحیم امید
- « مدارس و شیوه های تدریس در دوره تیموریان »
- « په هرات او شاو خوا سیمو کی اوسنی فرهنگی وضعه » نظری آریانا
- « هرات مرکز رنسانس شرق » فرزانه حبیبی
- « هرات و طریقہ چشته » سید احمد شاه چشتی
- « امیر علی شیر نوایی » عبدالعلی نور احراری
- « بررسی اوضاع تعليمی و تربیتی دوره تیموریان » پوھیالی یاسین حیدری
- « هرات و مقاومت های ملی » عبدالعلی بهنام در پایان این سیمینار قطعنامه ۲۶ ماده ای با اکثریت آرا به تصویب رسید مبنی بر این که در جهت معرفی این شهر باستانی بویژه مسجد جامع هرات که یکی از بنای مقدس و افتخار آفرین جهان اسلام به شمار می رود، تلاش بیشتری صورت گیرد.
- تمام اماکن تاریخی این شهر به صورت اساسی مرمت گردد تا این شهر باستانی در فهرست یونسکو شامل گردد. به منظور شناخت نسل آینده کشور از این شهر باستانی یک مضمون درسی تحت عنوان « هرات شناسی » شامل نصاب درسی مکاتب گردد. برای جذب سیاحان خارجی و داخلی در جهت غنامندی جاذبه های سیاحتی این شهر سریعاً اقدام گردد و برای شناخت و معرفی هر چه بیشتر این شهر تاریخی سالانه تحت عنوان « میلاد هرات » محافل گوناگونی برگزار گردد تا این شهر باستانی بتواند عظمت از دست رفته خود را باز یابد.

سیمینار « هرات در گذرگاه تاریخ » به ابتکار وزارت اطلاعات و فرهنگ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۰ ثور خورشیدی با حضور شمار زیادی از ارکان بلند پایه دولتی، اعضای شورای ملی، علماء، دانشمندان، محققین، روزنامه نگاران و جمع کثیری از مردم این ولایت در شهر باستانی هرات برگزار گردید.

در این سیمینار که دو روز به طول انجامید نخست پیام جلال‌التمآب حامد کریزی رئیس جمهور از سوی دکتور سید مخدوم رهین وزیر محترم اطلاعات و فرهنگ کشور قرائت گردید و سپس پیام جامعه علماء و روحانیون، ریاست اکادمی علوم افغانستان، ریاست دانشگاه هرات و پیام انجمن ادبی هرات قرائت گردید.

در این کنفرانس مقالات زیر از سوی محققین و نویسندهای برازندگان کشور به خوانش گرفته شد:

- « چغروفایی تاریخی و سیاسی هرات » سرمهحق محمد اسلم افضلی
- « هرات و امام فخر رازی » الحاج سید محمد عمر آریانا، شماره ۸، سال ۴، کابل: انجمن تاریخ، ۱۳۵۲، ص ۵۰.
- « مسجد جامع بزرگ هرات » نظر محمد عزیزی سید اکرام الدین حصاریان، غزنی رونق و شکوه آن در عهد سلاطین غزنی، خیزنه، شماره اول، پوهنوان کابل، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲.
- « هرات روایی من » سخی غیرت میر غلام جیلانی جلالی، غزنی یا غزنی، ژوندون، شماره ۱۶، سال ۲، کابل: ۱۳۳۹، ص ۶.
- « پس منظر تاریخی گذرگاه » عبدالغنی نیک سیر کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۹.
- « تشویق، ترغیب و دلچسپی تیمور و شاهزادگان تیموری به نوشتن تاریخ و تاریخ نویسی » پوهنوان عبدالبابقی حصاری
- « کارکرد های فرهنگی گوهرشاد بیگم » صالحه حبیبی
- « هرات در عهد طاهریان » عبدالقدیر رضین شهرهای آریانا، چاپ دوم، کابل: امیری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵.
- « وضع ادبی هرات در دوره سلجوچیان » پوهنوان زریر کریم شماره ۱۶، سال ۲، کابل: ۱۳۳۹، ص ۸.

مسلمین، عرب ها به اصطلاح زبانی خودشان گاف گازاکاو کازوس را به غین عوض کرده، پس آخر را چنانچه در تغییر دادن اسماء عادت دارند از تلفظ حذف نموده به جای آن (ن) آورده اند و برای آنکه نام مذکور هر دو بخش شهر را احتو نماید (شهر غزنی به دو طرف ساحل رود خانه آباد بود) کازانه یا گزنه غزنین ساختند. از همین جاست که یاقوت حموی در معجم البلدان تلفظ صحیح نام این شهر را (غزنین) خاطر نشان می کند.^(۱۵)

مأخذ:

۱. ارقام اخذ شده از ریاست جیودیزی و کارتوگرافی افغانستان
۲. محمد حسین یمین، افغانستان تاریخی، کابل، انتشارات کتاب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹-۱۷۰.
۳. ابلنتیکی، خراسان و مaura النهر، مترجم: پرویز جاوید، تهران: گفتار، ۱۳۶۴، ص ۱۹.
۴. غلام جیلانی جلالی، غزنی و غزنیان، کابل: بهقهی، ۱۳۵۱، ص ۲۹.
۵. سور همایون، حکیم سنایی غزنی و جهان بینی او، کابل: بهقهی، ۱۳۵۶، ص ۲۹.
۶. عهد اکرام الدین حصاریان، غزنی رونق و شکوه آن در عهد سلاطین غزنی، خیزنه، شماره اول، پوهنوان کابل، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲.
۷. همان اثر، ص ۱۱۳.
۸. علی احمد نعیمی، مختصرا از تاریخ شهر غزنی، مجله آریانا، شماره ۸، سال ۴، کابل: انجمن تاریخ، ۱۳۵۲، ص ۵۰.
۹. عهد اکرام الدین حصاریان، غزنی رونق و شکوه آن در عهد سلاطین غزنی، ص ۱۱۴.
۱۰. غلام جیلانی جلالی، غزنی یا غزنی، ژوندون، شماره ۱۶، سال ۲، کابل: ۱۳۳۹، ص ۶.
۱۱. میر غلام جیلانی جلالی، غرفایی تاریخ افغانستان، کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۹.
۱۲. غلام جیلانی عارض. سرحدات و تقسیمات اداری افغانستان در طول تاریخ، پشاور: اداره کوهه ۱۳۸۲، ص ۲۴.
۱۳. سید اکرام الدین حصاریان، غزنی رونق و شکوه آن در عهد سلاطین غزنی، ص ۱۱۶.
۱۴. محمد عثمان صدقی، چغروفایی تاریخی مختص شهرهای آریانا، چاپ دوم، کابل: امیری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵.
۱۵. غلام جیلانی جلالی، غزنی یا غزنی، ژوندون، شماره ۱۶، سال ۲، کابل: ۱۳۳۹، ص ۸.

شکوه این عصر می دانند. در این عهد شهر غزنی از بزرگترین و مهمترین شهرهای سیاسی، تجاری و فرهنگی خراسان به شمار می رفت.^(۱۳) و راه تجاری ابریشم که در انتقال اموال تجاری از کشورهای چین و هند به بحیره مدیترانه و اروپا نقش ارزشمندی داشت، از غزنی می گذشت و کاروانهای تجاری اموال مختلف چون منسوجات، عطیریات، ادویه، آلات فلزی، اسلحه، احجار کریمه، ظروف مسی، کاغذ، پشم وغیره را از این طریق انتقال می دادند و غزنی در حقیقت انبار کالاهای صادراتی که از خراسان و مaura النهر به هندوستان انتقال می شد به شمار می رفت که این همه رونق و شکوه شهر غزنی مراهن مرکزیت سیاسی و فرهنگی آن بوده است که در نتیجه کار کرد شاهان غزنی به خصوص سلطان محمود و سلطان مسعود مهیا شده بود.

منارهای شهر غزنی که تا امروز افتخار می آفربند از دستاوردهای تاریخی دوره غزنیان است که یکی آن به سمت شمال شهر توسط سلطان محمود و دیگر آن در جنوب شهر توسط سلطان محمود بنا یافته است و در وسط این دو منار بازار گهر فروشان قرار داشت که محل خرید و فروش جواهرات و سنگهای قیمتی بود.^(۱۴)

شهر غزنی تا روزگار زندگانی حکیم سنایی غزنی (۵۴۵ ق) از شکوه و عظمت خاص برخوردار بود و سرانجام با مصیبت و فاجعه بزرگی چون حريق این شهر بزرگ به دست علا الدین حسین غوری مواجه گردید و ابهت خود را از دست داد. از پژوهش پیرامون نوشه های مورخین راجح به غزنی به این نتیجه می رسیم که این شهر قبل از میلاد موجود بود و به توضیح اسناد بارتولد و نوشته بطیموس و گواهی بر آمدن مسکوکات شاهان یونانی، این شهر در سال (۱۶۵ ق م) آباد بوده و در سال (۶۴۴ م) زایر بودایی هیون تسانگ آبرآ شهر وسیعی دیده است، و اینکه کازاکای بطیموس و کازوس یونانی و هویسی - na (HO-Ci-Na) بودایی چطور در آغاز دوره اسلامی به غزنی یا غزنین تغییر یافته است، احتمال می رود که در زمان آمدن



زنان سخنور

عبداللطیف رحمانی

افغانستان گهواره شعرای نامداری چون مولانا جلال الدین محمد بلخی، ناصر خسرو، امیر علی شیرنوازی، سنایی عزنوی، استاد خلیلی و قهار عاصی می‌باشد و امروز نیز چکامه‌های زیبای شان سرآمد روزگار است. حتی اشعار زنان این کشور با وجود آنکه نه تنها از آزادی نسبی بیان برخوردار نبوده اند بلکه بسیاری از آن‌ها براساس عنعنات حاکم بر جامعه از نعمت سواد نیز محروم بوده اند، به دلها چنگ می‌زند و شاعران نامداری امثال رابعه بلخی، محجوبه هروی و مخفی بدخشی در دامان این سرزمنی پرورده شده اند. که متأسفانه اشعار برخی از آنها در دسترس قرار ندارد.

براساس تحقیقات انجام شده «داریدخت» زن پادشاه تخارستان نخستین شاعر زن در این کشور شناخته شده است ولی نخستین کسی که از او آثار فراوانی به جا مانده، رابعه بلخی است. گفته می‌شود رابعه بلخی دختر نجیب زاده‌ای بود، که خلاف رسومات و عادات عصر خود، بر غلامی عاشق شد. گرچه او شخصیت برازندهٔ عصر خود بود، اما از نظر عنعنی مرتكب‌گناه شده بود و در نتیجه قربانی غرور لذت بردن از زندگی در فضای سبز و آرام بخش رنگ تازه‌ای به شما می‌بخشد.

پس بشتابید همین حالا فروش جریان دارد
آدرس: مزارشیریف مسیر ساختمان جدید پوهنتون بلخ
شماره‌های تماس: 0793101771/0793101770
پس بشتابید همین حالا فروش جریان دارد
آدرس: مزارشیریف مسیر ساختمان جدید پوهنتون بلخ
شماره‌های تماس: 0793101771/0793101770
نخستین بار در افغانستان محتarme «ماگه رحمانی» تذکره شاعران زن افغان را گردآوری و تحت عنوان (پرده نشینان سخنگوی) در سال ۱۳۲۸ در کابل چاپ و منتشر نمود. این کتاب حاوی تذکره و نمونه اشعار برخی از زنان سخنور این سرزمنی می‌باشد. گرچه در افغانستان زنان زیادی بوده اند که شعر می‌گفتند، ولی متأسفانه اشعارشان قبل از این که به چاپ برسد، از بین رفته است. زنان افغان اکثراً پرده نشین بوده اند، حتی نام و آثار ایشان اجازه خروج از پس پرده را نداشت. اگر به القاب و تخلص‌های شاعران نظری بیاندازیم، می‌بینیم که اکثر آنها در آن به پرده نشینی و مستوری خود اشاره نموده‌اند: حاجی، مخفی، مستوره، محجوب، نهانی و... این تخلص‌ها خود دلیل گوشه نشینی و دوری صاحبان آن‌ها از حیات اجتماعی می‌باشد. براین اساس نمونه کلام بسیاری از آن‌ها به دلیل عدم چاپ و انتشار آثار شان در دسترس نمی‌باشد. در ذیل فهرست برخی از زنان سخنور کشور که شرح حال و نمونه آثار شان در دسترس است، بیان می‌گردد.

مستوره افغان	رابعه بلخی
فاطمه اختر	مخفي بدخشی
سمن بوی باد غیسي	محجوبه هروی
خالده بارش	عايشه افغان
پري بدخشی	نفيسه خوشنصيب غضنفر
ناهيد بشر دوست	عزيزه خوشنصيب
عارفه بهارت	شفيقه دبياج
پروين پژواک	هما طرزی
نيلاب پژواک	خالده فروغ
مريم تركمن	رابعه اثير
آفاق جلاير	ناديه انجمن
فائقه جواد مهاجر	اشك ندامت
رقیه حبیب	هما محتسب زاده آذر
حياتی	نفيسه ازهر

غضنفر کاشانه

غضنفر کاشانه که در طرح بلاک های رنگ تازه ای بخشیده است. برای شما یک طرز زندگی باکیفیت را پیشکش می نماید. این کاشانه بامدرن ترین و مجھزترین سیستم معماری روز اعمار و آماده فروش برای هموطنان خوش سلیقه است.

غضنفر کاشانه دارای سهولت های ذیل می باشد.

- ۱ - سیستم ساختمانی مقاوم در برابر زمین لرزه.
- ۲ - دروازه های (پلوود) با رنگ دلکش ورنس جladar.
- ۳ - کلکین های (بی وی سی) عایق صدا و حرارت.
- ۴ - مسجد شریف با همه امکانات آن.
- ۵ - سالون و اتاق های مجلل با طرح های زیبا.
- ۶ - آشپزخانه و تشناب عصری و مدرن.
- ۷ - جمنازیوم ورزشی با تمام سهولت های آن.
- ۸ - سیستم منظم آب و برق.
- ۹ - محل بازی برای اطفال دوست داشتنی شما.
- ۱۰ - پارکنگ وسایط وساحه سبز.

پس کسانی که یک زندگی راحت و مطمین را دریک فضای گوارا و بدون تشویش از محیط زیست آوردند برای خانواده خویش به طور آماده آرزو داشتند، به سوی این کاشانه بستابند. اینک بلاک های غضنفر کاشانه کاملاً آماده فروش و در انتظار خانواده های خوش ذوق برای یک زندگی رویایی است.

لذت بردن از زندگی در فضای سبز و آرام بخش رنگ تازه ای به شما می‌بخشد.

آدرس الکترونیکی : Pa@ghazanfargroup.af

شماره های تماس: 0793101771/0793101770



غضنفر کاشانه هدیه سرشار از آرامش

ویسترن یونین (Western Union)

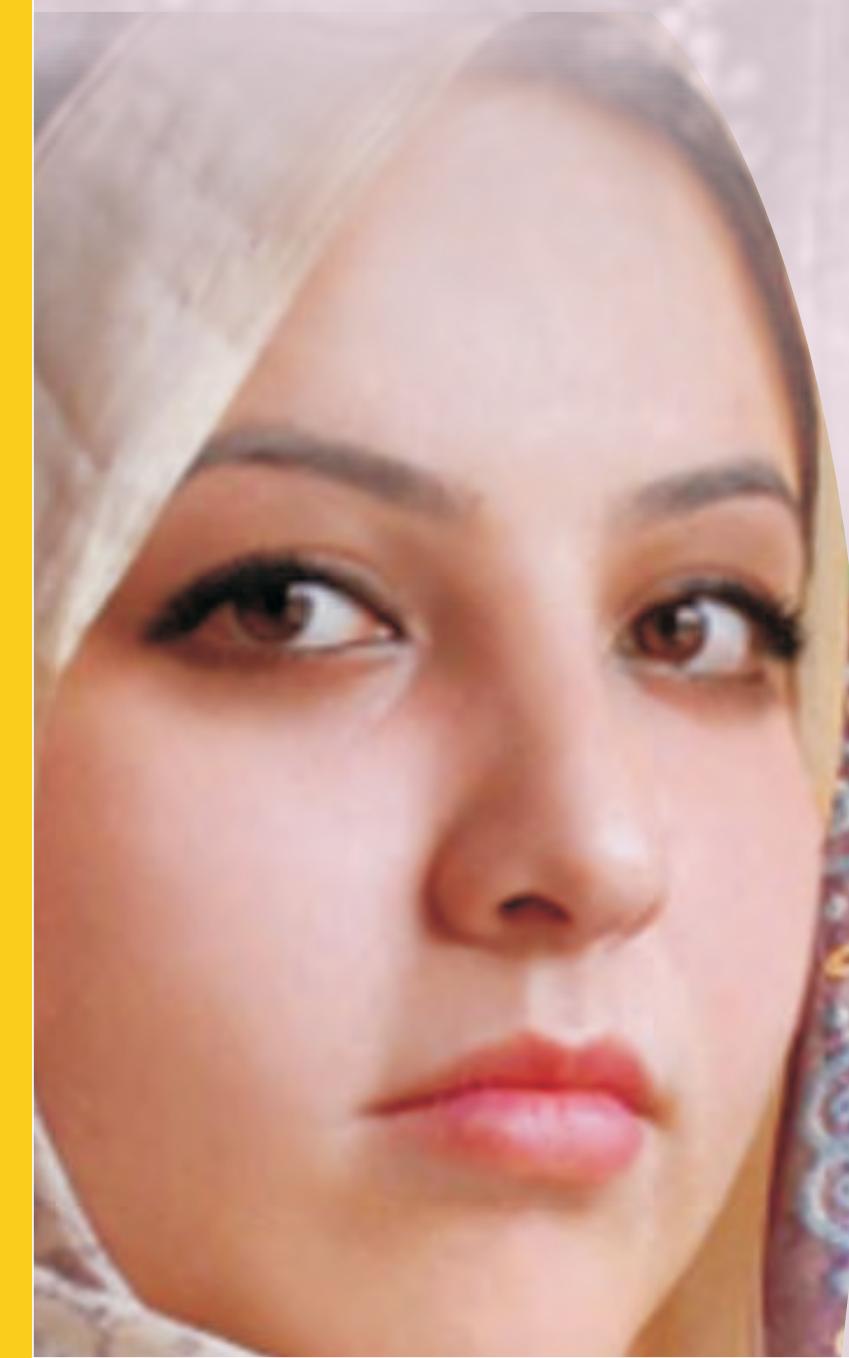
امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمین در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.



MONEY TRANSFER

در غضنفر بانک

غضنفر بانک از طریق ویسترن یونین
در امر انتقال پول به شما اطمینان می دهد



منبع: اینترنت

- زهرا حسین زاده
- دلشاد خاتون
- سپهیلا دوست یار
- امجد رضایی
- زهرا رسولی
- فوزیه رهگذر
- نیتوون رئوفی
- بهار سعید
- ضیاگل سلطانی
- بی بی سنگی
- طبیه سپهیلا
- فاطمه سجادی
- فهیمه صادق طهوری
- لیلا صراحت روشنی
- فرشته ضیابی
- انجلیا طوبا
- صنوبر عاجزه
- زرغونه عیبدی
- شکیلا عزیززاده
- سیما غریز طیب
- خورشید عطایی
- بلقیس عمر
- مستوره غوری
- صدا سلطانی
- سیما غنی
- فرزانه فارانی
- آمنه فدوی
- نادیه فضل
- سیما فقیری
- فاطمه فیض
- لیلا کاویان



مردم رکن الدین را در مسجد دستگیر نمودند و به حضور سلطان رضیه خاتون آوردند؛ رضیه خاتون گفت: "قاتل باید به قتل برسد" لذا رکن الدین به جرم قتل برادرش اعدام گردید. به علت کوچک بودن سایر فرزندان ایلتمش، امرا با اتفاق رأی، رضیه خاتون را به سلطنت نشاندند. در سال ۱۲۳۶ میلادی رضیه خاتون که تنها زنی بود که سلطنت را از راه عهد به دست آورده بود، ابتدا به اوضاع نابسامان خاندان شمسیه سروسامان داد. عدالت را بر جامعه حاکم کرد و رفتار عادلانه با مردم پیش گرفت.

دولتی که سلطان رضیه تشکیل داد با تعیین خواجه مهذب قائم نظام الملک به سمت وزارت و تعیین ملک سیف الدین ایک به سمت فرماندهی سپاه، رو به گسترش و انتظام رفت و تمام امرا و ملک ها حاکمیت او را قبول کردند. اما پس از مدتی با مرگ ملک سیف الدین ایک، جلال الدین یاقوت حبسی را به امیر الامراً منصوب کرد. همین مسأله حسادت سایر امراء ترک را برانگیخت و در صدد ایجاد دسیسه علیه سلطان رضیه برآمدند، زیرا تمام مقام های مهم دولتی و اداره ایالات در دست غلامان ترک خریداری شده توسط ایلتمش بود سلطان رضیه از این پس برای مقابله با امراه ترک، لباس مردانه به تن کرد و بدین ترتیب در انتظار مردم ظاهر شد. او در حالی که همبشه مسلح به تیر و کمان بود سوار بر فیل در میان مردم ظاهر می شد. همچنین ذکر شده است که نقاب پیچه به صورت خود می زده است. سرانجام یکتا سلطان زن مسلمان شرق پس از انتصاب جلا الدین یاقوت حبسی به سمت امیر الامراً، حسادت امراه ترک و دسیسه های آنان علیه سلطان رضیه گسترش یافت. به دنبال شورش‌های والیان، سلطان رضیه لشکریان زیادی جمع آوری نمود و پایتخت خود دهلي را به سوی شورشیان ترک گفت. به محض نزدیک شدن سلطان رضیه به «منطقه شورشیان» امراه ترک به سپاه او هجوم برداشت و امیرالامراً یاقوت حبسی را به قتل رسانیدند. سلطان رضیه پس از مرگ یاقوت حبسی و امتناع سایر امرا از حمایت او توسط امراه شورشی دستگیر و به قلعه «برهنده» فرستاده شد و زندانی گردید. پس از مدتی حاکم بر هنده «ملک اختیارالدین آتنویه» باوازدواج کرد و پس از آن دعوی سلطان رضیه را به منزله حق خود دنبال کرد. سپاهی جمع آوری کرد و این سپاه را به سوی دهلي فرستاد. در دهلي بهرام شاه برادر ناتی سلطان رضیه به مقابله با خواهش برخواست و در نتیجه در سال ۱۲۴۰ میلادی آتنویه دستگیر گردید و سلطان رضیه اسیر شد. درباره سرنوشت سلطان رضیه روایت های گوناگونی نوشته شده است که از جمله این بوطه به شهید شدن او به دست هندوها اشاره می کند و می

رضیه خاتون کلیه اوصاف پادشاهی را بهتر از فرزندان ذکور ایلتمش برای حکمرانی دارا بود، در عین جنگجویی و جسارت، زنی بسیار خوش اخلاق و دوستدار و پشتیبان علماء و دانشمندان بود. ایلتمش در سال ۱۲۳۵ میلادی فوت نمود. پس از مرگ او یک گروه از امرا خواستار سلطنت رضیه خاتون بودند. اما گروه دیگر تمایل داشتند یکی از پسران ایلتمش به نام رکن الدین فیروزشاه را به سلطنت برگزینند. بالاخره گروه دوم با کمک و وساطت شاه ترکان مادر رکن الدین موفق شدند.

می خوارگی و لا ابالي گری بیش از حد رکن الدین باعث گردید که اداره امور کارها به دست شاه ترکان بیفتد. پس از مدتی اکثر حکام ولایات و همچنین غیاث الدین محمد یکی دیگر از پسران ایلتمش سرکشی آغاز نمودند و از پرداخت بعضی مالیات ها سریازدند. آشفتگی اوضاع بر تیرگی روابط رضیه خاتون با شاه ترکان مادر رکن الدین افزود تا آنجا که شاه ترکان او را تهدید به مرگ کرد.

این شایعه در شهر پیچیده و طرفداران رضیه خاتون خود را آماده حمایت از او کردند. در این زمان شاه ترکان مادر رکن الدین به طرفداران رضیه حمله کرد، اما طرفداران رضیه در شهر دهلي، شاه ترکان را مجبور به پناه گرفتند در کاخ خود نمودند به محض رسیدن رکن الدین به شهر گیلوگهری، مادرش شاه ترکان اسیر گردید و امراه لشکر به پایتخت آمدند. پس از بیعت با رضیه خاتون او را به تخت سلطنت نشاندند. رضیه خاتون به محض نشستن بر تخت سلطنت بعضی از امرا و طرفداران ترک خود را برای دستگیری رکن الدین به شهر گیلوگهری فرستاد. امرا پس از اسیر کردن رکن الدین او را به دهلي آورده و به دستور حاکم جدید به زندان انداختند تا آن که در سال ۱۲۳۶ میلادی فوت شد.

این بوطه درمورد به سلطنت رسیدن سلطان رضیه خاتون می نویسد: «رکن الدین تحت تأثیر مادرش شاه ترکان در حق برادرش بنای ظلم گذاشت و به این علت خواهش رضیه خاتون تصمیم به نابودی او گرفت و در یکی از روزهایی که رکن الدین در مسجد بود، رضیه خاتون لباس تظلم خواهی پوشید و به پشت یام قصر قدیمی (دولت خانه) رفت و با نشان دادن خود به مردم شهر شروع به صحبت نمود: "که برادرم رکن الدین بر شمارد و نیز توانایی رضیه خاتون و عدم توانایی اداره مملکت و لیعهدی و روشن شدن محسن این انتخاب را در آینده به مردم یادآوری نمود

سلطان رضیه

نخستین پادشاه زن مسلمان

فائزه توکلی

حکومت رقبای خود را از بین برد و حکومت خویش را ثبات بخشید و پس از آن با عنوان "شمسیه" بر مردم حکومت کرد.

شمس الدین ایلتمش حاکم عادلی بود و به واسطه عدالت شهرت داشت. وی هر چند خواجه نظام الملک وزیر مشهور دربار سلجوقیان را مأمور رسیدگی به امور نموده بود، خود نیز بدون تشریفات، شبانه روز برای احقاق حق مردم به کارها رسیدگی می کرد. ایلتمش دستور داد که مجسمه دو شیر از سنگ مرمر را در مقابل کاخش نصب کنند و زنگ های نیز به گردن مجسمه ها بیاویزند تا مردم در هر لحظه ای از شبانه روز بتوانند با به صدا در آوردن آنها با حاکم تماس بگیرند و دادخواهی نمایند.

ولیعهد رضیه خاتون از میان فرزندان شمس الدین ایلتمش ناصر الدین محمود، تنها فرزند مقندر و بالیاقت او بود که به هنگام حکومتش در بنگال وفات کرد. فرزندان دیگر شرک رکن الدین و معزالدین عقل و درایت دخترش رضیه را نداشتند.

رضیه خاتون زنی عادل و دوستدار مردم بود و تربیت پدر بر او تأثیر فراوانی داشت. ایلتمش با درک این موضوع که او بر تمام رموز اداره مملکت واقف است در سال ۱۲۳۲ میلادی پس از فتح گوالیور و به هنگام بازگشت به دهلي وزیر و عده ای از امراه خود را احضار کرد و لیعهدی رضیه خاتون را به اطلاع آنها رسانید و به وزیرش تاج الدین محمود نیز دستور داد که منشور لیعهد او را تهیه کند. به هنگام آماده شدن این منشور امراه با نفوذی که با پادشاه در تماس بودند علت تعیین رضیه خاتون را به پادشاهی مسلمانان هند علی رغم وجود پسران پادشاه که در سن بلوغ نیز بودند جویا شدند و نامناسب بودن تصمیم پادشاه را در این خصوص به او تذکر دادند. سلطان ایلتمش معایب پسرانش را از جمله می خوارگی، غرق شدن در رؤیاهای جوانی و عدم توانایی اداره مملکت بر شمارد و نیز توانایی رضیه خاتون و مناسب بودن انتخاب او به لیعهدی و روشن شدن محسن این انتخاب را در آینده به حاضرین گوشزد کرد.



سلطان رضیه فرزند شمس الدین ایلتمش غوری نخستین پادشاه زن دولت مسلمان در دهلي بود که طی سال های ۱۲۴۰-۱۲۳۶ میلادی به قدرت رسید.

دهلي از مهم ترین شهرهای هندوستان است که در سال ۱۱۸۸ میلادی توسط امیر قطب الدین ایک ملقب به سپه سalar و یکی از غلامان شهاب الدین محمد بن سام غوری پادشاه غزنه و خراسان، فتح شد.

در سال ۱۲۱۰ میلادی ایک در هنگام بازی چوگان از اسب به زیر افتاد و شدیداً آسیب دید که این حادثه منجر به مرگ او شد. بعد از مرگ وی فرزندش آرام شاه به سلطنت نشست. اما همان سال از سلطنت خلیع و اعدام گردید. پس از او ایلتمش "شمس الدین و الدین" غلام و داماد قطب الدین ایک با تصاحب عنوان فرمانروا به تخت سلطنت نشست. ایلتمش در ابتدای

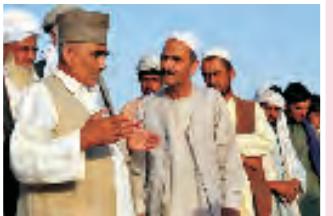


بخشی از خدمات بنیاد غضنفر

ده ها خانواده بی بضاعت از کمک های انسان دوستانه بنیاد غضنفر در بلخ مستفید شدند.

به سلسله کمک های قبلی بنیاد غضنفر اینبار برای ده ها خانواده بی بضاعت در قریه حسین خیل ولسوالی دهدادی ولايت بلخ از سوی بنیاد غضنفر آرد و گندم مساعدت گردید. به گفته سید گل نماینده بنیاد غضنفر این کمک انسان دوستانه به هدایت هیأت رهبری مقام ریاست غضنفر گروپ بعداز سروی دقیق صورت گرفت که برای هر فامیل یک بوری آرد و یک بوری گندم توزیع گردید.

همچنان جهت اعمار یک محراب مسجد در قریه حسین خیل ولسوالی دهدادی مواد لازمه و پول نقد از سوی بنیاد غضنفر نیز مساعدت گردید.



محترم ولی شاه ولسوال ولسوالی دهدادی از کمک های به موقع و همیشه گی بنیاد غضنفر قدردانی نمود و اظهار داشت: بنیاد غضنفر نه تنها مردم بی بضاعت کشور را تنها نگذاشته بلکه در بخش های مختلف امثال اعمار و بازسازی اماکن دینی، اماکن تاریخی، اماکن رفاهی و ... کمک و مساعدت نموده است.

از سوی دیگر محترم قاری حیات الله رئیس ارشاد، حج و اوقاف ولايت بلخ در مراسم تهداب گذاری مسجد مذکور ضمن قدردانی از کمک ها و مساعدت های بنیاد غضنفر گفت: بنیاد غضنفر همواره در قسمت اعمار اماکن دینی ولات بلخ سهم گرفته و با اکثربت مساجد شهر مزار شریف کمک های نقدي و جنسی نموده است

همچنان اهالی قریه حسین خیل از مساعدت های انسان دوستانه بنیاد غضنفر اظهار خرسندی نموده اند و از دیگر تاجران نیز تقاضا نمودند که به یاری مستضعفین و مردم ناتوان کشور بستابند.

قابل یادآوریست ماه گذشته بنیاد غضنفر آسیب دیده گان ولسوالی مارمل این ولايت را که در اثر لغزش کوه بیجا شده بودند، تحت پوشش کمک های بشر دوستانه قرار داده بود.



مزارش ساختند. اینک قبر رضیه زیارتگاه است واز مزارات متبرکه به شمار می رود .

دستاوردهای سلطان رضیه تا شروع قرن سیزدهم با توجه به نادر بودن حاکمیت زنان در دنیای مسیحیت اروپای غربی، سلطان رضیه اولین و با قدرت ترین پادشاه زن مسلمان در دنیای اسلام بود. سلطان رضیه نزدیک به چهار سال رسماً اداره امور مملکت وسیعی نظیر یک امپراطوری را اداره نمود. او برای مملکت خود نمونه ای از عدالت و قدرت بود. سلطان رضیه گذشته از قابلیت های اداری و نظامی در صنعت و هنر نیز استعداد غیر قابل انکاری داشت. اشعار دلنشیزی از او با تخلص شیرین دهلوی یا شیر غوری وجود دارد. بعد از سلطان رضیه امراض جاه طلب ترک در زمان جانشینان او راحت نشستند و زمینه تعصیف حکومت شمسیه را فراهم کردند. که این امر منجر به واگذاری قدرت از خاندان شمسیه به خاندان بالابان گردید.

منبع: انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

نمونه از اشعار سلطان رضیه:

در دهان خود دارم عندلیب خوش الحان
پیش من سخن گویان زاغ در دهن دارند

از ماست که بر ماست چه تقصیر دل زار
آن کشته اند از غم بی سبب ماست

کنم به برکت با چرخ تخت سلطانی
دهم بر بال هما خدمت مگس رانی

باز آشیرين من در راه الفت گام خويش
هان ولی نشنيده باشی قصه فرهاد را

نويسد "سلطان رضیه پس از شکست خوردن در جنگ برای اينکه اسپيرنشود، از مقابل سپاهيانی که برادرش بهرام شاه از شهر دهلي به مقابله با او فرستاده بودند ، فرار نمود. او در حین فرار گرستگي و مشقت زياد کشيد و در راه به کشاورزی که مشغول شخم زدن مزرعه خود بود، برخورد. از او خوراکي خواست. کشاورز تکه نان خشکي در اختيار او گذاشت. رضیه پس از خوردن نان به علت خستگي زياد به خواب رفت. پس از خوابیدن رضیه ، کشاورزی که بزن بودن او آگاهي يافته بود به طمع تصاحب لباس هاي گران بهای سلطان رضیه اورا کشت و جسدش را در مزرعه دفن کرد و اسب او را نیز به طرف دیگری روانه نمود . چندی بعد مرد کشاورز برای فروش قسمتی از البسه سلطان رضیه عازم بازار گردید و اهالی بازار با مشاهده لباس سنگ دوزی شده و گران بها در دست یک کشاورز فقیر به شک افتادند. او را به حضور قاضی شهر بردن و کشاورز به قتل سلطان رضیه اعتراف کرد. جنازه سلطان رضیه طی مراسمی مذهبی به خاک سپرده شد و قبه ای بر





مرکز آموزشی غضنفر بانک

آموزش همواره به عنوان وسیله مطمئن در جهت بهبود کیفیت عملکرد و حل مشکلات مدیریت مد نظر قرار می‌گیرد. تشکیل ورکشاپ‌های آموزشی در ارتقای ظرفیت کارمندان، بلند بردن سطح آگاهی منابع بشری، حفظ و بقای نهاد مربوطه و در نهایت توسعه اقتصاد کشور نقش برازنده دارد. بر این اساس غضنفر بانک نیز به منظور آشنایی هرچه بیشتر کارمندان با قانون و مقررات بانکی، آشنایی با نرم افزار عملیاتی بانک، تقویت روحیه کارمندان و کاهش حوادث کاری زمینه آموزش را برای کارمندان جدید الشمول فراهم نموده است.

در این مرکز کارشناسان و مسوولین ارشد غضنفر بانک برنامه‌های خاص آموزشی یک ماهه را برای افرادی که جدیداً در بانک استخدام می‌شوند، آموزش می‌دهند که مشتمل بر اصول و مقررات بانکداری نوین، انواع محصولات و خدمات بانکی و آموزش نرم افزار عملیاتی بانکی در بخش بانکداری اسلامی و بانکداری عمومی به کارمندان جدید الشمول می‌باشد.

فعالیت این مرکز از اول نومبر ۲۰۰۹ میلادی آغاز گردیده و تا اکنون در بیشتر از ۵ مرحله حدود دوصد نفر آموزش‌های لازم را فرا گرفته و بعد از فراغت زیر چتر غضنفر بانک سرگرم خدمت به ملت و دولت عزیز ما افغانستان می‌باشند.

همچنان تا اکنون بیش از ۲۰ تن از کارمندان غضنفر بانک جهت فراغیری علوم پیشرفته بانکداری به انسیتیوتیون بانکداری (AIBF) که به صورت مشترک از سوی بانک مرکزی افغانستان، بانک جهانی و اتحادیه بانکداران افغانستان تشکیل شده، و دیگر ورکشاپ‌های ملی و بین‌المللی در بدل حق الزحمه معرفی شده اند و بعد از کسب آموزش‌های لازم و دریافت نمرات عالی در غضنفر بانک مصروف خدمت اند.

سویفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضو کمیته سویفت می‌باشد که خدمات و امکانات مصون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می‌دارد.

ارسال و دریافت پول



ارایه لیتر آف کریدت

ارایه گرنتی های بانکی

دریافت چک های خارجی

غضنفر بانک با سویفت کود (GHBKAFKA) در مورد انتقال پول (دالر آمریکایی و یورو) به سراسر جهان با بانک کامرز واقع در فرانکفورت جرمنی ارتباط مستقیم دارد.

انتقال مصون و سریع پول از طریق سویفت در غضنفر بانک





نمايندگي غضنفر بانك در شهر پلخمرى

آدرس: چوک پلخمرى - فيصل ماركت - منزل دوم - پلخمرى

شماره تماس: +93(0)797860038

polekhomri@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در شهر کندز

آدرس: شمال چوک عمومي - ماركت زرگري حاجي امان - شهر کندز

شماره تماس: +93(0)797860075

kunduz@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در شهر جلال آباد

آدرس : چوک مخابرات - کوچه سطرنجی فروشی - شهر جلال آباد

شماره تماس: +93(0)797860008

Jalalabad@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در شهر باستانی هرات

آدرس : چوک گلهها - جادة شمالي مسجد جامع - شهر هرات

شماره تماس: +93(0) 797860070

herat@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در شهرنو کابل

آدرس: چهار راه توره بازخان - شهرنو

شماره تماس: +93(0) 797860042

shahrenaw@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در ولايت تخار

آدرس: چوک شهر تالقان - روسته خياتي - نارسيده به

مسجد جامع - شهر تالقان

شماره تماس: +93(0) 797860073

takhar@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com

نمايندگي هاي غضنفر بانك از شما استقبال مي كند

هموطنان گرامي !

نمايندگي هاي غضنفر بانك در شهرهای مزار شريف، شهرک بندري حيرتان، کندز، پلخمرى، جلال آباد، هرات، تخار، شيرپور، سرای شهزاده و شهرنوکابل با شفاف ترين و مدرن خدمات بانکي در خدمت شهروندان سراسر کشور، نهاد های دولتی و غیر دولتی و موسسات ملی و بین المللی قرار دارند.



دفتر مرکزی غضنفر بانك

آدرس: ۸۶۶ - سرک عمومي شيرپور - شهر کابل

شماره پست بکس: ۵۵۹۸

شماره های تماس: +93(0)775786786/+93(0)202101111
+93(0)798786786/+93(0) 707786786
+93(0)797860003

Info@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در سرای شهزاده کابل

آدرس: سرای شهزاده - کابل

شماره تماس: +93(0)797860010
shahzada@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در شهر مزار شريف

آدرس: شهزاده ماركت - دروازه بلخ - مزار شريف

شماره تماس: +93(0) 797860080
mazar@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نمايندگي غضنفر بانك در شهرک بندري حيرتان

آدرس: شهرک بندري حيرتان - مزار شريف
شماره تماس: +93(0)797860022
hayratan@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



ق / ۷۳ - ۱۲۰۷) بیشتر اشعار غنایی و بسیاری از غزلیاتش را به هنگام گوش دادن به موسیقی و حتی با کف زدنها موزون سروده است.

اصطلاحاتی از قبیل «پایکوبی» و «دست افشاری» و نظایر آنها در اشعارش - بخصوص رباعیات - فراوان است. چرا که رباعی اغلب به عنوان قالبی منظوم در مجالس سمع به کار گرفته می شد. نزد مولوی تمام جهان در رقص شگفت آور در حرکت است؛ از زمانی که عدم، خطاب از لی خداوند «آیا من پروردگار شما نیستم» را شنید، پایکوبان پا به عرصه وجود نهاد (دیوان شمس شماره ۱۸۳۲).

این عقیده به گفته های جنید اشاره دارد. رقص و سمع دونزدیان برای صعود به آسمان - یعنی معراج حقیقی - هستند و فرشتگان و جنیان نیز در این عروج شرکت دارند. رقص شاخه های درختان به واسطه وزش نسیم بهاری نیز مظہری از آن سرنمون از لی است.

فرزند مولانا، سلطان ولد، موسیقی و رقص را که پدرش با الهامات خود آنها را پرورانده بود، سامان داد. به این معنا رقص در نزد مولویه یک عمل سورمندانه عنان گسیخته نیست، بلکه رقص منظم «باله» است که در آن یک درویش می تواند شعفی سرمستانه را تجربه کند. اما این شعف سرمستانه راهی برای پرستش «او» و در حقیقت «رقص برای خدا» است. چرخ زدن اغلب به حرکت ستارگان به دورخورشید یا رقص پروانه به دور شمع برای «فنا» در آن تشییه می شود. این تجربه فنا است، «فنا» در خدا برای رسیدن به سطح بالاتر از بصیرت. شاعران بعد از مولانا نظری غلیب (متوفی در استانبول به سال ۱۲۱۳ق/ ۱۷۹۹م) با صراحت بیشتری - این سمبولیزم را در اشعارش را دریف رقص به کار گرفت.

در میان دراویش، بویژه مولویه، مراسم تدفین اغلب با پایکوبی همراه بود و نیز در مورد عرس (جشنها) که برای نکوداشت یک عارف متوفی برگزار می شد) وضع بر این منوال بود و بنابراین، جای شگفتی نیست که برخی صوفیان از رقص بهشتی سخن به میان آورده اند. (از این رو یادآور برداشتی غربی از نقاشیهای میکل آنست) و روزبهان بقلی (متوفی ۱۲۰۵ق/ ۱۷۹۰م) چنانکه ادعایی کند خود را در رقص با ملانک و پیامبر دید. نماد پایانی سفر عرفانی او «رقص با خدا» است.

آوری بوده است. ایشان در این مورد با هجویری (قرن پنجم قمری / یازدهم میلادی) موفق اند. وی در کشف المحبوب بیان می دارد: «طاویله ای دیدم از عوام که می پنداشتند مذهب تصوف خود هیچ نیست جز رقص.» (کشف المحبوب، ص ۴۱۶، ترجمه نیکلسون).

اولین سمع خانه معروف یا جایی برای رقصیدن و نواختن موسیقی مذهبی در نیمه دوم قرن سوم هجری برابر با نهم میلادی در بغداد تأسیس شد، جایی که صوفیان مجال شنیدن نعمه های آهنگین را می یافتدند و برخی در خلال آن به چرخ زدن می پرداختند. گاهی اوقات نیز این حالت خلسه به جایی می رسید که خرقه هایشان - تکه پارچه هایی که با دقت به یکدیگر دوخته شده بود - را می دریدند.

در این هنگام چنین تصور می شد که سرشار از برکت «بیرونی جادویی، مقدس و معنوی «شده اند. مسأله مورد اختلاف این بود که آیا مبتدیان طریقت - چنان که شیخ ابوسعید ابوالخیر معتقد بود - بایسته است که در مراسم رقص و سمع شرکت کنند تا مشتبهیات نفسانی خود را از میان بردارند یا اینکه از شرکت در اینگونه مجالس باید برحدزد باشند.

مسأله دیگر به اینگونه بود که آیا نوآموختگان طریقت به واسطه پایکوبی سرمستانه و گوش دادن به موسیقی می توانند «حوال» عرفانی شان را تعالی بخشنند، یا باید از نمایش چنین عملی پرهیز کنند؟

پایکوبی و دست افشاری، بخشی از چنین رقصهایی بود که ممکن بود به جنون متنه شود (چنان که جامی آن را در سلسله الذهب توصیف می کند) مینیاتورهایی که از هنرمندان بر جای مانده است، صوفیان چرخ زن را با آستین های بلندی که بال پرندگان را تداعی می کند به تصویر می کشند.

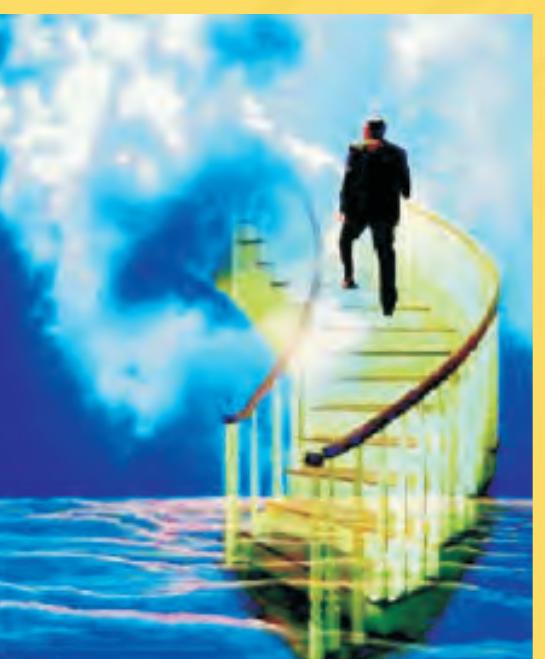
به حلاج (مقتول در ۳۰۹ق/ ۹۲۲م) نسبت داده اند که پای در زنجیر می رقصید و به سوی دار می رفت: اصطلاح «رقص در زنجیر» ترجمه فارسی رقص بسم (raks - i bismil) است که تبدیل به یک کلیشه ادبی شده؛ «رقص» پرنده ای که به رسم شرعی ذبح شده، یعنی جان دادن عاشقی که به «پرنده سربریده» شباخته دارد.

اگرچه رقص به عنوان بخشی از سمع در طریقت گروههای مختلف درویشان (خاصه چشتیه) وجود داشت، اما تنها در طریقه مولویه نهادینه شد. مولانا جلال الدین رومی (۷۲ - ۶۰۴)

عرفان و سمع

پروفیسر آنه ماری شبیل از اسلام شناسان و شرق شناسان بنام روزگار معاصر است. وی از سر صدق و راستی در راه شناخت فرهنگ و تمدن و تاریخ اسلام گام نهاده و با آثارش نه تنها چشم غربیان را تا اندازه ای بر روی حقیقت فرهنگ مشرق زمین گشود، بلکه به ما مسلمانان نیز در آشنایی بهتر و بیشتر با میراث علمی و فرهنگی نیاکان ما که همان سنت دینی و مذهبی مسلمانان می باشد یاری رسانده است. در مقاله ای که در پی می آید، شبیل می کوشد تا نشان دهد که رقص صوفیانه (سمع) هرچند از سوی بسیاری از اهل ظاهر عملی شیطانی و غیراخلاقی دانسته شده، اما نزد برخی طریقه های اصیل صوفیه همچون طریقه مولویه و برخی مشایخ این قوم همچون ابوسعید ابوالخیر و مولانا جلال الدین محمد بلخی وسیله ای برای وصال عرفانی، شهود خداوند و شور عرفانی تلقی شده است و یکسره از امیال و تمنیات جسمانی عاری است.

در خلال دهه های اخیر، گاهی نوشه هایی در روزنامه های آمریکا درباره آموزش «رقص صوفیانه» می خوانیم و «رقص صوفیانه» به شیوه ای مرسوم برای پرورش نفس بدل شده است. اما، رقص در اسلام قبیح شمرده شده است؛ چرا که به طور کلی رقص در تاریخ ادیان با وجود و حال در ارتباط است و انسان را از حالت عادی خود خارج می کند و می توان گفت: او را بر گرد یک محور خاص به چرخش و امی دارد. بی گمان در دوره های میانی اسلامی ضیافته های مسلمانان ممکن، اغلب باموسیقی و رقص به پایان می رسید. لیکن در بستر دین رقص، که اساساً یک پی - پدیدار موسیقی و نغمه خوش آهنه است، با خصیصه شریعت محور اسلام در تعارض قرار می گیرد. زیرا ممکن است فرد را از راهی که خداوند مقرر داشته (شریعت) به بی راهه کشد. از این رو، اسلام هنجرین به مخالفت با رقص برخاسته است و مطابق قرآن (فاطر، آیه ۸) با کف زدن و اموری از این دست نیز مخالف است. طی چندین قرن، مقالات و رسالاتی علیه مسأله رقص به علت وجود تأثیرات شیطانی آن نگاشته شده است.





E- Statement خدمات

با این خدمات مشتریان غضنفر بانک می توانند پیرامون صورت حساب خویش از طریق ایمیل معلومات حاصل کنند. غضنفر بانک می تواند صورت حساب مشتریان خویش را بنابر بر تقاضای آنها ذیلاً به آدرس ایمیل شان ار سال نما يد:

- روزانه
- هفته وار
- ماهوار
- سه ماهه
- شش ماهه
- سالانه

حساب خود را در غضنفر بانک از طریق ایمیل دریابید

نحوه انجام رقص و سماع در طریقه مولویه

در این مراسم شیخ در وسط دایره ای می ایستد. قالین سرخ رنگ (نماد اتحاد با عالم شهود) به سوی مکه گسترانده می شود. مراسم با تلاوت قرآن و نعمت (شعری که در ثانی نبی سروده می شود) آغاز می شود. نوازندگان روپرتوی شیخ می نشینند و سکوتی که در پی تلاوت قرآن و نعمت نبی بر مجلس سایه افکنده با صدای طبل شکسته می شود. پس از آن تکنوازی نی شروع می شود. سپس درویشان به دنبال شیخ در دایره تالار می ایستند و به یکدیگر تعظیم می نمایند. رقص با نخستین سلام یک درویش آغاز می شود. درویش با بوشه ای بر دست شیخ از او برای سماع رخصت می طلبد. مرشد سماع، او را به جای خود راهنمایی می کند. نوازندگان و خوانندگان شروع به خواندن می کنند. شیخ در جای خود ایستاده و درویشان برگرد او باز می شوند و می چرخدند و آهسته ذکر الله، الله، الله را زیر لب تکرار می کنند. این بخش از مراسم تقریباً ۱۰ دقیقه به طول می کشد و برای چهاربار تکرار می شود. در چهارمین سلام خود شیخ نیز به رقص ملحق می شود. در نظمی خورشید وارمولانا، شیخ، نماد خورشید است و درویشان به مانند ستارگان به دور خود و به دور شیخ چرخ می زنند. ایشان چرخ زنان دست راستشان را برای کسب رحمت الهی به سوی آسمان دراز می کنند تا آن را به قلب خود منتقل سازند و از قلب نیز با پایین آوردن دست چپ به سوی زمین آن را از رحمت الهی سیراب می سازند. هنگامی که یک نفر پای خود را محکم به زمین می کوید، دیگری دنباله کار او را می گیرد و رقص را ادامه می دهد. فراز و فرود پای راست دائماً با ذکر آهنگین الله، الله، الله همراه است.

بدین ترتیب سمبولیزم نهان در رقص و سماع طریقه مولویه به عشق آسمانی و شور عرفانی و نیز اتحاد با خدا اشارت دارد. در پایان، درویشان هوهونکان به یکدیگر ملحق شده و با ذکر فاتحه و ادای نماز برای مولانا و شمس تبریزی مراسم را به پایان می رسانند.

منبع: انترنت

در کشورهای اسلامی معمولاً رقص های محلی برای زنان و مردان جداگانه ترتیب می یافتد و چنانچه در مواردی زنان و مردان با هم درمی آمیختند و به پایکوبی می پرداختند - به مانند قبایل ببر - که توسط اهل ظاهر و صوفیان متنفسک مورد اعتراض واقع می شد. این امر که امروزه حتی زنان در طریقه های «امروزی» شرکت می جویند با تمام سنت کلاسیک در تقابل است. چرا که سماع صوفیه متوجه اهداف جسمانی نیست. نقادان سنتی تصوف به مانند این جوزی در تبلیس ابلیس، رقص را وحی شیطانی و فعلی «خلاف اخلاق» می دانند.





بنار دهونبیارانو دی اوژه دغره سری یمه
توري زولنې راپسې گرخې لیونی یمه
ورکې مې تسبې دی دزنخېر په کړي ذکر کړم
زرڅله شهیدیمه او زرڅله ژوندی یمه
هره یوه مسره مې بس دتورو وینو لپه ده
نه یمه شاعر دسروغاتیولو کندولی یمه
مانه شیشې مه تاواوه زه خو خه خراغ نه یمه
نه مرم په طوفان کې عجیبه اور اورکې یمه
تاپه سپینولاسو باندې سین ته ورگوزار کړم
کانی ومه تور خو اوس له شوقه شین غمی یمه
خان مې په مريو کې دتار غوندي پت کړي دی
زه دکومې چتې پرتېرباندې خوندې یمه

کونک که وي جرس نو خپل ویده کاروان به وینن کړمه
مات به شم په شرنګ دليونی دلاس بنگری یمه
پیر محمد کاروان



عبدالباری جهانی

نن می لادر و بوله اشنا سبا به نه یمه
شمع د محفل دی یم بېگاه سبا به نه یمه
سل څله ترا پوري لیدلی رقیبانو یم
شپې ته دی راغلی یم په غلا سبا به نه یمه
ما می د زلمی غرور تندی نذرانه کړي دی
نن در ته راغلی یم پخلا سبا به نه یمه
زه لکه خوبونه د بنو پر خوکو ګرځمه
وا می خله سراب رنګه یم ستا سبا به نه یمه
ستا می تر محفل پوري سلګۍ مستې راپرې ده
حېمه وروستې شپې می ده په خوا سبا به نه یمه
بیا به دی اورغوي له فالونو درته ستپري سی
سل به دی خوبونه سی ریشتیا سبا به نه یمه
زه دی دا یوه شبېه تر بخته رسپدلى یم
سيورى دی پر سر یم د عنقا سبا به نه یمه
تېبر به کړي عمرونې جهاني د لپونو سره
زه یوه جلوه یم د لیلا سبا به نه یمه

بیا، عزیزترینم، که ګاه آمدنت

شگوفه بر سر هر شاخصار میخندد

گیا ه سبز جوان سر به سجده میماند

پرنده ګان غزل عاشقانه میخوانند

دل زمین به تمنای دیدنست، ای یار

میان سینه پر آرزوش میلرزد

و آفتاب، هزاران هزار خوشة نور

به مقدم تو به هر رهگذار میپاشد

انتخاب: طین

ای قوم به حج رفته، کجا یید کجا یید؟
مشعوق همینجاست، بیاید، بیاید
معشوق تو همسایه دیوار به دیوار
دریادیه سرگشته شما در چه هواید؟
گر صورت بی صورت مشعوق به بیسند
هم خواجه وهم خانه و هم کعبه شماید
ده بار از آن راه بدان خانه برفتید
یکبار از این خانه براین بام برآید
آن خانه لطیف است، نشانه‌هاش بگفتید
از خواجه آن خانه نشانی بمناید
یک دسته ی ګل کو، اگر آن باغ بدیدت؟
یک گوهرجان کو، اگر از بحر خداید؟
با اینهمه آن رنج شما گنج شما باد
افسوس که برگنج شما پرده شماید
(مولانا جلال الدین محمد بلخی)

مخمل نگاه

بیا، عزیزترینم، که ګاه آمدنت

دو چشم عاشق من

پلی ز مخمل نرم نگاه میدوزد

لبم شگفتہ‌ترین عشقوازه هایش را

برای لحظه دیدار دسته میبیند

دلم به شرفه هر ګام عاشقانه تو

به بیقراری احساس بید میلرزد

و از زمین تنم اشتیاق میروید

بیا، عزیزترینم، که ګاه آمدنت

دو چشم عاشق من

پلی ز مخمل نرم نگاه میدوزد

لبم شگفتہ‌ترین عشقوازه هایش را

برای لحظه دیدار دسته میبیند

دلم به شرفه هر ګام عاشقانه تو

به بیقراری احساس بید میلرزد

و از زمین تنم اشتیاق میروید

بیا، عزیزترینم، که ګاه آمدنت

به آمد آمد فصل بهار میماند

ش. ی. دیباچ

نیستان و پژوهش و ادب

افسوس که رفت عمر بر بیهوده
هم لقمه حرام و هم نفس آلوده
فرموده ناکرده سیه رویم کرد
فریاد ز کرده های نا فرموده

چراغ معرفت

ای شهسوار شهر دل، «از دل سلامت می کنم»
ای تک چراغ معرفت «وصف مقامت می کنم»

ای پادشاه خوش سخن، هم پاک دل هم پاک
تن من گوش خود را دفتر لطف کلامت می کنم»

ای شهد شعر مولوی با مثنوی معنوی
می نوشتم با جام جان، «چون یاد نامت
می کنم»

ای نفس های سرکشم وی آرزوی ناخوشم
برخیزم و بخوشمی باشد که رامت می کنم

ای تلحکامی های دهر، از زهر حتا تلختر
ای خیره سر ای خیره سر من خود تمامت می کنم

ای صوفی مست سمام، آینه عرفان ما
من پای کوبان هر د می «آهنگ بامت می کنم»

ای روزهای رفتهام، حرف خوش ناگفتهام
گر آمدی کوکو زنان «در سینه دامت می کنم»

نفیسه خوشنصیب غضنفر



جمله های طلایی

گردآورنده: مرسل
قسمت چهاردهم

گاهی یک جمله می تواند انسان را دگر گون سازد.
باور ندارید؟ امتحان کنید.
به قول شمس تبریزی:

کسی یک سخن شنید و در همه عمر،
از آن سوخت

جان من فدای او باد!

آزادی:

- کسانی که حاضر نیستند برای آزادی بهایی پیردازند، لیاقت آزادی را ندارند.(جورج واشنگتن)
- کسی که حفظ جان را مقدم بر آزادی بداند، لیاقت آزادی را ندارد.(بنجامین فرانکلین)
- طبیعت حتی به حیوانات زبان بسته هم آزادی بخشیده است(تاس توں)
- کسی که به امید شانس زنده باشد، سالها قبل مرده است.(مثل فرانسوی)
- آزادی، تنها ارزش جاودانه‌ی تاریخ است.(آلبر کامو)
- آزادی در کشورهایی امکان تحقق دارد که حس ادای وظیفه بر هوایپرستی چیره باشد.(لاکو)
- انسان آزاده از کسی سلب آزادی نمی کند.(ارسطو)
- انسان از مادر، آزاد آفریده شده است.(ژان ژاک روسو)

من هنگامی آزادم که همه‌ی چهانیان آزاد باشند؛ تا هنگامی که یک نفر اسیر در جهان هست، آزادی وجود ندارد.(ژان پل سارتر)

تنها قانون درست آن است که به آزادی منتهی شود؛ قانون دیگری وجود ندارد.(ریچارد باخ)

آزادی حقیقی آن نیست که هر چهار می خواهیم انجام دهیم، بلکه آن است که آنچه را که حق داریم انجام دهیم.(ویکتور کوزن)

کشور در صورتی دارای آزادی و استقلال است که افرادش آزاد و مستقل باشند.(متنسکیو)

کسی که وجوداش راحت و روحش آزاد نباشد، هیچ وقت روی آسایش را نمی بیند.(لرد آویوری)

اگر توانیم آزاد زندگی کنیم، بهتر است با آغوش باز از مرگ استقبال کنیم.(گاندی)

نمی توانید آزاده باشید، مگر آنکه برای به دست آوردن آزادی بکوشید.(جبران خلیل جبران)

سرود آزادی از میان میله‌های زندان بیرون نمی آید.(جبران خلیل جبران)

آزادگی هرگز با معجزه از آسمان نصیب ما نمی شود.(نیچه)

آزادی در بی آزویی است.(بودا)

کشور در صورتی دارای آزادی و استقلال است که افرادش آزاد و مستقل باشند.(متنسکیو)

جایی که مردم از دولتشان بترسند، ستم حاکم است و جایی که دولت از مردم بترسد، آزادی وجود دارد.(توماس جفرسون)

وقتی آزادی از انسان سلب می شود، او ریاکار بار می آید.(دکتر لوییزی)

اگر ملتی چیزی را بر آزادی ترجیح دهد، همه چیز را از دست خواهد داد.(ولیام سامرست موام)

راه حفظ بزرگ منشی تنها این است که خود را به بذل و بخشش عادت دهید. از وقت، پول، توجه و منابع خود به دیگران ببخشید. (جان
ماکسول)

زیاد زستن کمابیش آرزوی همه است، اما خوب زیستن آرمان یک عده محدود. (ج.هیوز)
کسی که امیدی را وسیله کسب درآمد خود قرار دهد، ممکن است از گرسنگی بمیرد. (بنجامین فرانکلین)

مردم بینوا و تیره بخت، درمانی جز امید ندارند. (ولیام شکسپیر)
آرزو کردن شرط نیست، شرط تحقق آرزو است. (لئوناردو داوینچی)

پوزش خواستن پس از اشتباہ زیباست، حتی اگر از یک کودک باشد. (آرد بزرگ)
بهترین اشخاص، کسانی هستند که اگر از آن‌ها تعریف کردید خجل شوند، و اگر بد گفتید، سکوت کنند. (جبران خلیل جبران)

گر می خواهی خوشبخت باشی، جز آنچه براحت مهیاست آرزو ممکن. (لارشوف کولد)
 فقط دانستن کافی نیست، باید به کار گرفت، فقط خواستن کافی نیست، باید انجام داد. (بروس لی)

آرزومند آن مباش که چیزی جز آنچه هستی باشی، بکوش در کمال آنچه هستی باشی. (سنٹ فرانسیس دی سلز)
نا امیدی، نخستین گامی است که شخص، به سوی گور بر می دارد (نایپلئون بنپارت)

آنگاه که امید می میرد، ترس زاده می شود. (التازار گراسیان)
از دیروز بیاموز، برای امروز زندگی کن و به فردا امید داشته باش (آلبرت انیشتین)

برای جوانمردی و مروتی که در حق هر کس می کنی، امید هیچ پاداشی نداشته باش (پایلو پیکاسو)
آرمان را نمی توان قرض گرفت، خرد یا گدایی کرد، بلکه باید از درون انسان بجوشید و بالا بیابد. (جان ماکسول)

کسی که پا از مرز زندگی عادی فراتر می نهد، آرزوی بزرگ در دل دارد. (جان ماکسول)
 نقطه شروع هر دستاورده، خواست و اشتیاق است (نایپلئون هیل)

شهامت رهبران بزرگ در تحقیق آرمانشان زاییده شوق و علاقه آنهاست نه پست و مقام شان (جان ماکسول)
یکی از بینش هایی که به انسانها لطمہ می زند، آرزوی برابری است؛ این آرزو سرچشمه حسادت و تنگ نظری است. (جان ماکسول)

وقتی اشتیاق وجود داشته باشد، مردم می توانند در هر کاری موفق شوند. (چارلز شواب)
هیچ می دانی فرستی که از آن بهره نمی گیری، آرزوی دیگران است؟ (جک لندن)

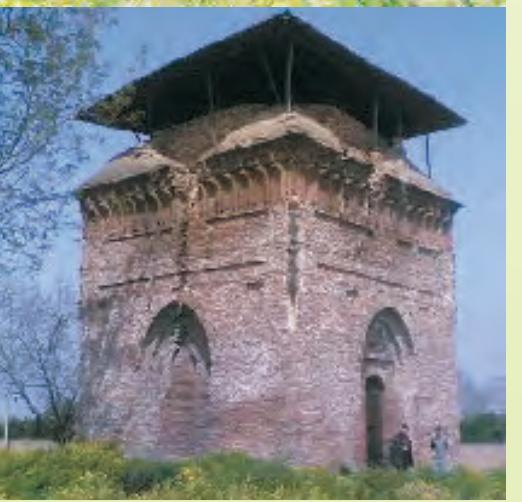
آرزو دارم روزی این حقیقت به واقعیت مبدل شود که همه انسانها برابرند. (مارتین لوتر کینگ)
اگر آب و زمین را چنانکه باید پاک نگهارید، خورشید آسمان با شوق و صفا بر آن خواهد تافت (گوته)

کسی که شهامت پذیرش خطر را نداشته باشد، در زندگی به مراد خود نخواهد رسید. (محمد علی کلی)
بیچاره ترین انسان در دنیا، فرد بینایی است که فاقد یک چشم انداز آرمانی است (هلن کلر)

آرزوی هر شخصی هدایت او را به عهده دارد. (جورج هربرت)
اگر کسی در راه رسیدن به آرزو قدم بردارد، پیوسته از لذت وصال برخوردار است. (ناشناش)

دل دوستان آرden، مراد دشمنان برآوردن است. (سعدی)
تنها آرام بخشی آرزوهای طلایی دو چیز است: صبر و امید. (الکساندر دوما)

دوست داشتن بدون امید، باز هم یک خوشبختی است (اوونوره دو بالزاک)
امید، با مرگ هم به گور نمی رود (فریدریش شیلر)



اوزبیک قلم گشلاری

عزیز الله اوال

"ساغینچ" کتابی دن

مهجوری:

یعقوب خواجه مهجوری اوzac وقت لردن بویان سعودی عربستان نینگ طایف شهریده استقامت قیلیپ کېلگن اوزبیک مهاجر قلم کشلاری دن بیری دیر. مهجوری تخلص بیلن قلم تبیر تبیپ کېلگن. یعقوب خواجه نینگ علمی - ادبی فعالیتلاری اوzac تاریخ گه اپگه بولیپ، تیل شناسلیک، تاریخ شناسلیک و دینی تعليمات بوبیچه خارجی اوکملرده کوریگن مهاجر بورنداشلر بیمیز دن بیری حسابلنه‌دی. یعقوب خواجه مهجوری 20-30 بینچی بیل لرده بلشویکلار ظلمی گه برداش بیرالمای بیورتنی تسلب چقیش گه مجبور بولگن مینگلاب انسانلار بیلن تقدیرداش. شونینگ اوچون او دائم اوز شعرلرده آنه وطنی نی قومسايدی. وطن دن تشرفیده کیچگن عمری نی هجو و فراق دن عبارت کونلار دبب تصویرلیدی.

کلیب دنیا گه مبن هم بیر کولرمنمی؟
يا که دائم هجر اوتی ده کویر منمی؟
چیت ایل لرده بوبینیم قیسیب بوررمنمی؟
شوندای یوریب چیت ایل لرده اولرمنمی؟
اولوغ وطن دیدار نینگ نی کورر منمی؟

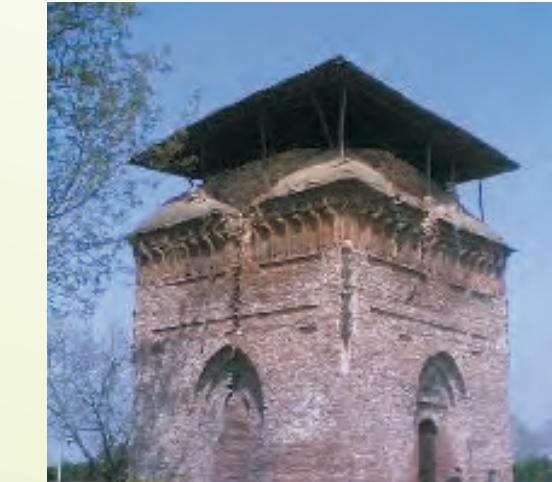
بوگونگی چوقور اداراک ایتلگن حقیقت شونی کورستهدی که، سابق شوروی دوریده اوزبیک تیل ضیالیلری کبی اوزبیک تیلی هم جفا چکب و اوئیننگ ایش کوریش ساحه سی تاریب قدمی لغت بایلیکی کېبلشیب کېلادی.
اوزبیک خلقی نینگ حیاتی ده بیرینچی درجه‌لی اهمیت که مالک اوزبیک تیلی نینک اوتمیشی، شان - شوکتی، بایلیگی، تاریخی اورنى توغریسیده مهجوری قلم تبیره تر ایگن اونى شوندەی تصویرلیدی:

قدرینگ اصلاً توشه سین ای جانه - جان اوزبیک تیلی
جمله عافت دن خدا قیلسین امان اوزبیک تیلی
سینگه قصد اپتکن کشی لار نینگ توپلیسون تیل لری
بیز گه سین اجدا دن قالگن نشان اوزبیک تیلی

یعقوب خواجه مهجوری تیل شناس هم دیر. او اوزبیک تیل نینگ قادعه و قانونلرینی اورگوچی "تیل بوروغ" ناملى کتاب نینگ مولفی. اوئیننگ بو اثری تورکی خلقلارنینگ کوپ عصرلیک مشترک الفبای. عرب فارس باروی اساسی دهگی الفباده يازبلگن بولیپ اوونده تیل نینگ گرامری خصوصیتاری اوز عکسی نی تاپگن. شو جهت دن بو کتاب اینقشه مهاجرت ده کتته اهمیت کسب اپتدای. مولف کتاب ده نوایی و فضولی نینگ تیل و املا حیددگی سوزلری دن مثال هم کیلتارگن. کتاب نینگ ایگننیچی قسمی ده اپسه تاریخ ده اوزبیک - تورکی تیلی گه بولگن تادیقلر توغریسیده سوز باره‌دی. شعریت ده یعقوب خواجه مهجوری نینگ الهام منبعی آنه وطن و آنه خلقی دیر. بو حقیقت اوئیننگ قلمی گه منسوب هر بیر مصروف ده يارقین اوز افاده سی نی تاپگن.

هر بیر ملت نیننگ تیلی ده اوئیننگ کوپ عصرلی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدنی معنوی حیاتی، ترقیاتی نینگ تاریخی اوز عکسی نی تاپه‌دی. اپنگ کم سانلى ایلت نینگ تیلی هم اوشه خلق مدنیتی نینگ بوبیوك یوتونغی دیر. شو معنی ده جماعتچیلیک اپتگی اساسی ده اوزبیک تیلی افعانستان دهگی باشنه تیل لر قطاریده رسمي تیل بولیشی هم تصادفی ایمس. اوزبیک تیلی نی صفت جهتی دن بینگی باسقیج گه کوتاریلیشی و اوئیننگ اجتماعی وظیفلری کینگنیشی اوزبیگلارنینگ حیاتی ده بیرینچی درجه‌لی اهمیت گه اپگه. بوگونکی چوقور ادرال اپتیلگن حقیقت شونی کورستهدی کی، اوتنگ تورلی بیلر داومیده ملي تیلرلگه بولگن مناسبت اوئیننگ ایش کوریش دابره سیگه هم اوزی نیننگ صلبی تاثیری نی کورستمنس دن قالمهدی. مهاجر بورنداشلر بیلگن اوزبیک تیلی گه بختلپ يازبلگن قوبیده‌گی قصیده اوئیننگ حقیقی قیافه سی نی تصویرلیدی.

یعقوب خواجه مهجوری نیننگ بدیهی مهارتی گه کېلگن ده شاعر نیننگ الهام منبعی آنه تیل و اوز خلقی ایگنلیکی گه گواه بولمه‌سیز. اوئیننگ "اوزبیک تیلی" قصیده سی اوزی نیننگ سیر مضمونلیگی، حقیقت بیانی و تاربخیلیگی بیلن اوزبیک تیلی که نیچاغلیک بوبیوك مقام بیره‌دی.





اعتبار ببرمینگ
هېچ قىسى يوق
Never mind
No trouble at all

مهم نىست
هېچ زحمتى نىست

اداما (2)

محاوره اوزبىگى (3)

فوتلار و ايستكلار Congratulatio ns and Wishes تبرىكات و آرزوها

توغىلگەن كونىنگىز قوتلوق بولسىن!
ينىگى بېلىنگىز قوتلوق بولسىن!
قوتلار، قوتلەيمىن!
سيزگە موفقىت تىلەيمىن!
اپنگ يخشى تىكىلار تىلب قالىمن
وقيتىنگىز يخشى اوتسىن!

Happy birthday!
Happy New Year!
Congratulations!
Best luck!
All the best!
Have a good time

روز تولد شما مبارك!
سال نو تان مبارك!
تبرىكات، مبارك باشد!
براييان موفقىت مىخواهم
موفق باشىد!
وقت خوش داشته باشىد!

عزيز الله ارال

ايلىتماس Request خواهش

مېنگە بير التفات قىلە ئىسىزمى؟
مېنگە ترجمە قىلىش دە ياردىم بېرىھەلە.
سيزمى?
سيزنى بير دېقىقە بېزاوتە قىلىم بولە.
ديمى?
سيزدىن بير نرسە سورە سۈم بۇلەيدىمى?
جان و دل
البته

Could you do me a favor?
Could you help me with the
translation?
May I trouble you for a
moment?
May I ask you?
With pleasure
Certainly

از شما يك خواهش كرده
مېتوانم؟
براي ترجمه كردن كمك كرده
مېتوانىد؟
مېتوانم شما را براي يك دقique ناراحت
بسازم؟
مېتوانم از شما يك چىز بېرسىم؟
بە هەردو دىدە
حتما

مخالفت (باش تارتىش) Disagreement (Refusal) مخالفت (خود دارى)

يوق
سيزنىنگ فكىرنىڭىزگە قوشىلمە يمن
مېن باشقە چە فكردە من
مېن سىزگە ياشانمە يمن
البته يوق
لېكىن بۇ مېنگە ياقمىيدى
مېن بونگە قرشى من
سيز حق اېمس سىز
بو ممکن اېمس
بو عادالتسىزلىك
افسوس كە، مېن قرشى من

No
I don't agree with you
I have another idea
I don't believe you
Certainly not
But I don't like it
I am against it
You are not right
Impossible
It's not fair
Unfortunately, I'm Against it

نى، نخىر
من با فكر شما موافق نىستم
من نظر دىگرى دارم
من بە گپھاى شما باور نىيمىكتم
البته نى
اما اين را من دوست ندارم
من مخالف هىstem
شما درست نىيگوبييد
ناممکن است
بى عدالتى است
متاسفانە، من مخالف هىstem

اداما دارد...

ازكتاب "محاوره درى - انگلليسى - اوزبىكى"

afsoos لىنيش Regret پشيمانى

اتتىڭ
سيزگە جوده اچىنه من
خواطر لىمنگ
سيز بوندن خواطر لىمنگ
اوكسىنمنگ
پروا قىلمنگ
دوام اپتىرىنگ

What a pity!

I am so sorry for you

Don't worry

Don't let that worry you

Cheer up

Never mind

Come on

afsoos (جاي تأسف است)
متأسف
تشویش نكىند
شما از اين تشویش نكىند
خوش باشىد
مهى نىست
اداما دهيد

كىچىرىش Invitations دعوت

كېلىنگ سينما بارھيليك
بو جوده يخشى فكر
بېر پىالە چاي گە نىمە دېپسىز؟
اپرتهگە رىجنگىز قىدەھى؟
سيزنى شەھرىنىڭ دقت گە سزاوار
جايلرىنى كۈريش گە چىرماقچى من

Let's go to the cinema

That's a good idea

What about a cup of tea?

Do you have any plans for tomorrow?

I'd like to invite you To go sightseeing

بىابىيد سينما برويم
فڪر خوبى است
بە يك پىالە چاي ميل داريد؟
براي فردا چە پروگرام داريد؟
مى خواهم شما را به تماشاي
شهر دعوت كنم

كىچىرىم سورەش Apologies عذر خواهى

كېچىرىه سىز، عذر
كېچىرىه سىز
كوتتىرىپ قويگىنیم اوچون كېچىرىه سىز
عذر بى تىمۇر بېككەه أىتىپ
قوپىنگ
كېچىرىم سورە شىم كېرەك
سيزنى خە (غش) قىلاماقچى اېمس
اپدېم
بېزاوتە قىلگانىم اوچون كېچىرىم سىز
همه سى جايىدە

I am sorry

Excuse me

Excuse me for making you wait

Pass my excuse to Mr. Timour

I must apologize

I didn't mean to offend you

Excuse me for troubling you

That's all right

بىخشىد (متأسف)
معذرت مى خواهم
بىخشىد از اينكە شما را به انتظار
گذاشت
معذرت مرا به آفای تىمۇر بگويد
باید معذرت بخواهم
شما را نمى خواستم خە بىزازم
بىخشىد، شما را به زحمت ساختم
پروا ندارد

او گاهی شبانه به زندان می رود و از دور به تماشی او می نشینید؛ و گاه به پشت بام رفته و از آن جا به یاد یوسف به بام زندان چشم می دوزد. اما دلش تسلی نمی یابد و کم فراق یوسف بر سلامتی جسم و روح او اثر می گذارد و هر روز فرسوده تر و شکسته تر می شود. پس از سال ها، یوسف بر اثر شهرتش به تعییر خواب در زندان و تعییر خواب پادشاه مصر، از زندان آزاد می گردد و به عزیزی مصر برگزیده می شود. از طرفی شوهر زلیخا نیز می میرد و او را تنها می گذارد. زلیخا که از عشق یوسف پیر و شکسته شده و بینایی اش را از دست داده؛ پس از مرگ شوهرش فقیر می شود و کارش به گدایی و پیرانه نشینی می کشد. زلیخا بر گذرگاه عبور یوسف، خانه ای از نی می سازد و به انتظار او می نشینید. در این خانه، هرگاه زلیخا از عشق یوسف ناله می کند صدایش در نی ها می پیچد و آنان نیز با او همنوا می شوند. زلیخا که بت پرسست بوده؛ شی در پیشگاه پیش سجده می کند و می گویید: «من سال ها تو را عبادت کرده ام و همیشه دعایم این بوده که مرا به وصال یوسف برسانی. این بار فقط می خواهم یک بار دیگر او را بینم و با من سخن بگوید». ۱۶ قدر ندان آرام کنید

سبحگاه و قتی یوسف از آن جا عبور می کند؛ زلیخا هر چه فریاد می زند؛ از هیاهو و غوغای همراهان کسی به او توجهی نمی کند. زلیخا به خانه برمی گردد و با دست خود بتش را می شکند و از روی نصرع و اخلاص، پیشانی بر خاک می گذارد و می گوید: «ای پروردگار یوسف! تو که یوسف را از مشکلات رهانیدی و به سروری رساندی؛ دلت و خواری مرآ بین و به من رحم کن، مرآ از این غم رهایی ده و به وصال معشوقم برسان». هنگام برگشتن یوسف صدای گریه و متاجات زلیخا را می شنود و دلش به رحم می آید. به همراه انش دستور می دهد که آن زن بیچاره را به بارگاه او بیاورند تا شاید بتواند مشکلش را حل کند. در بارگاه یوسف، قتی زلیخا را به نزد او می بردند؛ زلیخا بی اختیار دهان به خنده می گشاید. یوسف از خنده های بی امان او تعجب می کند و علتش را می پرسد. زلیخا می گوید: «آن زمان که جوان و زیبا بودم و تروتمن را به پایت می ریختم مرآ از خود می راندی؛ ولی اکنون که از عشق تو پیر و نابینا و ناتوان شده ام؛ مرآ به حضورت می پذیری». یوسف او را می شناسد و می گوید: «زلیخا! چه بر سرت آمده است؟». زلیخا از شوق این که یوسف برای اولین بار او را به نام خطاب می کند مدهوش می شود. پس از به هوش آمدن می گوید: «عمر، آبرو، ثروت، جوانی و زیبایی من بر سر عشق تو بر باد رفت و سرانجامم این شده است». یوسف شکفت زده می پرسد: «اکنون از من چه می خواهی؟». زلیخا می گوید ابتدا این که دعا کنی خدا جوانی و زیبایی ام را به من برگرداند». یوسف دست به دعا برمی دارد و زلیخا دوباره جوان و زیبا می شود. زلیخا می گوید: «و دیگر این که با من ازدواج کنی». یوسف درمی ماند که چه پاسخی دهد. در همان حال جبرئیل نازل می شود و پسندیده بودن این وصلت را خبر می دهد. پس از سال ها فراق، زلیخا به وصال یوسف می رسد. در این استان زلیخا قدم به قدم با عشق یوسف پیش می رود و از تمام دارایی هایش (مثل زیبایی، جوانی، ثروت، حیله گری های دایه و...) برای رسیدن به معشوق استفاده می کند و به جایی نمی رسد اما وقتی تمام چیزهایی که به آن امید دارد را از دست می دهد و در عشق پاکباز می شود؛ به وصال معشوق می رسد.

مِنْبَعٌ : افْتَابٌ

من از نسل پاکان و پیامبرانم و این گونه رفتار، شایسته من نیست. اگر امروز از من دست برداری؛ تا دامن من به گناه آلوده نشود؛ قول می دهم به زودی به وصال من برسی .«یوسف» می گوید دو چیز مانع من است: اول خشم و مجازات پروردگارم که مرا به این زیبایی آفرید و دوم قهر و غصب عزیز که ولی نعمت من است». زلیخا می گوید: «از جانب عزیز نگران نباش که او را شرایبی زهرآلود می دهم و او را قربانی تو می کنم؛ پروردگارتنم که خودت می گویی بخشنده است؛ من آن قدر طلاو نقره برای کفاره گکاهت خرج می کنم؛ تا تو را بیخشند». یوسف جواب می دهد: «من به مرگ عزیز که جزمه را بخواهم از او ندیده ام؛ راضی نیستم و أمرزش پروردگار را هم نمی توان با روش دادن به دست آوردن». در این غوغای اصرار عاشق و فرار مشوق، بیهدهن یوسف از پشت پاره می شود. زلیخا تهدید به خودکشی می کند ولی یوسف با مهربانی او را آرام می کند و از خانه بیرون می آید. بیرون از خانه یوسف به عزیز برخورد می کند. عزیز از حال او می پرسد ولی یوسف راز زلیخا را فاش نمی کند.

آن دو به داخل خانه می آیند. زلیخا وقتی آن دو را با هم می بیند به خاطر نگرانی از کار زشتی که انجام داده؛ پیش دستی می کند و به یوسف نسبت خیانت و تجاوز می دهد و پارگی پیراهن یوسف را نشانه دفاع از خود می داند. یوسف به ناچار حقیقت را می گوید و از خود دفاع می کند. عزیز در حیرانی این که واقعیت چیست و دروغگو کیست سرگردان می ماند. بالاخره به خاطر این که، پارگی پیراهن یوسف از پشت و در نتیجه فرار بوده است؛ عزیز به دروغگویی زلیخا و پاکدامنی یوسف پی می برد. هر سه نفر درگیر در این ماجرا، سعی می کنند داستان پنهان بمانند؛ اما داستان این رسوایی منتشر می شود و زنان مصری زبان به طعن و کنایه می گشایند که «زلیخا چرا دل به عشق غلامی پست و بی مقدار سپرده است؛ و شرم آورتر این که، غلام نیز دست رد به سینه او زده است». این سخنان بر زلیخا سیار گران می آید؛ پس جشنی فراهم می آورد و زنان صاحب منصب و اشراف مصر را به آن جشن دعوت می کند سپس در دست هر کدام کارد و ترنجی قرار داده و به یوسف فرمان می دهد؛ تا در جمعشان حاضر شود.

زنان مصری چون چهره زیبا و آسمانی یوسف را می بینند؛ چنان حیران او می شوند که به جای ترنج دست خود را می برند و درد و رنجی حس نمی کنند. از آن زنان، عده ای از عشق یوسف جان به در نمی برند و در همان مجلس می میرند؛ عده ای دیوانه و مجنون می شوند و بقیه نیز چون زلیخا دل به عشق غلام زیارو می سپارند. از این پس زنان مصر دست از سرزنش زلیخا بر می دارند ولی از سوی دیگر، رقیب عشق او نیز می شوند و هر کدام برای جلب محبت یوسف قاصدی به سوی او می فرستند. سرانجام یوسف به درگاه پروردگار دعا می کند: «خدوندا من در زندان بودن را به همنشینی با این زنان و سوسنه گر ترجیح می دهم». خداوند دعای او را مستجاب می کند و زلیخا برای رام کردن این زیاروی سرکش، او را به زندان می اندازد. مدتی می گذرد.

نیدین روی مشعوق به جای این که آتش عشق زلیخا را خاموش کند؛ آن را شعله ورتر می سازد. او از به زندان اندختن یوسف پشیمان می شود اما دیگر خیلی دیر شده و او حتی از دیدن روی دلدار هم محروم گشته است.

یوسف و زلیخہ

(داستان)

آن جوان نیست که من در خواب دیدم؛ ای وای که گمراه شدم و عمرم تب شد!». اما به دلش الهام می‌شود که «اگر چه عزیز مصر، منظور و مقصود نیست؛ ولی بدون او هم نمی‌توانی به مشغوقت برسی». بس زلیخا آرام مگیرد و به انتظار دلدار می‌نشیند. از سوی دیگر در سرزمین کنعان، یوسف فرزند زیباروی یعقوب پیامبر، مورد حсадت ده برادر خود قرار می‌گیرد و او در چاه می‌اندازند و سپس او را به بھایی انداز، به کاروانی که رهسپار مصر است؛ می‌فروشنند. کاروان به مصر می‌رسد و یوسف را به معرض فروش مگذارند. زیبایی شگفت انگیز یوسف، ولوله ای در مصر برمنی انگیزد و از همه مردم برای دیدن او به بازار برد فروشان سرازیر می‌شوند. زلیخا هم که فرقاً یار و ملالت خانه عزیز دلگیر است و برای گردش به مرکز شهر آمد است؛ از ازدحام مردم کنچکاو می‌شود. وقتی نزدیک می‌رود با دیدن یوسف ناله ای جانسوز برمنی آورد و به دایه می‌گوید: «این همان جوانی است که دخواب دیدم و به عشق او از خانه پدر آواره شدم». اما دایه او را به صبر شکیبایی توصیه می‌کند. هنگام فروش یوسف، وقتی هر کسی قیمتی را بیان می‌کند؛ زلیخا چنان قیمتی پیشنهاد می‌کند که زبان همه خریداران بسته می‌شود؛ بنابراین یوسف را خریده و با شادمانی به خانه می‌برد. زلیخا، یوسف را بهترین لباس و جواهرات می‌آراید و به جای این که او را به عنوان غلام بد خدمت بگیرد؛ خودش خدمتگزار او می‌شود. اما هرچه زلیخا به یوسف مهربانی می‌کند و عشق به پایش می‌ریزد؛ از او چیزی جز سردی و کناره گیری نمی‌بیند و با وجود اصرار دایه و زلیخا، یوسف به خاطر شرم و پاکدامنی، حتی چهره او هم نگاه نمی‌کند.

زليخا که از هجران يار بی طاقت شده؛ به دایه التماس می کند و
«چاره ای ساز تا دلدارم با من مهریاتر شود و آتش عشقم در دلش شعله و
گردد». دایه می گوید: «باید خرج بسیاری کنی و ساختمانی بزرگ و زیبا
بسازی. در این ساختمان هفت اتاق پشت سرهم تعییه کن که در اتاق او
نقاشان تصویر تو و یوسف را در کنار هم بر در و دیوار و سقف و کف اتاق
بکشند؛ تا وقتی یوسف از تو رو برمی گرداند به هرجا نگاه کند؛ خودش و تو
در کنار هم بییند. در اتاق دوم تصویر تو و یوسف را به هم نزدیکتر نشان ده
و به همین ترتیب تا اتاق هفتم که در کنار هم باشید و به وصال هم رسید
اید. یوسف چون این تصاویر را در هرسوی اتاق ها بییند آتش عشق در دلش
روشن می شود و تو را به کام دل می رساند. زليخا به معماران و نقاشان دستور
می دهد؛ این چنین ساختمانی را برای او آماده کنند. پس از آماده شدن
ساختمان، زليخا خود را به زیباترین حالت می آراید و یوسف را به اتاق او
دعوت می کند. اما افسون او در یوسف اثر نمی کند. پس او را مرحله به مرحد
به اتاق های دیگر می برد. در اتاق هفتم، کار زليخا به التماس و زاری می رس
ولی یوسف به هر طرف روی برمی گرداند (حتی پرده ها و سقف) خود را در
کنار زليخا می بیند؛ بالاخره رغبتی به زليخا پیدا می کند و به او می گوید:

در مغرب زمین پادشاهی به نام طیموس زندگی می کرد که دختری زیارو به نام زلیخا داشت. شهرت زیبایی این دختر به همه جا رسیده بود و خواستگاران زیادی از امیران و پادشاهان جهان داشت؛ اما به هیچ کدام روی خوش نشان نمی داد و دلش از غم عشق فارغ بود. او در ناز و نعمت زندگی را به خوشی می گذراند؛ تا این که شبی در خواب، جوانی را می بیند که زیبایی اش از حد انسانی افزون تر بود و به یک نگاه، دل از او می برد. زلیخا از خواب می پرد ولی دیگر آن خوشی ها و شادی های کودکانه از دل رخت بسته است. او به هر جا می نگرد چهره محبوب را می بیند و با خیال او راز و نیاز می کند. زلیخا دایه ای دارد که از کودکی از او نگهداری می کرده و زنی حله گ است.

او به تغییر در رفتار و کردار زلیخا پی می برد و با چرب زبانی از او می پرسد که «چرا غمگینی؟ گویا عاشق کسی هستی؛ بگو او کیست؟» زلیخا راز خوابی که دیده است را بیان می کند و دایه نیز این راز را، پنهانی به پدر زلیخا می گوید و باعث آشتفتگی او می شود. این عشق، روز به روز زلیخا را نحیف تر و فرسوده تر می کند تا این که پس از یک سال، دویاره آن جوان بی همتنا را در خواب می بیند و به پایش می افتد که «کیستی؟ از فرشتگانی یا آدمیان؟» جوان زبان به سخن می گشاید که «من انسانم و اگر تو واقعاً عاشق من هستی باید بیمان بندی که با کسی جز من ازدواج نکنی؛ چون من دلسته تو هستم». زلیخا با خوشحالی بیدار می شود و دستور می دهد حلقه ای طلازی و جواهرنشان به شکل مار بسازند و به نشانه پای بندی به عشق آن جوان، به پایش می بندد. زلیخا در این عشق تا یک سال دیگر می سوزد و می سازد تا این که برای سومین بار، جوان زیبارو را در خواب می بیند؛ این بار با التمام و زاری از او خواهش می کند که نام و محل زندگیش را بگوید. جوان می گوید: «اگر به گفتن این مطلب راضی می شوی؛ عزیز مصرم و در آن کشور هستم» زلیخا با شادی بسیار برمی خیزد و از کنیزان و ندیمه های خود از مصر می پرسد. دیگر در هر مجلسی که می نشینید آن قدر از سرزمین های مختلف سخن می گوید تا کلام به مصر و عزیز برسد و این گونه به قلب خود آرامش می دهد. هم چنان از هر سرزمینی جوانان بسیاری به خواستگاری زلیخا می آیند ولی زلیخا که چشم امید به سرزمین مصر دوخته است؛ همه را از خود می راند. تا این که آوازه زیبایی زلیخا به گوش بوطیفار، عزیز (وربر و خزانه دار) مصر هم می رسد و خواستگارانی را نزد طیموس (پدر زلیخا) می فرستند. زلیخا شادمان از این که لحظه وصال نزدیک است؛ همسری عزیز مصر را می پذیرد و با کاروانی از خدمتکاران به سوی مصر حرکت می کند. در نزدیکی مصر، عزیز به استقبال کاروان می رود و با تقدیم هدايا به آنان خوشامد می گوید. زلیخا که برای دیدن معمشوق بی تاب است؛ از دایه می خواهد لحظه ای عزیز را به او نشان دهد. دایه شکافی در دیوار خیمه ایجاد می کند تا او بتواند مشعوشوق را بینند. زلیخا چون عزیز را می بیند؛ آه از نهادش برمی آید که «او!

supplier is not practicable for some reason, it is also allowed that he makes the customer himself his agent to buy the commodity on his behalf. In this case the client first purchases the commodity on behalf of his financier and takes its possession as such. Thereafter, he purchases the commodity from the financier for a deferred price. His possession over the commodity in the first instance is in the capacity of an agent of his financier. In this capacity he is only a trustee, while the ownership vests in the financier and the risk of the commodity is also borne by him as a logical consequence of the ownership. But when the client purchases the commodity from his financier, the ownership, as well as the risk, is transferred to the client.

7. As mentioned earlier, the sale cannot take place unless the commodity comes into the possession of the seller, but the seller can promise to sell even when the commodity is not in his possession. The same rule is applicable to Murabaha.

8. In the light of the aforementioned principles, a financial institution can use the Murabaha as a mode of finance by adopting the following procedure:

Firstly: The client and the institution sign an over-all agreement whereby the institution promises to sell and the client promises to buy the commodities from time to time on an agreed ratio of profit added to the cost. This agreement may specify the limit up to which the facility may be availed.

Secondly: When a specific commodity is required by the customer, the institution appoints the client as his agent for purchasing the commodity on its behalf,

and an agreement of agency is signed by both the parties.

Thirdly: The client purchases the commodity on behalf of the institution and takes its possession as an agent of the institution.

Fourthly: The client informs the institution that he has purchased the commodity on his behalf, and at the same time, makes an offer to purchase it from the institution.

Fifthly: The institution accepts the offer and sale is concluded whereby the ownership as well as the risk of the commodity is transferred to the client.

All these five stages are necessary to effect a valid Murabaha. If the institution purchases the commodity directly from the supplier (which is preferable) it does not need any agency agreement. In this case, the second phase will be dropped and at the third stage the institution itself will purchase the commodity from the supplier, and the fourth phase will be restricted to making an offer by the client. THE MOST ESSENTIAL ELEMENT OF THE TRANSACTION IS THAT THE COMMODITY MUST REMAIN IN THE RISK OF THE INSTITUTION DURING THE PERIOD BETWEEN THE THIRD AND THE FIFTH STAGE. This is the only feature of Murabaha which can distinguish it from an interest-based transaction. Therefore, it must be observed with due diligence at all costs, otherwise the Murabaha transaction becomes invalid according to Shari'ah.

9. It is also a necessary condition for the validity of Murabaha that the commodity is purchased from a third party. The purchase of the commodity from the client himself on 'buy back' agreement is not allowed in Shari'ah. Thus Murabaha based on 'buy

'back' agreement is nothing more than an interest based transaction.

10. The above mentioned procedure of the Murabaha financing is a complex transaction where the parties involved have different capacities at different stages.

(a) At the first stage, the institution and the client promise to sell and purchase a commodity in future. This is not an actual sale. It is just a promise to effect a sale in future on Murabaha basis. Thus at this stage the relation between the institution and the client is that of a promisor and a promisee.



(b) At the second stage, the relation between the parties is that of a principal and an agent.

(c) At the third stage, the relation between the institution and the supplier is that of a buyer and seller.

(d) At the fourth and fifth stage, the relation of buyer and seller comes into operation between the institution and the client, and since the sale is effected on deferred payment basis, the relation of a debtor and creditor also emerges between them simultaneously.

All these capacities must be kept in mind and must come into operation with all their consequential effects, each at its relevant stage, and these different capacities should never be mixed up or confused with each other.

11. The institution may ask the client to furnish a security to its satisfaction for the prompt payment of the deferred price. He may also ask him to sign a promissory note or a bill of exchange, but it must be after the actual sale takes place, i.e. at the fifth stage mentioned above. The reason is that the promissory note is signed by a debtor in favor of his creditor, but the relation of debtor and creditor between the institution and the client begins only at the fifth stage, whereupon the actual sale takes place between them.

12. In the case of default by the buyer in the payment of price at the due date, the price cannot be increased. However, if he has undertaken, in the agreement to pay an amount for a charitable purpose, he shall be liable to pay the amount undertaken by him. But the amount so recovered from the buyer shall not form part of the income of the seller / the financier. He is bound to spend it for a charitable purpose on behalf of the buyer.



Murabaha

M.Taqi Osmani

Murabaha is a particular kind of sale where the seller expressly mentions the cost of the sold commodity he has incurred, and sells it to another person by adding some profit or mark-up thereon.

The profit in Murabaha can be determined by mutual consent, either in lump sum or through an agreed ratio of profit to be charged over the cost.

All the expenses incurred by the seller in acquiring the commodity like freight, custom duty etc. shall be included in the cost price and the mark-up can be applied on the aggregate cost. However, recurring expenses of the business like salaries of the staff, the rent of the premises etc. cannot be included in the cost of an individual transaction. In fact, the profit claimed over the cost takes care of these expenses.

Murabaha is valid only where the exact cost of a commodity can be ascertained. If the exact cost cannot be ascertained, the commodity cannot be sold on Murabaha basis. In this case the commodity must be sold on Musawamah (bargaining) basis i.e. without any reference to the cost or to the ratio of profit / mark-up. The price of the commodity in such cases shall be determined in lump sum by mutual consent.

Murabaha as a mode of financing

Originally, Murabaha is a particular type of sale and not a mode of financing. The ideal mode of financing according to Shari'ah is Mudarabah or Musharakah. However, in the perspective of the current economic set



up, there are certain practical difficulties in using Mudarabah and Musharakah instruments in some areas of financing. Therefore, the contemporary Shari'ah experts have allowed, subject to certain conditions, the use of the Murabaha on deferred payment basis as a mode of financing. But there are two essential points which must be fully understood in this respect:

1. It should never be overlooked that, originally, Murabaha is not a mode of financing. It is only a device to escape from "interest" and not an ideal instrument for carrying out the real economic objectives of Islam. Therefore, this instrument should be used as a transitory step taken in the process of the Islamization of the economy, and its use should be restricted only to those cases where Mudarabah or Musharakah are not practicable.

2. The second important point is that the Murabaha transaction does not come into existence by merely replacing the word of "interest" by the words of "profit" or "mark-up". Actually, Murabaha as a mode of finance has been allowed by the Shari'ah scholars with some conditions. Unless these conditions are fully observed, Murabaha is not permissible. In fact, it is the observance of these conditions which can draw a clear line of distinction between an interest-bearing loan and a transaction of Murabaha. If these conditions are neglected, the transaction becomes invalid according to Shari'ah.

Basic features of Murabaha Financing

1. Murabaha is not a loan given on interest. It is the sale of a commodity for a deferred price which includes an agreed profit added to the cost.

2. Being a sale, and not a loan, the Murabaha should fulfill all the conditions necessary for a valid sale.

3. Murabaha cannot be used as a mode of financing except where the client needs funds to actually purchase some commodities. For example, if he wants funds to purchase cotton as a raw material for his ginning factory, the Bank can sell him the cotton on the basis of Murabaha. But where the funds are required for some other purposes, like paying the price of commodities already purchased by him, or the bills of electricity or other utilities or for paying the salaries of his staff, Murabaha cannot be effected, because Murabaha requires a real sale of some commodities, and not merely advancing a loan.

4. The financier must have owned the commodity before he sells it to his client.

5. The commodity must come into the possession of the financier, whether physical or constructive, in the sense that the commodity must be in his risk, though for a short period.

6. The best way for Murabaha, according to Shari'ah, is that the financier himself purchases the commodity and keeps it in his own possession, or purchases the commodity through a third person appointed by him as agent, before he sells it to the customer. However, in exceptional cases, where direct purchase from the

به فرمان حقیقت رفتم اندرون قبر با شادی
که تا بیرون کشم از قبر ظلمت نقش آزادی



۱۲۸ اسد نود و دوین سالروز استقلال کشور

و حماسه آفرینی های ملت آزاده افغانستان



هیأت رهبری غضنفر بانک

تمويل مالی غضنفر بانک بر اساس مشارکت و مرابحه

Musharakah

مشارکت یک سرمایه گذاری مشترک میان افراد جهت برآه اندازی یک تجارت می باشد طوریکه هریک از شرکا مفاد را نظر به "نسبت" که از قبل تعین شده و یا نظر به سرمایه ایشان بدست می آورند و ضرر به اساس مقدار "سرمایه" هر شخص تقسیم میگردد. غضنفربانک نیز این نوع شراکت را با مشتریان گرامی مطابق شریعت اسلامی برآه انداخته است تا بتوانند در رشد تجارت و اقتصاد کشور سهمیم شوند.

(Diminishing Musharakah/ House Financing)

مشارکت تنقیصی یکی از انواع شراکت می باشد که در غضنفر بانک مورد استفاده قرار گرفته است. این مشارکت طوری می باشد که یک سهم مشخص از طرف بانک و یک سهم مشخص از طرف مشتری در عقد مشارکت تنقیصی سرمایه گذاری می گردد و از پرداخت مجموع این اسهام یک نوع مشارکت میان بانک و مشتری به وجود می آید. کلمه تنقیصی یا Diminishing به مفهوم کم شدن، پائین آمدن می باشد، طوریکه مشتری به اداره بانک تعهد می نماید که سهم بانک را خریداری نماید و در پایان مشتری پس از خریداری و پرداخت کرایه ماهوارمالک جایداد گردد.

Murabaha

مرابحه عقدیست که بانک نرخ سرخرید و مفادش را در مقابل فروش مال/جنس اعلان و آشکار میکند که قیمت آن از طرف مشتری به صورت فوری و یا اقساط پرداخت میگردد. غضنفربانک برای مشتریان این سهولت اسلامی را فراهم نموده است تا مشتریان ما بتوانند به خوبی کار و تجارت خویش را رونق بخشنند.

غضنفر بانک پیشتاز در بانکداری اسلامی